

تحریم انتخابات شکست خورد



هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و یکم | شماره ۱۰۰۵ | دوشنبه ۷ تیر ۱۴۰۰ | ۱۷ ذی‌القعدة ۱۴۴۲ | ۲۸ ژوئن ۲۰۲۱ | ۱۶ صفحه

افتخار ایران

آستین بالای رهبری برای حمایت تمام قد از واکسن کرونای تولید داخل



آغاز حرکت بزرگ

نگاهی به آثار بین‌المللی و منطقه‌ای انتخابات ۱۴۰۰
به قلم معاون سیاسی دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا

آینده روشن محور مقاومت

نسخه صوتی صبح صادق

بشنوید

Beshnavidd.ir



سر مقاله

افتخار ایران

علی حیدری

نسر دبیر

صبح روز جمعه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دُز اول واکسن داخلی «کسو ایران برکت» را دریافت کردند تا بار دیگر بر این واقعیت که رهبر معظم انقلاب در جایگاه‌عالی‌ترین مقام در جمهوری اسلامی هیچ اولویت و امتیازی در بهره‌مندی از خدمات عمومی برای خود قائل نبوده و نیستند، مهر تأییدی زده شود؛ اما فراتر از تزریق واکسن تولید داخل به ایشان این موضوع از چند جنبه حائز اهمیت است:

اول اینکه، تأکيدات مکرر ایشان بر توجه‌به‌توان و استعدادهای داخلی، اهتمام به تولید ملی و بها دادن به دانشمندان جوان کشور مان بر کسی پوشیده نیست. رهبر معظم انقلاب در کنار رهنمودهای سازنده، موانع زیادی را از مسیر جوانان نخبه در تولید علم و جنبش نرم‌افزاری برداشته‌اند و یکی از توصیه‌های مؤکد معظم‌له به مسئولان و مدیران اجرایی کشور حمایت همه‌جانبه از این نیروها بوده است. در موضوع واکسن نیز تأکید و اصرار ایشان بر دریافت واکسن داخلی نیز رهبر معظم انقلاب با این اقدام به تلاش محققان و دانشمندان جوان ایرانی که به تازگی به بار نشسته و ایران را به یکی از شش کشور تولیدکننده واکسن کرونا در جهان تبدیل کرده، ارزش و بهای ویژه‌ای بخشیدند. این حرکت و اقدام حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب موجب تقویت انگیزه جوانان دانشمند و محقق کشورمان برای طی مسیر تولید علم و فناوری و فتح قله‌های دانش و خودباوری خواهد شد.

دوم اینکه تزریق واکسن در کشورمان با توجه به تقسیم‌بندی بر اساس رده سنی از کهنسالان شروع شده و به مرور زمان و به ترتیب سنین پایین‌تر را شامل می‌شود. رهبر ۸۲ ساله انقلاب در زمره اولویت اول تزریق واکسن در اردیبهشت ماه بودند که می‌توانستند مانند عموم مردم واکسن دریافت کنند؛ اما ترجیح واکسن داخلی به واکسن خارجی از سوی ایشان سبب شد تا دو ماه دیرتر و وقتی که بیشتر افراد بالای ۷۰ سال هم واکسینه شده‌اند، پس از اینکه اولین واکسن ایرانی مجوز اضطراری از سوی وزارت بهداشت دریافت کرد، اقدام به این کار بکنند. این نکته مهم نشان می‌دهد، سخنان و انتظارات ایشان در حد حرف و سخن نیست و رهبر جامعه اسلامی در عمل هم به آنچه می‌گویند مقید هستند و تا پای جان و سلامت خود روی آن ایستادگی می‌کنند؛ از این رو ایشان مصداق این روایت امام صادق(ع) هستند که می‌فرماید: «کونوا دعاه الناس بغیر السننکم»؛ دعوت‌کننده مردم با غیر زبان‌های‌تان باشید.

سوم اینکه این اقدام رهبر معظم انقلاب از یک سو اعتماد مردم را به واکسن‌های تولید شده در داخل کشور و توانمندی‌های فرزندان این مرز و بوم افزایش خواهد داد و از سوی دیگر تمایل بازارهای بین‌المللی برای خرید واکسن از ایران را که یکی از قطب‌های اصلی تولید واکسن در جهان شده است، افزایش خواهد داد.

البته در این بین رسانه‌ها و افکار عمومی نباید از فضاسازی تبلیغی جریان تحریف داخلی و خارجی غفلت کنند؛ چرا که آنها به هر شکل ممکن خواهند کوشید این اقدام ارزشمند و این موفقیت بزرگ را مخدوش کرده و با حاشیه‌پردازی‌های متداول خود مانع از معرفی و نمایش این افتخار بزرگ و ماندگار شوند.

عزیز غضنفری

کارشناس سیاسی

جمهوری اسلامی ایران خود را برای تشکیل دولت و قوه مجریه جدید آماده می‌کند. ماجرای شکل‌گیری دولت‌ها در ایران به منزله یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی کشور که آثار متنوع گوناگونی دارند، قابل بررسی و ارزیابی هستند. پرداختن به مسئله آغاز برپایی دولت‌ها از ابعاد گوناگون قابلیت بحث دارد و سودمند است، اما در این متن از منظر نقش دولت‌ها در افزایش و تعمیق وفاق ملی نکاتی از نظر می‌گذرد.

تجربه تاریخی وفاق ملی

تجربه تاریخی گویای آن است که مقطع شکل‌گیری دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران به دلایل مشخص نتوانسته است شاخصه‌های انسجام و وفاق ملی را افزایش دهد؛ چه آنکه در مواردی نیز موجب ظهور برخی واگرایی‌ها شده است. این در حالی است که وفاق و انسجام درونی– حتی اگر تهدید و دشمنی بیرونی نیز در کار نباشد– ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، حال آنکه هم اکنون تهدیدات ترکیبی متعددی امنیت و منافع ملی ایران را به مخاطره انداخته است؛ از این رو توجه به این موضوع و کوشش برای تحقق آن از اهمیت اساسی برخوردار است.

در این زمینه نکته اساسی آن است که با شروع به کار هر دولت و متأثر از غیریت‌سازی‌ها و قطب‌بندی‌های پیش از انتخابات و اختلافات مبنایی و فکری جریان‌های سیاسی عملاً صف‌بندی جدیدی در درون کشور شکل می‌گرفت. شاید بتوان گفت پایه‌گذار چنین وضعیتی به دوم خرداد سال ۱۳۷۶ برگردد؛ چرا که تا پیش از آن چنین قطب‌بندی شدیدی در فضای سیاسی ایران وجود نداشت و در دوره‌های ماقبل آن بسیاری از نیروهای راست و چپ در یک دولت در کنار هم‌دیگر قرار می‌گرفتند. هر چند در مواردی از جمله در سال ۱۳۶۲ به دلیل سیاست‌های دولت‌سالارانه دولت مهندس موسوی، احمد توکلی و حبیب‌الله عسگرآولادی، ناطق نوری و پرورش از کابینه استعفا

داده یا اخراج می‌شوند؛ اما در هر حال این اتفاقات به شکل موردی و استثنایی و معطوف به رویکردهای اقتصادی دولت وقت قابل بررسی است. در سال ۱۳۷۶ این واگرایی‌ها منشأ سیاسی پیدا کرد و به صراحت از کنار گذاشتن مدیران غیرهم‌فکر از نظر سیاسی سخن به میان آورده شد. در این باره برادر رئیس‌جمهور وقت، محمدرضا خاتمی در مشهد و در جریان تبلیغات دوره هشتم انتخابات ریاست‌جمهوری بیان کرد که هرکس پیام دوم خرداد را درک نکرده است، باید کنار برود. هرکس که با اصلاحات نیست، باید کنار گذاشته شود. تقریباً از آن تاریخ به بعد این تلقی ایجاد شد که روی کار آمدن هر دولتی به معنای آن است که مدیران کشور از بالاترین سطح تا پایین‌ترین رده مدیریتی نظام اداری کشور باید کنار گذاشته شود.

انتخابات۱۴۰۰ و پدید آمدن درک جدید

در این جا سخن این نیست که در زمینه عزل و نصب‌ها نسبت به موضوع همفکری سازمانی و اداری و جهت‌گیری‌های فکری و تئوریک که برای پیشبرد اهداف و تحقق منافع کشور مفید است، بی‌تفاوت بود؛ سخن بر سر این است که درباره موضوع به کارگیری و استفاده از همه ظرفیت‌های بخش اجرایی و کارشناسی کشور باید قاعده و ضابطه وجود داشته باشد و صرف همراهی نکردن در انتخابات یا اختلاف سلیقه سیاسی دلیلی بر کنار گذاشتن یک مدیر و کارشناس متخصص و مجرب نمی‌شود؛ امری که در کشور ما به یک قاعده رایج تبدیل شده است. انتخابات ۱۴۰۰ نشان داد، کشور در زمینه سرمایه اجتماعی ناشی از بدکارکردی‌ها و توسعه مشکلات اقتصادی و معیشتی و جنگ اقتصادی دشمن دچار زیان و آسیب‌های جدی شده است و تا دیر نشده لازم است برای حل این مسئله و چالش طرحی درانداخت. در این باره شرط اساسی آن است که شاخصه‌های انسجام و یکپارچگی ملی تقویت شده و تعمیق یابد. در این مرحله باید به سمت تحقق دولت کارآمد حرکت کرد. هنوز نمی‌توان به قطعیت قضاوت کرد و لازم است تا آغاز به کار دولت آقای رئیسی منتظر ماند، اما برخی نشان‌ها مانند دیدار مهم و معنادار آقای رئیسی در جریان تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ با مدیران برخی از رسانه‌های اصلاح‌طلب بر

دولت آقای رئیسی و نوید حرکت به سمت وفاق ملی

وفاق ملی نیاز همیشگی

گزاره‌هایی تأکید کرد که می‌تواند امیدبخش باشد.

راهکارهای تحقق وفاق ملی

به نظر می‌رسد، وفاق ملی با تبلیغات و شعار پدید نمی‌آید، بلکه لازم است برای شکل‌یابی آن طراحی صورت گیرد و در عمل به الزامات آن همت گماشت:

ضابطه‌مندی در وفاق ملی: تحقق وفاق ملی به معنای آن نیست که رویکرد حاکم بر اداره کشور از بی‌نظمی و بی‌قاعدگی و تشتت برخوردار باشد. در مرحله تصمیم‌سازی تا آنجا که امکان دارد فضای کارشناسی را توسعه داد و از نگاه‌های گوناگون استفاده کرد، اما وقتی تصمیم گرفته‌شد نباید در عمل و اجرا دچار چندپارگی و تشتت شد. پایبندی به اخلاق سیاسی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ضابطه‌مندی در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی است. آزادی‌های سیاسی و اجتماعی یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است. در این باره لازم است با رعایت شرع و قانون به سمت تحقق کامل آن حرکت کرد. جامعه ایرانی دو هویت اسلامی و ایرانی دارد؛ از این منظر دولت آقای رئیسی با این ضابطه کلان باید مسیر حرکت خود را طراحی و عملیاتی کند. در این باره اهتمام به پیاده‌سازی الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت چارهم‌ساز خواهد بود.

برپایی دولت کارآمد: در این زمینه آنچه اهمیت دارد، آن است که از مدیریت کارآمد که دارای روحیه عدالت‌خواهی و فسادناپذیری و داشتن شاخص تخصص و شناخت باشد، حمایت کرد. دولت کارآمد دولتی است که مسائل کشور را اولویت‌بندی کند و امروز که سامان دادن به اقتصاد و معیشت مردم اولویت نخست کشور است، بر این موضوع متمرکز شود و همه ظرفیت‌های انسانی، کارشناسی و مادی کشور را در راه تحقق این اصل فراهم آورد.

به رسمیت شناختن اختلاف‌نظرها و تکرش سیاسی:شواهدقطع‌ی تاریخی نشان می‌دهد، جامعه ایرانی جامعه‌ای متکثر از منظر سیاسی است. دولت آقای رئیسی که می‌خواهد مسیر وفاق ملی را بیماید، لازم است این اصل اساسی را بپذیرد، همه سلا‌ی را به دیده تکریم بنگرد و از دیدگاه‌های نیروها و عناصر سیاسی تا آنجا که به نفع ملت و کشور است ،بهره بگیرد. خوشبختانه آقای رئیسی

در سخنرانی اخیر خود در حرم رضوی بر موضوع کرامت همه مردم تأکید خاص از خود نشان دادند. آن چنان که آقای رئیسی به آن اشاره کرده، در مرحله تصمیم‌سازی دایره ارانه‌نظر و نقدپذیری محدودیتی ندارد. هنوز از یادها نرفته که برخی با ژست و شعار دموکراسی خواهانه منتقدان را به جهنم حواله دادند؛ آنها را بی‌سواد و مستضعف فکری نامیدند؛ منتقدان را بی‌شناسنامه، بزدل، دنیا ندیده، عقب مانده و متوهم معرفی کردند. بسیار روشن است که تکریم همه افراد جامعه و همه طبقات اجتماعی روحیه وفاق و انسجام را تقویت می‌کند و عدم تکریم، بذر نفرت و کینه را در جامعه می‌پراکند و منازعه را در جامعه به قاعده جاری تبدیل می‌کند.

وفاق ملی در معیار و عمل: همان گونه که پیشتر نیز اشاره شد، دولت وفاق ملی دولتی بی‌ضابطه و بدون قاعده نیست و تمام بدنه و ارکان نظام مدیریتی و سیاست‌گذاری کشور در عرصه عمل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مطابق بسا چارچوب عمل می‌کند. از این منظر دولت آقای رئیسی اول باید بکوشد که تحت هیچ شرایطی استقلال، تمامیت ارضی و منافع ملی کشور به مخاطره نیفتد. دوم التزام به قانون اساسی و مطالبات حقیقی مردم سرلوحه امور باشد؛ سوم جمهوریت و اسلامیت نظام با همه ابعاد و شاخصه‌هایش مدنظر قرار گیرد؛ چهارم اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی چراغ راه پیشبرد بخش‌های مختلف کشور باشد و پنجم اصل ولایت فقیه به عنوان رکن ثبات‌بخش و انسجام‌ساز و تضمین‌کننده حفظ سیاست‌های کلی نظام مورد توجه واقع شود.

جمع‌بندی

بر اساس آنچه بیان شد وفاق ملی یک امر تزئینی نیست، بلکه ضرورتی است که کشور به آن محتاج است. راهکار در پیش گرفتن وفاق نیز یکسان‌سازی افکار و نیروهای سیاسی نیست؛ که نه ممکن است و نه فایده‌ای بر آن مترتب است. در این باره باید با ساختن دولتی کارآمد و معطوف به حل مسائل مردم سرمایه اجتماعی را بازسازی کرد. کوشش برای استفاده از همه ظرفیت‌ها و تجربیات گذشته ضمن اینکه مؤلفه انسجام بین گروه‌های سیاسی را تقویت می‌کند، بلکه به پیرومن مسیر دشوار آینده نیز کمک شایانی می‌کند.

این شکل هندسی باید درست ترسیم شود

هزینه‌های سنگین خروج از برجام» یا «باقی ماندن در برجام» یک گزینه را انتخاب کند و تبعات هر یک از این موارد را نیز به لحاظ حقوقی و راهبردی پذیرا باشد. مقاومت خاص مقامات آمریکایی در مقابل این گزاره‌های قطعی و روشن، به‌وضوح نشان می‌دهد آنها قصد دارند «هزینه‌های خروج احتمالی از برجام» را به سود خود و دولت‌های بعدی در کاخ سفید کاهش دهند، مانند اتفاقی که در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ رخ داد.

نکته پایانی اینکه با موافقت رهبر معظم انقلاب اسلامی، قرار است کارگروهی متشکل از نمایندگان شورای عالی امنیت ملی، مجلس شورای اسلامی، وزارت خارجه و... تشکیل و بر خروجی و توافق نهایی صورت گرفته در وین نظارت شود. بدیهی است که این نظارت جمعی، با هدف «ایجاد تناسب میان تعهدات عملیاتی طرفین»، «سنجش مکانیسم راستی‌آزمایی بازگشت آمریکا به برجام» و «اخذ تضمین از طرف مقابل جهت بقای توافق هسته‌ای» و در نهایت، «ممانعت از تحدید ظرفیت‌های ایران در حوزه تحقیق و توسعه برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای» صورت خواهد گرفت. این کارگروه باید با جدیت کامل و با در نظر گرفتن منافع ملی کشور و از همه مهم‌تر، تجربه قبلی خروج آمریکا از برجام، مذاکرات وین را به سوی کسب نتیجه‌ای مطلوب رهنمون کند و با پنج مؤلفه «رفع واقعی و نظام مند تحریم‌های ضد ایرانی»، «راستی‌آزمایی بازگشت آمریکا به برجام»، «ارانه تضمین در خصوص حفظ توافق هسته‌ای از سوی آمریکا»، «پیشبرد برنامه‌های کشور در حوزه تحقیق و توسعه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای» و «همراه زیاده‌خواهی‌های آژانس در مذاکرات وین»، یک شکل هندسی متوازن را طراحی کند که بتوان از آن به مثابه یک «ترکیب قابل قبول» یاد کرد.

نسبت به «ارانه تضمین» در قبال باقی ماندن در توافق هسته‌ای گریزان هستند. این «تضمین‌گریزی» از سوی دموکرات‌هایی انجام می‌گیرد که در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ، مدعی بودند وی با خروج از توافق هسته‌ای دچار بزرگ‌ترین خطب ممکن در قبال ایران شده است! جالب توجه اینکه مقامات آمریکایی با تکیه بر «اصل استقلال دولت‌ها» مدعی هستند دولت آمریکا باید در هر لحظه‌ای که اراده کند، بتواند نسبت «برجام» و «منافع ملی آمریکا» را در نظر بگیرد و بر همین اساس، در خصوص باقی ماندن یا نماندن در توافق هسته‌ای تصمیم بگیرد! پاسخ این نکته به لحاظ حقوقی کاملاً مشخص است: بدون شک همه دولت‌ها در نظام بین‌الملل از استقلال در تصمیم‌گیری برخوردار هستند و به همین میزان، مسئولیت فواید و هزینه‌های رفتاری خود در قبال تعهدات داخلی، دوجانبه، چندجانبه و بین‌المللی خود را نیز مورد سنجش و پذیرش قرار دهند.

این قاعده در قبال نیز برجام نیز صادق است. بدیهی است که هیچ بازنگری نمی‌تواند دولت فعلی یا بعدی آمریکا را مکلف به «ماندن در برجام» کند، اما به دلیل ماهیت «بین‌المللی» توافق هسته‌ای، قطعاً در اینجا می‌توان سازوکارهایی را طراحی کرد که «هزینه‌های خروج دولت مستقر در آمریکا از برجام» به شدت افزایش پیدا کند، به گونه‌ای که «ریسک خروج یکجانبه از برجام» به یک «ریسک پرهزینه و بی‌فایده» در حوزه سیاست خارجی این کشور تبدیل شود. بدیهی است که در این میان، باید دولت فعلی و دولت‌های بعدی آمریکا مکلف شوند «هزینه‌ها و جرایم سنگین خروج یکجانبه از برجام» را نیز به سود «منافع ایران» و «طرف‌های باقیمانده در برجام» به گردش درآورند. در این میان، دولت آمریکا مخیر خواهد بود میان «پرداخت

اعضای کمیته مشترک برجام دست پیدا کنند. این «توافق مکتوب» در نگاه طرف غربی باید دو ویژگی داشته باشد: یکی اینکه به لحاظ ماهوی و حقوقی امکان مذاکره مجدد بر سر آن وجود نداشته باشد و دیگری اینکه برای دولت بعدی ایران، «تعهدآور» باشد؛ به گونه‌ای که عدول از تعهدات و تکلیفی که بر عهده ایران گذاشته می‌شود، مترادف با «اعلام خروج یکجانبه از برجام توسط ایران» تلقی شود. نکته دوم اینکه طرف آمریکایی و تروئیکای اروپایی هم به لحاظ «انتزاعی» و هم به لحاظ «عملیاتی» بر روی کلیدواژه‌ای به نام «برجام دفرمه شده» متمرکز هستند؛ یعنی توافقی که نه تنها از شکل اصلی خود فاصله گرفته باشد، بلکه بازگشت به آن صرفاً منجر به پررنگ شدن تعهدات ایران و کمرنگ‌تر شدن تکالیف غرب شود. یکی از اصلی‌ترین دلایلی که آمریکا و متحدانش طی شش دوره اخیر مذاکرات وین حاضر به ارانه «تضمین» در خصوص «باقی ماندن در برجام» نشده‌اند، همین مسئله است. آنها معتقدند «پایبندی واقعی به برجام» و «ارانه تضمین» در این خصوص، نسبت میان «تعهدات ایران» و «تکالیف غرب» را به سود تهران دگرگون کرده و توافق هسته‌ای را به یک «متغیر مستقل حقوقی» تبدیل خواهد کرد. این در حالی است که در نگاه طرف غربی، از ابتدا نیز قرار نبود برجام حکم یک «توافق مستقل» را داشته باشد، بلکه آنها (آمریکا و تروئیکای اروپایی) از توافق هسته‌ای به مثابه یک «فداندیسون» برای ورود به مذاکرات جامع منطقه‌ای و فرابرجامی با ایران یاد می‌کنند.

کاملاً بدیهی است که «ارانه تضمین در خصوص حفظ توافق هسته‌ای»، پاشنه آشیل نگاه ماهوی و استراتژیک و حتی تاکتیکی آمریکا نسبت به برجام است. از همین رو، مقامات کاخ سفید به شدت



حنیف غفاری

کارشناس روابط بین‌الملل

قرار است هفتمین دور مذاکرات «احیای برجام» به زودی در وین آغاز شود. برخی تحلیلگران، از دور هفتم مذاکرات به منزله «دور نهایی» گفت‌وگو یاد می‌کنند و برخی دیگر با توجه به مسائلی که هنوز میان طرف‌های مذاکره تعیین تکلیف نشده‌اند، رویکرد محتاطانه‌تری در این زمینه دارند. در این میان، پرسش‌ها و دغدغه‌های متعددی وجود دارد که لازم است هر یک از آنها با توجه به واقعیاتی که پشت میز مذاکرات وین می‌گذرد، تجزیه و تحلیل شود:

نخست اینکه، مذاکرات وین این بار در حالی برگزار می‌شود که تکلیف انتخابات ریاست‌جمهوری در کشورمان مشخص شده و طی ماه‌های آینده دولت فعلی و متعلقات آن (از جمله مقامات وزارت امور خارجه)، هدایت قوه مجریه را در دست نخواهند داشت. در چنین وضعیتی، واشنگتن و تروئیکای اروپایی مصر هستند که «مذاکرات وین» هر چه سریع‌تر به یک «خروجی» و «نتیجه نهایی» ختم شود. اصلی‌ترین نگرانی غرب این است که گارد دولت و تیم سیاست خارجی جدید در جمهوری اسلامی ایران، نسبت به دوران فعلی بسته‌تر شود و فراتر از آن، نتوان تاکتیک‌هایی مانند «ابهام‌سازی در روند مذاکرات» یا «خرید زمان در روند مذاکرات» را در قبال آن پیاده کرد. این مسئله قطعاً برای غرب خوشایند نیست. در مقابل، بایدن و همراهانش معتقدند، در فاصله‌ای که از آن با عنوان «پروسه زمانی انتقال دولت» نامیده می‌شود، باید به یک «توافق مکتوب و نهایی» با ایران و دیگر

افتخار آمریکایی!

دیگر را، به بهانه‌های گوناگون نقض کرده و می‌کند. ملت‌های مسلمان و از جمله ملت ایران، در دهه‌های گذشته، از قربانیان اصلی تروریسم دولتی آمریکا بوده، در حالی که آمریکایی‌ها به بهانه مبارزه با تروریسم، جنایات بی‌شماری را انجام داده‌اند. محورهای زیر، تا حدودی می‌تواند سیمای واقعی آمریکا در قبال حقوق بشر را آشکار کند: الف- کودتا در دیگر کشورها برای ساقط کردن دولت‌های مردمی و به قدرت رساندن دولت‌های دست‌نشانده آمریکا مانند: کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران؛ ۱۹۵۳ آلبانی؛ ۱۹۵۴ گواتمالا؛ ۱۹۶۴ برزیل؛ ۱۹۷۳ شیلی و...؛ بد- دخالت نظامی و اشغال کشورها مانند حمله به ویتنام، حمله به کره، حمله به افغانستان و عراق و ده‌ها کشور دیگر؛ ج- راه‌اندازی انقلاب‌های رنگی در کشورهایی چون اوکراین، گرجستان، قرقیزستان و ایران در سال ۱۳۸۸؛ دراه‌اندازی، تجهیز و پشتیبانی از گروه‌های تروریستی، مانند داعش؛ هـ- اعمال تحریم‌های

تیر ۱۳۶۰، فرصت مغتنمی برای بیان بسیاری از موضوعات داخلی و خارجی و از جمله افشای چهره واقعی آمریکا در ارتباط با حقوق بشر است. ایران از جمله کشورهایی است که از منظر آمریکایی‌های مدعی طرفداری از حقوق بشر، همواره ناقض حقوق بشر بوده، بنابراین دولت ایالات متحده در ۴۲ سال گذشته، تحریم‌های بسیاری را علیه ملت ایران به بهانه نقض حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی اعمال کرده است. از سوی دولت آمریکا، بسیاری از ملت‌های کشورهای جهان، به دلیل نقض حقوق بشر، به شکل‌های مختلف تحت فشار و تحریم قرار می‌گیرند. اما این رفتار آمریکا در حالی انجام می‌شود که به دلایل مختلف و اسناد و شواهد معتبر، دولت ایالات متحده در عصر حاضر، نقض‌کننده و پایمال‌کننده اصلی حقوق بشر به شمار می‌آید. نظام سرمایه‌داری یک درصدی حاکم بر آمریکا، هم پایمال‌کننده حقوق به خود ملت آمریکاست و هم حقوق بسیاری از ملت‌های



اگر کسی آمریکایی‌ها را نشناسد و براساس ادعاها، شعارها و تبلیغات رسانه‌های وابسته به نظام سرمایه‌داری بخواهد درباره آمریکا قضاوت کند، به طور قطع به کژراه خواهد رفت. حقوق بشر از جمله موضوعاتی است که آمریکایی‌ها، در شعار و تبلیغات‌شان خود را مدافع اصلی و منحصر به فرد در دفاع از آن می‌دانند؛ علاوه بر این ادعا در سطح جهان، دیگر کشورها و دولت‌ها را به دلیل نقض حقوق بشر هم متهم کرده و هم در صورت امکان و توان مجازات می‌کنند!

هفته قوه قضائیه و سالگرد شهادت شهید بهشتی و ۷۲ نفر از برجسته‌ترین نیروهای انقلابی در جریان انفجار ساختمان حزب جمهوری اسلامی در هفتم

کارآمدی در مقابل سیاست‌زدگی

نگاهی به نتایج انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا

رقیب اصلاح‌طلب نیروهای انقلاب برآمده‌اند. رقبای اصلاح‌طلبی که از قضا تعدادی در شورای فعلی شهر نیز عضویت داشته و در سال ۱۳۹۶ و با حمایت رئیس دولت اصلاحات، موفق به کسب اعتماد مردم تهران شده بودند؛ اما در انتخابات اخیر، گویا حمایت‌های بزرگان اصلاح‌طلب از جمله رئیس دولت اصلاحات، برای فهرست ائتلاف جمهور(اصلاح‌طلبان) در جهت کسب رأی مردم چندنان کارساز نبوده است. به بیانی دیگر، دعوت مردم به شرکت در انتخابات و در عین حال، مسئولیت نپذیرفتن در قبال عملکرد افراد مورد حمایت، بی‌اعتمادی رأی‌دهندگان به اصلاح‌طلبان را در پی داشته و باعث بی‌فایده شدن دعوت بزرگان اصلاحات و ایجاد جو هیجانی در شب انتخابات به عنوان راهکار رأی‌آوری جبهه اصلاحات شده است.

دلیل دیگر اقبال نکردن مردم به فهرست اصلاح‌طلبان شورای شهر تهران، حتی با وجود حمایت این بزرگان و عموم احزاب اصلاح‌طلب را باید در عملکرد شورای پنجم این کلانشهر جست‌وجو کرد. شورایی که از ابتدای کار با برخی عملکردهای سیاست‌زده باعث ناامیدی مردم تهران شد. شورایی که نه تنها موفق به استفاده از فرصت طلایی چهار ساله برای خدمت به مردم تهران نشد؛ بلکه با انتصاب سه شهردار در همین مدت کوتاه، سبب شد تا بسیاری از فعالیت‌های مهم شهرداری، تحت‌الشعاع عدم‌ثبات مدیریتی قرار گیرد. مردم تهران که پس از انتخابات پنجمین دوره شورای شهر در سال ۱۳۹۶ از یک سو با امیدى فراوان به انتظار تداوم تحولات و سازندگی در شهر

تهران بودند و از سوی دیگر خواهان تغییر کلان در نگاه شهرداری و شورای شهر به مقوله توسعه شهری بودند، مدت زیادی برای احساس یأس مفروط از شورای شهر جدید نیاز نداشتند؛ چرا که بلافاصله پس از آغاز به کار شورای پنجم شهر تهران، دعوای سیاسی و سهم‌خواهی‌های حزبی در فرآیند انتخاب شهردار به عیان آشکار شد. این سهم‌خواهی‌های سیاسی احزاب تکنوکرات، اعتدالی و اصلاح‌طلب نه تنها خسارت تحمیل سه شهردار در مدتی کوتاه برای کلانشهری مهم چون تهران را به دنبال داشت؛ بلکه خاطرات تلخ دوران شورای اول شهر تهران را که از قضا از آن اصلاح‌طلبان بود نیز در اذهان مردم تهران زنده کرد. جایی که دعوای‌های حزبی و جناحی در کنار ساختارشکنی‌های آشکار اعضای این شورا، دولت وقت اصلاح‌طلب را مجبور به انحلال شورای اصلاح‌طلبان کرد؛ اما طبق روال معمول هیچ نوع مسئولیت‌پذیری و عذرخواهی از جانب اصلاح‌طلبان در قبال افکار عمومی رخ نداده و روحیه طلبکاری تا به امروز و حتی در قبال عملکرد شورای شهر فعلی نیز ادامه یافته است.

نکته جالب آنکه در دوران شوراهای اول و پنجم شهر تهران، دولت‌های مستقر نیز همسو با شوراهای مذکور بوده و در نتیجه انتظار عملکردی مؤثر از این شوراهادر جهت رفع یا حداقل کاهش مشکلات گوناگون شهر تهران بوده است. اما عملکرد این شوراهادر خصوص دوره پنجم نه تنها تأثیر ملموسى بر افزایش کیفیت زندگی شهر و ندان تهرانی نداشته؛ بلکه به قدری ضعیف بوده که برخی افراد طنز با بهره‌گیری از اندکی

ظالمانه علیه ملت‌ها به بهانه‌های مختلف از جمله تحریم‌های حقوق بشری. علاوه بر محورهای ذکر شده، آمار زیر چهره زشت ضد حقوق بشری آمریکا را بیشتر نمایان می‌کند: ۱- کشتار و نسل‌کشی ۱۰۰ میلیون سرخ‌پوست بین سال‌های ۱۶۶۲ تا ۱۹۰۰؛ ۲- بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون، حدود ۳۰ میلیون نفر طی اقدامات نظامی مستقیم و غیر مستقیم آمریکا در دیگر کشورها کشته شده‌اند؛ ۳- آمریکا شریک اصلی همه جنایات و کودک‌کشی‌های رژیم صهیونیستی است؛ ۴- ۲۳ درصد از زندانیان کلی جهان در آمریکا هستند که بیش از ۵۰ درصد آنها سیاه‌پوست‌اند. ۵- سالانه ۱۲۰۰ نفر در آمریکا به دست پلیس کشته می‌شوند و عمدتاً به سیاه‌پوست بوده و بی‌گناه هستند. و پرش این است که آیا آمریکا با این کارنامه سیاه حقوق بشری که به آن افتخار می‌کند، حق دارد از حقوق بشر دم بزند؟ روشنفکران غرب‌گرای ایرانی به این پرسش پاسخ دهند.

مبالغه، تنها دستاورد شورای فعلی شهر تهران را تغییر نام تعداد محدودی از خیابان‌ها دانسته‌اند. صد البته که تغییر نام خیابان‌های شهر به نام مشاهیر ایران امری پسندیده است، اما بدون شک شورای شهر و شهرداری وظایفی دیگری نیز دارند که در صورت توجه کافی به آنها، امکان ارائه به عنوان رزومه‌کاری در کنار نامگذاری خیابان‌ها را داشتند.

اما نکته مهم و اساسی برای نیروهای انقلاب که موفق به کسب اعتماد مردم در انتخابات اخیر و کسب کرسی‌های شورای ششم تهران شده‌اند، آن است که از هر گونه اتلاف زمان و سیاسی کاری اجتناب کرده و به سرعت به انجام جهادی وظایف‌شان همت بگمارند؛ چرا که میراث شورای پنجم اصلاح‌طلب، رکودی عمیق در فعالیت‌های عمرانی، توجه ناکافی به توسعه حمل و نقل عمومی و غفلت نسبت به بسیاری از مشکلات شهر تهران به خصوص در نقاط کمتر برخوردار جنوبی این کلانشهر بوده است. از این رو انتظار عموم دلسوزان کشور از فهرست ائتلاف نیروهای انقلاب که از اواخر مرداد ۱۴۰۰ بر کرسی خدمت در شورای ششم شهر تکیه خواهند زد، آن است که با توجه به حضور تعدادی از افراد باتجربه در کنار جوانان، فرصت‌های از دست رفته در چهار سال اخیر را به خوبی آسیب‌شناسی کرده و با مدیریت جهادی، اجازه اتلاف منابع و از دست رفتن فرصت‌های پیش روی مدیریت شهری تهران را ندهند. منتخبان باید بدانند که فرصت خدمت اندک بوده و اعتماد مردم نیز چون گوه‌ری گرانبهاست که باید قدر دانسته شود.



جراحی از راه دور با سینا/ ربات ایرانی جراحی از راه دور سینا که با یک سوم قیمت ربات‌های مشابه خارجی طراحی و تولید شده است، تست‌های خود را بر روی نمونه آزمایشگاهی از فاصله ۷ کیلومتری انجام داد و با این روش لازم نیست دیگر بیماران برای عمل به بیمارستان‌های شهرهای مختلف بروند.



اینتربیل نیاد براتون انتخابات برگزار کنه! / در انتخابات هفته پیش در فرانسه ۶۶/۷ درصد مردم شرکت نکردند. عده‌ای به مردم ایران قول داده بودند که اگر در انتخابات مشارکت نکنند، اینتربیل برای‌شان انتخابات آزاد برگزار می‌کند که گویا فرانسه بیشتر نیاز دارد به کمک اینتربیل!



بوسه عزت/ اسم این تصویر جذاب را می‌توان گذاشت «بوسه عزت» محمد معتمدی خواننده موسیقی ایرانی در حالی که امکان تزریق واکسن خارجی را داشت، اما با افتخار برای آزمایش واکسن ایرانی داوطلب شد و پس از تزریق گفت: «دروود بر ایران و صنعت صدساله و معتبر واکسن‌سازی آن.»



مانور اشرافیت/ در حالی که مردم لبنان ساعت‌ها در صف بنزین می‌مانند، احمد حریری فرزند بیهبه حریری و مدیرکل جریان المستقبل، به دلیل اتعام اولین سال پیش‌دبستانی فرزندش در شهر چرخید و جشن گرفت که با انتقادات مردم روبه‌رو شد!



فردای انتخابات، نوبت مطالبه‌گری ملت است! / بتری جالب که در یکی از محله‌های تهران نصب شده است با عنوان حامیان رئیسی، مطالبه‌گر مطالبات ملت از رئیس جمهور منتخب ملت خواهند بود تا به وعده‌های داده شده عمل شود! دولت جوان انقلابی، دولتی کارآمد و پاسخگو خواهد بود.



به کدامین گناه/ اینجا یمن است، روزی هزاران بار باید فریاد زد و صدای ظلومیت این کودکان بی‌گناه و مردم بی‌دفاع را به گوش همه رساند. مزدوران وحشی سعودی و هم‌پیمانانش، مانند بزدلان به مردمی حمله می‌کنند که سال‌هاست در محاصره‌اند.

دیدگاه

شماره ۱۰۰۵ | دوشنبه ۷ تیر ۱۴۰۰

صداقت

روزنه

رمز اصلی

تشکیل دولت اسلامی



اللمبخش روشن‌روان
استاد دانشگاه

تشکیل دولت اسلامی، گام سوم از گام‌های پنج‌گانه تشکیل تمدن نوین اسلامی است که براساس بیانات رهبر معظم انقلاب، هم‌اکنون در این مرحله قرار گرفته‌ایم. این گام از چند جهت در این فرآیند، جایگاهی کلیدی دارد. از یک سو تشکیل دولت اسلامی، مقدمه‌ساز گام بعدی، یعنی تشکیل جامعه اسلامی است که آن هم به نوبه خود مقدمه‌ساز شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است. براساس بیانات معظم‌له شاخصه‌های تشکیل دولت اسلامی به این شرح است: ۱- پرهیز از اشرافی‌گری و رانت‌خواری؛ به این معنا که دولتی است که در آن رشوه نباشد، ویژه‌خواری نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد. ۲- توجه به محتوا و روح زندگی علوی؛ به ایسن معنا که باید روح زندگی علوی(ع) باشد، یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا را در جامعه زنده کند. ۳- سلامت اعتقادی و اخلاقی (با تکیه بر اعتماد به وعده‌های الهی)؛ مهم‌ترین رکن دولت اسلامی را اصلاح نفس کارگزاران دولت اسلامی دانسته و معتقدند مسئولان باید خود را بسازند و مرتب با خود کلنجار بروند و یکدیگر را به حق وصیت و ارشاد کنند. در منظر ایشان، تشکیل دولت اسلامی منوط به این امر است که مسئولان گوناگون بتوانند تا حد قابل‌قبولی خود را با این قالب‌ها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند. ۴- عدالت (با در نظر داشتن ضرورت همراهی پیشرفت با عدالت)؛ در نگاه رهبر معظم انقلاب، اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر به تدریج ریشه‌کن می‌شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقا پیدا می‌کند؛ این می‌شود کشور اسلامی. ۵- سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد؛ ۶- اسلامی شدن جهت‌گیری و عمل؛ ۷- هدایت فرهنگی جامعه؛ ۸- حل مشکلات کشور با برنامه‌ریزی درست و استفاده از آمادگی ملت؛ ۹- گسترش علم و دانایی؛ ۱۰- دشمن‌شناسی، مقابله با برنامه‌های دشمن و مبارزه با نظام سلطه؛ ۱۱- مبارزه با فساد؛ ۱۲- تأمین و تقویت عزت ملی؛ ۱۳- قانون‌گرایی و نهادینه کردن آن (با تأکید بر رعایت اسناد بالادستی)؛ ۱۴- حکمت و خردگرایی در کارها و اظهارات (با تأکید بر استفاده از ظرفیت کارشناسی کشور) و ۱۵- تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور.

علاوه بر این ایمان و بصیرت در تشکیل دولت اسلامی نقش ویژه دارد، بنا به تعبیر رهبر معظم انقلاب بصیرت، نورافکن است؛ بصیرت، قیله‌نما و قطب‌نماست و در یک فضای تاریک، بصیرت روشنگر است. بصیرت راه را به ما نشان می‌دهد و باز می‌فرماید: هر جایی که ما توانستیم درست بفهمیم، درست تشخیص بدهیم. یعنی همان بصیرت-ویه دنبال آن احساس تکلیف کردیم، احساس تعهد و مسئولیت کردیم و وارد میدان شدیم، غلبه با ما بوده است؛ وقتی با ایمان و با بصیرت وارد میدان مواجه شدید، غلبه با شماست، شما برنده هستید.

تبیین

مسئولیت انتقال امانت!



فتح‌الله پوریشان
پژوهشگر
اندیشه سیاسی

انتخابات به پایان رسید اما بیش از یک ماه دیگر نیز دولت دوازدهم بر سر کار است. این مدت بر خلاف تلقی‌ای که خیلی‌ها بنا بر عملکرد گذشته، این دوره را مهم نمی‌دانند یا معتقدند دولتی که حدود هشت سال نتوانست به عمده وعده‌هایش عمل کند، در یک ماه مانده چه می‌تواند بکند، مدتی بسیار مهم و راهبردی است. دوره انتقال قدرت در بازه زمانی بین برگزاری انتخابات تا استقرار دولت بعدی هر چند دوره‌ای کوتاه و چند هفته‌ای است، اما از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اداره بهینه این دوره زمانی کوتاه می‌تواند آثاری درازمدت و طولانی برای کشور به همراه داشته باشد. این مدت طلایی مضاف بر اینکه باید صرف جمع‌بندی کارها و اقدامات بر زمین مانده شود، طرح‌های توسعه‌ای و سازندگی تمام شده افتتاح و در فرآیند چرخه مدیریتی و خدماتی کشور قرار گیرد، ملاحظات و دلایل طرح‌های نیمه تمام یا در آستانه اتمام به دولت بعدی منتقل شود، لازم است مقدمات و تمهیدات انتقال قانونی و البته آرام و مسالمت‌آمیز مسئولیت و قدرت به دولت منتخب جدید ملت نیز فراهم شود. در واقع، دولت روحانی در روزهای پایانی خود لازم است یک سری از کارها و اقدامات را در اولویت قرار داده و از انجام اقداماتی اجتناب کند. در این زمینه لازم است همه گزارش‌ها، اطلاعات و تجربیات و حتی برنامه‌هایی که برای آینده کاربرد دارد، صادقانه و شفاف به رئیس‌جمهور منتخب منتقل شود. افزون بر این، اگر دولت فعلی به گونه‌ای عمل کند که تا زمان جاقاچان دولت سیزدهم، رئیس‌جمهور منتخب راحت‌تر بتواند کارها و مناصب و مسئولان دولت را انتخاب و دوره‌ای برای انتقال تجارب مدیریتی در نظر گرفته شود، بسیار راهگشا خواهد بود. دلیل اهمیت این مسئله و اینکه باید همه اعم از مردم عزیز تا مسئولان مختلف بخش‌های دولت و سایر ارگان‌ها و سازمان‌ها و حتی نحل‌ها و جناح‌های سیاسی که در انتخابات رقابت می‌کردند و امروز باید با عبور از این عرصه به بحث رفاقت، نهایت همکاری و همدلی و حمایت را به دولت جدید نشان دهند، این است که این موضوع یک مسئله کلان ملی است و این دولت و دولت منتخب متعلق به همه کشور است و همه مسئولان و گروه‌های سیاسی باید خود را در خدمت رئیس‌جمهور منتخب و دولت سیزدهم قرار دهند. بنابراین، انتظار اول و قانونی از رئیس‌جمهور و دولت فعلی این است که با نمایش روحیه همدلی، همفکری، انسجام و وحدت با دولت جدید گام برداشته و تمام تجارب خود را برای حل مشکلات مردم در آینده در اختیار دولت منتخب قرار دهد و از هر گونه اتخاذ تصمیمی که بار مالی و تعهد حقوقی بر دولت جدید تحمیل کند، اجتناب کند. این موضوع در قضیه مذاکرات احیای برجام حائز اهمیت راهبردی و ویژه‌ای است؛ چرا که تلاش دولت از مدت‌ها پیش برای رسیدن به معاهده‌ای که نشان دهد دولت به وعده‌اش در برداشتن تحریم‌ها عمل کرده، ظاهراً برای دولت مهم است و البته امیدواریم به شوری این نگاه بدبینانه که می‌گویند دولت کنونی به هر قیمتی می‌خواهد برجام را احیا کند، نباشد و در روزهای پایانی برای هر اقدام و کاری ضمن اطلاع‌رسانی کامل به دولت رئیس‌جمهور منتخب، جوانب امر به طور کامل بررسی و مراقبت شود.



مهدی سعیدی

جریان شناس سیاسی

بهار سال ۱۳۹۲ بود که حسن روحانی نامزدی که یک ماه مانده به انتخابات، مطابق با نظر سنجی‌های معتبر ۵ درصد هوادار بیشتر نداشت، با سناریوی حمایتی اصلاح‌طلبان و کناره‌گیری محمدرضا عارف نامزد اختصاصی آنان نتوانست پیروز انتخابات شده و با کسب ۱۸ میلیون رأی که معادل ۵۰/۷ کل آرا می‌شد، بر اردوگاه مشتت رقیب غلبه کند و چهار سال پس از ناکامی بزرگ اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۳۸۸، به نمایندگی از این جریان بر مسند قدرت بنشیند! اصلاح‌طلبان پیروز انتخابات شده بودند و نام آنان به عنوان «فاتحان انتخابات ۱۳۹۲» و «بانیان و بنیانگذاران وضع موجود» ثبت شد. روحانی تلاش کرد تا در تشکیل کابینه تا آنجا که ممکن است هوای هواداران خود را داشته باشد و سیاست‌های کلان حکمرانی خود را دور از آسأل و آرزوهای اصلاح‌طلبان نینداند. بدون شک، آنچه در قالب «برجام» به منزله مهم‌ترین دستاورد دولت روحانی خلق شد، همان چیزی بود که هر یک از گزینه‌های اصلاح‌طلبی اگر به قدرت می‌رسید، در همان مسیر حرکت می‌کردند و گزینه بهتری از «محمدجواد ظریف» برای تحقق این امر نداشتند!

جامعه عصبانی و بانیان وضع موجود

هشت سال از آنچه با بازی اصلاح‌طلبان کلید خورده، گذشته و بار دیگر جامعه آماده انتخابی بزرگ بود. آنچه در فضای سیاسی کشور معیار تحلیل و قضاوت قرار داشت، عملکرد دولتی بود که هشت سال پیش با وعده حل مشکلات اقتصادی کشور از طریق مذاکره و حل مشکلات دیپلماتیک به قدرت رسیده بود اما امروز نه تنها از مشکلات کاسته نشده بود، بلکه اقتصاد کشور با توری سرسام‌آور رویه‌رو بود که جامعه را در وضعیت عصبانی قرار داده بود. زمانه پاسخگویی فرا رسیده بود، اما پاسخگویی در میدان نبود! بانیان وضع موجود هر یک به لطایف‌الحیلی تلاش می‌کردند تا از این جایگاه‌بگریزند و دیگری‌انی را متهم کنند! امروز دیگر کسی خود را منسوب به روحانی نمی‌دانست و به تعبیری تلخ «بر سر نخواستش دعوا بود»! همین وضع موجب شد تا دوقطبی ایجاد شده میان «بانیان و حامیان وضع موجود» (که نماد «تکرار و تداوم» راه دولت و تشکیل «دولت سوم روحانی» بودند) و «پرچمداران تغییر وضع موجود» به مهم‌ترین دوقطبی انتخاباتی ۱۴۰۰ بدل شود و صف‌آرایی‌ها در حول و حوش آن شکل گیرد و عیار قضاوت مردم شود! در این شرایط اصلاح‌طلبان در وضعیتی نبودند که همچون گذشته فضای چندانی برای فعالیت سیاسی-انتخاباتی برای خود بیابند! چسبیدن عنوان بانیان وضع موجود آنان را در وضعیت انفعالی قرار داده بود و مجبور بودند تا پیش از آنکه سخنی برای آینده کشور داشته باشند، در مقام پاسخگویی قرار گرفته و در مورد چرایی شکل‌گیری وضع موجود سخن بگویند! سؤالی پیرامان که پاسخی جز ناکارآمدی دولت برآمده از حمایت اصلاح‌طلبان نداشت! همین شرایط بود که اصلاح‌طلبان را بر سر دو راهی «مشارکت» یا «عدم مشارکت» در انتخابات قرار

داده بود. آن بخش از اصلاح‌طلبان که امر اجتماعی را بر امر سیاسی ترجیح می‌دادند، مدت‌هاست که از ضرورت «بازاندیشی» در اصلاح‌طلبی و حتی «عبور از اصلاح‌طلبی» و خلق «نواصلاح‌طلبی» سخن می‌گویند! آنان معتقدند اصلاح‌طلبی با فاصله گرفتن ربع قرن از تولدش، آنچنان رشد و تعالی نیافته است که پاسخگویی نیازهای زمانه باشد و زمان آن فرا رسیده است که مدتی دور از قدرت نشسته و به بازتعریف هویت خود متناسب با شرایط کنونی جامعه ایرانی بپردازد! اردوگاه اصلاح‌طلبی با وضعیت کنونی خربداری نزد ملت نداشته و آنچنان بی‌اعتبار شده که امیدی را نزد افکار عمومی خلق نمی‌کند! طیف عمل‌گرایان که امر سیاسی را لازمه حیات امر اجتماعی اصلاح‌طلبی می‌دانند، بر این باور بودند که دوری از قدرت اصلاح‌طلبی را به محاق خواهد برد، به نحوی که می‌تواند به فروپاشی کامل این اردوگاه بینجامد و اوضاع را از اینکه هست بدتر کند. از این رو با همه توان باید تلاش کرد تا در رقابت انتخاباتی باقی ماند و برای دستیابی به صندلی قدرت تلاش کرد! این تقابل بود که دو سیاست مشارکت و عدم مشارکت را در دستور کار اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ قرار داد و حاصل آن تشتت و تفرق و سرگردمی و بی‌انگیزگی در بخش عمده‌ای از هواداران بود!

حمایت از نامزد در سایه

در ایں بین اوضاع ساماندهی تشکیلاتی اردوگاه اصلاح‌طلبان نیز چندان نرمال نبود. «شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان» در ابتدای سال ۱۳۹۹ از هم فروپاشیده بود و مجموعه نوپایی با عنوان «نهاد اجماع‌ساز» در دقیقه ۹۰ از سوی طیفی که بر مشارکت در انتخابات تأکید داشت، شکل گرفته بود! اجماع‌سازان در نهایت ۱۴ نفر را به عنوان نامزدهای مورد توافق خود معرفی کردند تا همگی برای نام‌نویسی اقدام کنند و در نهایت یک نفر را با تصمیم جمعی در روزهای پایانی در میدان نگه دارند. از آن میان تنها ۹ نفر برای نام‌نویسی اقدام کردند که هیچ کدام‌شان از سوی شورای نگهبان احراز صلاحیت نشدند! این وضعیت، کار را اصلاح‌طلبان دشوارتر کرد و نهاد اجماع‌ساز را در وضعیت دشوار ماندن یا نماندن در انتخابات قرار داد! در این میان، دو چهره شناخته شده برای اصلاح‌طلبان، آقایان «عبدالناصر همتی» عضو حزب کارگزاران سازندگی و «محسن مهرعلیزاده» معاون رئیس‌جمهور دولت اصلاحات، گزینه‌هایی بودند که نام‌شان در میان هفت نامزد پایانی انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم قرار گرفته بود. اسم این دو هر چند در میان فهرست پایانی نهاد اجماع‌ساز قرار نداشت، اما هر دو گزینه از بضاعت‌های کافی برای تبدیل شدن به گزینه مورد حمایت اصلاح‌طلبان برخوردار بودند! مهرعلیزاده که سال‌ها در دولت اصلاح‌طلبان پست‌های مهمی را بر عهده داشت و همتی نیز گزینه‌ای بود که «حسین مرعشی» سخنگوی حزب کارگزاران او را «نامزد در سایه» خواند! حمایت از این دو تنها فرصتی بود که برای اصلاح‌طلبان عملگر فراهم شده بود تا آخرین تلاش خود را برای بقا در قدرت به ثمر نرسانند! توافق بر سر حمایت از همتی امر دشواری بود که هر چند به صورت رسمی محقق نشد و نهاد اجماع‌ساز از وی حمایت نکرد، اما به صورت تلویحی اکثریت اصلاح‌طلبان به میدان حمایت

از او وارد شدند! از مهدی کروبی، سیدمحمد خاتمی، عبدالکریم سروش، بهژاد نبوی، غلامحسین کرباسچی و محمدعلی ابطحی گرفته تا حزب کارگزاران و اعتماد ملی و... حامیان وی معتقد بودند، خواهند توانست قصه انتخابات ۱۳۹۲ و حمایت از حسن روحانی را تکرار کنند و آرای ۳ درصدی همتی را تا آنجا بالا ببرند که یا پیروز مرحله اول شود یا آنکه کار انتخابات را به دور دوم بکشاند و آنگاه ضربه نهایی را بر رقیب وارد کند! آنان تلاش کردند تیم رسانه قدرتمندی را با هدف «رقیب‌هراسی» در اختیار همتی و مهرعلیزاده قرار دهند که از فرصت مناظرات و دیگر برنامه‌های تلویزیونی برای تخریب رقیب استفاده کرده و هوادارانی را که دیگر به وعده‌های این جریان اعتنایی ندارند، بار دیگر به صحنه آورند! همتی تا آنجا که توانست تلاش کرد از زیر بار اتهام منسوب بودن به روحانی و عملکرد او بگریزد و خود را حتی «اخراجی دولت» معرفی کند! اما هشتگ #دولت-سوم-روحانی نسبتی نبود که به این سادگی پس از چند سال همکاری با اعتدالیون بشود از زیر بار آن گریخت! و خود را جزء بانیان و حامیان وضع موجود ندانست! و سرانجام نتایج جمعه روز انتخابات نشان داد این فرار به جلو مورد قبول اکثریت ملت ایران قرار نگرفته است!

پس لرزه‌های یک زمین لرزه!

انتخابات ۱۴۰۰ و بررسی نتایج آن یکی از ضرورت‌هایی است که پس از پایان انتخابات به ضرورتی مهم در فهم رفتار سیاسی مردم بدل شده است. جادارد با دقت بررسی شود که چطور گزینه مورد حمایت اکثریت اصلاح‌طلبان تنها ۲/۵ میلیون رأی آورده است؟! پرسشی که یافتن پاسخ آن بسیاری از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب را در فکر فرو برده است! خلاصه جواب آن است که افکار عمومی از تکرار وضع موجود خسته شده و اصلاح‌طلبان را صاحب برنامه‌ای برای حل مشکلات کشور نمی‌دانند و به آنان اعتماد نکرده‌اند!

در مواجهه با این وضعیت اصلاح‌طلبان رویکردهای گوناگونی را در پیش گرفته‌اند:

۱-بخشی از اصلاح‌طلبان تلاش دارند به جای پذیرش شکست و ناکامی، عامل چنین نتیجه‌ای را عملکرد شورای نگهبان بدانند، در حالی که واقعیت از امر دیگری حکایت دارد. به واقع هر یک از ۱۴ نفری که در فهرست مدنظر نهاد اجماع‌ساز از آنها یاد شده بود، هم اگر در صحنه انتخابات بودند وضعیت بهتری از آقای همتی به دست نمی‌آوردند! همتی در حالی ۲/۵ میلیون رأی از ۳۰ میلیون رأی اخذ شده را کسب کرده که رقبای وی ۲۲/۵ میلیون رأی کسب کرده‌اند! جبران این فاصله با هیچ گزینه‌ای برای اصلاح‌طلبان ممکن نمی‌شد! نکته دیگر آنکه در انتخابات شوراها نیز اصلاح‌طلبان ناکام مانده‌اند! در حالی که در شهری مانند تهران فهرست واحد مورد حمایت خاتمی را به میدان آورده بودند و با اینکه رقیب اصولگرای‌شان به صورت متفرق و با سسه فهرست در انتخابات حاضر بودند، اما باز هم پیروز انتخابات شدند و مردم به فهرست مورد حمایت آنان اعتماد کردند!

۲-یکی از پیامدهایی که این ناکامی بزرگ برای اردوگاه اصلاح‌طلبان به همراه خواهد داشت، بالا گرفتن دعوای و درگیری‌های درون اردوگاهی است که احتمال گسست و دوپارچگی بین طیف رادیکال و میانه‌رو را که

فصل تغییر و زمانه بازاندیشی

واکوی فراز و فرود اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰

از مدت‌ها پیش کلید خورده، افزایش داده است! نباید فراموش کرد که بخشی از افراطیون رادیکال، همچون میرحسین موسوی وارد بازی مشارکت نشده و در اردوگاه «تحریم‌کنندگان انتخابات» نقش آفرینی کردند! اینان امروز در حال سرزنش طیف مشارکت‌کننده در انتخابات هستند و معتقدند تنها موجب رونق بازار انتخابات به نفع رقیب شده‌اند و پیکر نیمه جان اصلاحات را نیز وقف و هزینه خدمت به اصولگرایان کرده‌اند!

۳-بخشی دیگر از هم اکنون خود را در جایگاه منتقد و مطالبه‌گر از رئیس‌جمهور منتخب قرار داده و شسروغ به افزایش انتظارات کرده‌اند! و برای به زمین خوردن دولت انقلابی تلاش خواهند کرد. برای نمونه، مصطفی تاج‌زاده در توتیتی مدعی شد، «سال آینده از رژیسی درباره ساخت ۴ میلیون مسکن در ۴ سال/ تکرر قمی شدن تورم/ ایجاد یک میلیون شغل در سال/ رایگان‌شدن اینترنت برای دهک‌های پایین/ کاهش ۵۰ درصدی هزینه‌های درمان/ تحقق شفافیت/ حل مشکل حاشیه‌نشینان/ کاهش جدی میزان قاچاق/ اصلاح ارز چند نرخی خواهیم پرسید.» این در حالی است که وی اکنون که موقع پرسشگری از عملکرد دولت هشت ساله روحانی است، کاملاً سکوت کرده و حاضر نیست نسبت به وعده‌های دولت سؤالی را مطرح کند!

۴-برخی دیگر فاز قهر و تهدید در پیش گرفته‌اند و در حال بردن مسیر حرکت این اردوگاه به سمت قهر یا صندوق و پیوستن به اپوزیسیون تحریم‌گر انتخابات هستند. نمونه بر جسته دیدگاه طراحان این ایده، تونیت سعید حجابریان است، وی نوشته است: «اصلاحات صندوق محور مُرد! اما قبل از تدفین شکوهمند باید به اتفاق تشریح برده شود تا علت مرگ روشن شود. آیا مرگ به علت کُهیولت سن بوده است یا می‌توان رد پای قاتل یا قاتلانی را پیدا کرد؟» خطاب به ایشان باید گفت، اصلاح‌طلبی که با صندوق رأی خداحافظی کند و به خشونت و اعتراض و براندازی دعوت کند، هر نامی برای خود می‌تواند برگزند، الا «اصلاح‌طلبی»! چرا که اصلاحات با پیوند با صندوق قوام و هویت یافته و مرزش با براندازان، همین صندوق رأی است!

۵-برخی از اصلاح‌طلبان، واقع‌بینانه به مواجهه با ناکامی در ۲۸ خرداد رفته و تلاش دارند تا از یک سو ضمن استقبال از به قدرت رسیدن آیت‌الله ابراهیم رییسی، روابط مسالمت‌آمیزی با منتخب مردم برقرار کنند و از دیگر سو تلاش دارند تا موقعیت به دست آمده را به فرصتی برای بازاندیشی درون‌گفتمانی بدل کنند. حقیقت آن است که جاماندن از قطار پاستور و بهرستاران پس از دو شکست متوالی، بدون شک فرصتی برای بازاندیشی و بازتعریف هویتی این جریان را فراهم آورده است. به نظر می‌رسد، این معقول‌ترین راهی است که اصلاح‌طلبان باید در پیش گیرند و تلاش کنند تصویری از اصلاح‌طلبی ارائه دهند که هم متناسب با واقعیت‌های جامعه اسلامی-ایرانی و هم معطوف به کارآمدی و تأمین منافع ملی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی باشد.

ایده‌های اصلاح‌طلبی برای حکمرانی به پایان خود رسیده است، اما اصلاح‌طلبی امیدوار است که با بازگشت به ریشه‌های اصیل خویش و اصلاح انحرافات ایجاد شده و مرزبندی با ناخالصی‌ها، با دست پر به صحنه سیاسی کشور بازگردد.

فرصت بی‌بدیل

سعید جلیلی از با بیان اینکه امروز در دوره‌ای جدید قرار داریم که ملت ایران هم با حضور و هم با انتخاب خود مسیر جدیدی برای پیشرفت انقلاب برگزیده است، گفت: «باید این فرصت را برای پیشرفت کشور غنیمت شمرد؛ آن هم نه برای پیشرفت معمولی، بلکه ایجاد یک جهش در کشور.» عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان اینکه کشور در چهار سال آینده باید جهش داشته باشد و این جهاد می‌خواهد، اظهار داشت: «دولت منتخب نیازمند کمک مردم است و بدون پشتیبانی مردم و نخبگان این بار سنگین را به‌تنهایی نمی‌تواند بر دارد.»



دولت مردمی

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رییسی در آیین تجدید میثاق مسئولان عالی قضایی با امام(ره) با بیان اینکه میثاق با امام(ره) میثاق با همه خوبی‌هاست، گفت: «میثاق با امام را حل میثاق با ارزش‌های انقلاب اسلامی و کارکردن و تلاش کردن برای خداست و میثاق با امام توجه به مردم و مرمداری و مردمی بودن است.» رئیس‌جمهور منتخب افزود: «در دولت تحول یک مسئله مهم است که مردم خواسته‌اند و در این انتخابات، پیام مردم انجام تحول بوده که محور آن اجرای عدالت است و باید در دستگاه اجرایی، اجرای عدالت را دنبال کرد.»



اتحاد بی‌فایده بود

سخنگوی حزب کارگزاران درباره تشتت میان نهاد اجماع‌ساز اصلاح‌طلبان موسوم به ناسا در ارتباط با حمایت یا عدم حمایت از همتی، بیان کرد: «واقعیت این است که حتی در صورت اعلام موضع واحد باز هم نتیجه اصلی هیچ تفاوتی نمی‌کرد؛ چرا که در شورای شهر تهران و شهرهای بزرگ همه گروه‌ها با وحدت در عرصه انتخابات لیست داده‌بودیم و حضور داشتیم، اما نتیجه تغییری نکرد.» مرعشی درباره سرنوشت جبهه اصلاح‌طلبان ایران و مسئله تداوم فعالیت آن بعد از انتخابات و در آینده عنوان کرد: «قرارمان در این جبهه پیش از این بر مبنای ادامه کار بود.»



آینده روشن محور مقاومت

نگاهی به پیامدهای بین‌المللی و منطقه‌ای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰



رسول سنایی راد

معاون سیاسی‌دفتر عقیدتی‌سیاسی فرماندهی کل قوا

انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در وضعیتی دشوار و پیچیده برگزار شد که عواملی چون فشار حداکثری و تحریم‌های ظالمانه، کرونا، تبلیغات، جنگ روانی و رسانه‌ای پر شدت امپراتوری رسانه‌ای و اتاق‌های فکر دشمنان و مخالفان نظام می‌توانست زمینه‌ساز انتخاباتی سرد و بی‌رمق باشد. بر خلاف این تصور، مشارکت حدود ۴۹ درصد از مردم در انتخابات و برگزاری آن در شرایطی آرام و امن و انتخاب فردی که بیشترین حمایت و همراهی با میانی انقلاب اسلامی و نظام را در سابقه عملکرد و رویکرد خود دارد، حامل چند پیام برای دشمنان و مخالفان نظام بود:

۱- رهبری نظام از نفوذ و اقتدار لازم برای هدایت نظام و هم‌امسازی مردم برخوردار است؛

۲- مردم با وجود گله‌مندی و حتی نارضایتی از وضعیت اقتصادی و عملکرد برخی مسئولان، همچنان به اصل نظام وفادارند؛

۳- خط تحریم و فشار علیه مردم برای ایجاد جدایی بین حاکمیت و مردم شکست خورده و کارآمدی خود را از دست داده است؛

۴- اعتماد مردم به نیروهای انقلابی و پایبند به ارزش‌های انقلاب بیشتر از نیروهای غربگرا، خسته و فاصله‌گرفته از انقلاب و انقلابی‌گری است.

با توجه به نکات فوق و پیام‌های برآمده از انتخابات می‌توان مدعی شد، این حضور حماسی مردم و نوع انتخاب آنان و اقبال به نامزدی که بیشترین گرایش به انقلاب را داشته و تأکید او نیز بر تداوم اهداف و شعارهای انقلاب، دستاوردهای زیر برای نظام جمهوری اسلامی رقم خورده است:

۱- تقویت وحدت و استحکام درونی؛

۲- تأیید اهداف و ارزش‌های انقلاب؛

۳- امید و اعتماد مردم به حل مشکلات با تکیه بر ظرفیت‌های درونی؛

۴- نفی و انزوای جریان سازش و غرب‌گرا.

از آنجا که سیاست خارجی کشورها ادامه سیاست داخلی است و هرگونه تغییر و تحول داخلی مورد توجه دشمنان و دوستان، رقباً و شرکا قرار می‌گیرد، طبیعی است که انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ یک پدیده مهم برای ارزیابی موقعیت و جایگاه جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد که در اولین مرحله می‌توان از

واکنش کشورها به نتیجه انتخابات و فرد منتخب پیامدسنجی کرد.

روسیه و محور مقاومت اولین گروهی بودند که به فرد منتخب تبریک گفته و از نتایج انتخابات استقبال کردند. در ادامه کشورهای مستقل و غیر متعهد به غرب، مانند هند و غالب کشورهای منطقه‌ای به رئیس‌جمهور جدید ایران تبریک گفته و موضع مثبت خود را به رأی مردم ایران اسلامی اعلام داشتند که با پیوستن چین به این گروه، طیفی از کشورهایی را شامل شدند که متخاصم نبودن با جمهوری اسلامی ایران و سابقه دوستی و همراهی با ایران پس از انقلاب را می‌توان ویژگی عمومی آنها ذکر کرد.

با وجود این، کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا و متحدان اروپایی آنها نتوانستند عصبانیت و نارضایتی خود را از انتخابات ایران و نتیجه رأی مردم پنهان کنند. این کشورها و برخی متحدان منطقه‌ای آنان به ویژه رژیم صهیونیستی در مواجهه با نتایج انتخابات که برای آنها کاملاً دور از انتظار بود، به سرعت نگرانی خود را نسبت به پرونده هسته‌ای و بهانه‌های حقوق بشری اعلام داشتند و برای تبریک به منتخب مردم نیز دچار لکنت زبان شدند. واکنش این ناکامی و یأس آمریکا و متحدانش در اشکال زیر بروز یافت:

۱- تردیدآفرینی نسبت به سلامت انتخابات و آزادی انتخابات که سخنگوی دولت آلمان مدعی شد گزینش نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران با استفاده از انتخابات آزاد و عادلانه کمترین انطباق ندارد؛

۲- تردیدآفرینی نسبت به صلاحیت نامزد منتخب



که به‌صورت وقیحانه‌ای با خط‌گیری از منافقین و سلطنت‌طلب‌ها و به بهانه نقش آقای رئیسی در صدور احکام منافقین در سال ۱۳۶۷ دنبال می‌شد و برخی مقامات غربی نسبت به رعایت حقوق بشر پس از روی کار آمدن وی اعلام نگرانی می‌کردند، از جمله کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل در این زمینه برای ضد انقلابیون ایران و کشورهای غربی سنگ تمام گذاشته و مدعی شد ابعاد و چشم‌انداز نقض حقوق بشر در ایران نکان‌دهنده است؛

۳- ایجاد هراس از آینده پرونده هسته‌ای و برجام که در این زمینه برخی از کشورهای منطقه مانند رژیم صهیونیستی و عربستان نیز با کشورهای غربی به هم‌صدایی پرداخته و ادامه گفت‌وگوها و مذاکره برای دستیابی به توافق با ایران را به عنوان موضوعی مهم مطالبه کردند؛

۴- القای بی‌ارتباط بودن نقش ریاست‌جمهوری با سیاست خارجی و تأکید بر اینکه در این عرصه رهبری محوریت دارد، نمونه آن موضع سخنگوی کاخ سفید بود که در پاسخ به احتمال دیدار پابین با آقای رئیسی اعلام داشت کاخ سفید برنامه‌ای برای دیدار با رئیسی ندارد و رهبری در ایران تصمیم گیرنده است.

اما واقعیت انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ و پیامدها و پیام‌های آن نمی‌تواند از نگاه کارگزاران سایر کشورها پنهان مانده یا نادیده گرفته شود. شاید یکی از واقعی‌ترین تحلیل‌های مرتبط با انتخابات را بتوان از زبان «مبارک النجات»، نماینده سابق پارلمان کویت بیان داشت که معتقد است: «غرب بعد از چهل سال از انقلاب اسلامی همه آنچه را در توان داشت به کار گرفت تا نظام ایران را از بین

ببرد یا تضعیف کند و ایران را به زانو در آورد. بعد از استفاده از همه سلاح‌های نظامی، اقتصادی و رسانه‌ای می‌بینیم که ایران همچنان ادامه می‌دهد و رشد می‌کند تا جایی که امروز تبدیل به واقعیتی در منطقه شده که اصلاً نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در نتیجه ما باید بنشینیم و منافع خود و منافع کشورهای غربی را یک بار دیگر بررسی کنیم و ببینیم در ارتباط با پرونده ایران کدام منافع است که بین ما و آنها یکی نیست و تطبیقی ندارد؟» بی‌تردید در صورت چنین بررسی و تطبیقی، بسیاری از کشورها خواهند فهمید که منافع آنها فدای اهداف دولت‌های غربی و در رأس آنها، آمریکا شده است.

همچنین پاسخ کوتاه آقای رئیسی به خبرنگار روسی که سؤال کرده بود برای حل مشکلات کشور آیا حاضر به مذاکره با پابین هست در کنار تأکید بر پیگیری توافق راهبردی همکاری ۲۵ ساله با کشور چین می‌تواند پیامدهایی در سطح بین‌المللی داشته باشد که در رأس آن ایجاد منازعه جدیدی در سیاست خارجی با اتکا به واقعیتی چون افول قدرت آمریکا از یک سو و توجه به قدرت‌های نوظهور از سسوی دیگر نهفته است. همانگونه که تأکید بر پذیرش ارتباط با کشورهای منطقه‌ای و باز بودن مسیر مذاکره با عربستان سعودی و بازگشایی نمایندگی‌های دو کشور در گرایش به خردورزی و عقلانیت را در رئیس‌جمهور جدید در تنظیم مناسبات نشان می‌دهد.

اما به این واقعیت هم باید توجه داشت که هر گاه در جمهوری اسلامی جریان لیبرال مدعی تنش‌زدایی در سیاست خارجی و دارای گرایش سازشکارانه قدرت را به دست گرفته‌اند، چالش‌ها و بحران‌های خارجی علیه جمهوری اسلامی شدت گرفته است و برعکس هر گاه نیروهای پایبند و معتقد به ارزش‌ها و شعارهای انقلابی قدرت را به دست داشته‌اند، این تنش‌ها و بحران‌ها فروکش کرده است. شاید دلیل آن هم نوع محاسباتی باشد که دشمنان و رقبای پیدا کرده یا میدان یافتن نفوذی‌ها به برکت حاکمیت کسانی که رعایت مرزبندی اعتقادی و سیاسی را نداشته‌اند.

حال با روی کار آمدن رئیس‌جمهوری دارای سابقه عملکرد و رویکرد انقلابی می‌توان انتظار داشت ارتقای اقتدار ایران اسلامی و پیگیری منافع مردم از موضع عزت و قدرت و در عین حال با اتکا به حکمت و مصلحت شاخص‌های تنظیم مناسبات و روابط بین‌المللی خواهد بود که پیامد آن نیز کاهش تنش‌ها و بازگرداندن دشمنان و رقبای به مسیر قبول واقعیت‌های میدانی برای تنظیم دیپلماسی است.

اختلاف در سرزمین‌های اشغالی

روزنامه «معارو» در تحلیلی، رفتن نتانیاهو و آمدن بنت را نشانه عمق اختلاف سیاسی و حزبی در رژیم صهیونیستی توصیف کرد و نوشت: منازعات سیاسی و حزبی، یکی از علل شکست نتانیاهو بود؛ اما عامل اصلی، شکستش در برابر مقاومت فلسطین بود. نتانیاهو، ترامپ را متقاعد کرده بود که انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به قدس، لغو حق بازگشت فلسطینیان و قطع کمک به «آثروا»، باعث حذف آرمان فلسطین خواهد شد؛ اما پایداری مردم فلسطین و گروه‌های مقاومت، نقشه‌های نتانیاهو را خنثی کرد و باعث شکست وی شد. عامل دیگر شکست نتانیاهو، ساختار اسرائیل [رژیم صهیونیستی] است که در ظاهر، فردگرایانه نیست؛ اما نتانیاهو با فردگرایی خود در سال‌های اخیر باعث شد شعار «اسرائیل خود را از نتانیاهو نجات دهید» مطرح شود؛ به همین دلیل دولت بنت در برابر مشکلات سیاسی و ایدئولوژیک زیادی قرار دارد، به ویژه که وی عضو حزب خانه یهودی است که بسیار افراطی بوده و خواستار اخراج اعراب و انضمام کرانه باختری به اسرائیل است.



تحلیلگران سیاسی، پیروزی‌های اخیر ارتش و کمیته‌های مردمی در جیزان و جبهه‌های مختلف موجب شده است عربستان برای پایان دادن به جنگ امتیاز دهد.

وضعیت اسفناک حقوق بشر

روزنامه واشنگتن‌پست: زمانی که دولت پابین با وجود گزارش سازمان سیا به دست داشتن بن سلمان در کشتن خاشقجی جواب رد داد، همان موقع در مقاله‌ای اعلام کردیم که این کار به معنای کشته شدن صدها بی‌گناه در آینده است. روزها ادعای ما را اثبات کرد، بن سلمان تا قبل از تصمیم متوقف کرد. دیده‌بان حقوق بشر نیز در گزارشی اعلام کرد، سرکوب معارضان و فعالان مدنی و حقوق بشری همچنان ادامه دارد. وضعیت حقوق بشر در عربستان در ماه‌های اخیر بسیار اسفناک توصیف شده است. سازمان‌های حقوق بشری اعلام کردند رژیم سعودی قصد دارد ۴۰ جوان را که تعداد زیادی از آنها به سن قانونی نرسیده‌اند، اعدام کند.

بازرگانان و ادامه اطمینان‌بخشی مبنی بر ناتوانی حماس در بالا بردن سرش در تمامی زمینه‌ها انجام دهد. وی تشکیلات خودگردان فلسطین را یکی از مراجع اصلی در امور فلسطین می‌داند و تأکید دارد، اسرانیل باید هماهنگی با تشکیلات خودگردان فلسطین را در تمامی سطوح تقویت کند

باتلاق عمیق عربستان

روزنامه «القدس العربی» نوشت: عربستان سعودی به دلیل فروپاشی توافق ریاض و ناتوانی در اجرای آن، در باتلاق عمیقی گرفتار شده است به ویژه اینکه متعهد شده بود بر اجرای میدانی این توافقنامه نظارت کند؛ اما عملاً این امر محقق نشد.

شکست کمر عربستان سعودی

گزارش رویترز درباره تحولات اخیر یمن: ائتلاف سعودی به دنبال خروج از جنگ پر هزینه یمن بوده و توافق صلح این ائتلاف با جنبش انصارالله نزدیک است. منابع آگاه یمنی خبر دادند گروه‌های متخاصم یمنی در حال آمادسازی توافق صلحی هستند که عربستان سعودی را از جنگ پر هزینه که درگیر آن شده، رها کند. این منابع گفتند که گفت‌وگوها میان ائتلاف به رهبری سعودی و جنبش انصارالله یمن بسر گام‌هایی متمرکز است که بر اساس آن محاصره بنادر یمن و فرودگاه بین‌المللی صنعا برداشته شود. به گفته

۵

جهان

شماره ۱۰۰۵ | دوشنبه ۷ تیر ۱۴۰۰

صداق

یادداشت

آتش زیر خاکستر

الله‌کرم مشتاقی

تحلیلگر مسائل منطقه

سرانجام «جبهه تغییر» که می‌توان آن را متناقض‌ترین ائتلاف تاریخ در صحنه سیاسی رژیم صهیونیستی دانست، موفق شد پس از برگزاری چهار دوره انتخابات به عمر دولت ۱۲ ساله نتانیاهو پایان دهد. در دوران نتانیاهو، رژیم صهیونیستی شاهد بحران‌های متعددی بوده و به نظر می‌رسد به صورت مصنوعی در لایه نازکی از سیاست پوشیده شده است، بحران‌هایی که به احتمال فراوان با قدرت بیشتر به صحنه‌باز خواهند گشت: ۱- قدرت روزافزون مقاومت؛ مسئله مقاومت از دو جنبه رژیم صهیونیستی را تحت فشار قرار داده است. جنبه اول تجربه مقاومت فلسطینی از نبردهای متعددی که در دو دهه اخیر کسب کرده است. مقاومت فلسطینی که دوده‌پیش صرفاً موشک‌هایی با برد ۱۰۵ کیلومتر را در اختیار داشت، در جنگ اخیر از موشک‌هایی با برد ۲۵۰ کیلومتر رونمایی کرده است. در جنبه دوم نیز جبهه مقاومت در منطقه از قدرت روزافزونی برخوردار شده است که نمونه آن را در ایران، عراق، یمن، سوریه و لبنان به ویژه خیزش مقاومت در کرانه باختری شاهدیم.

۲- امنیت داخلی؛ جنگ سیف‌القدس برای اولین بار آتش نهفته درون سرزمین‌های اشغالی را شعله‌ور کرد. در جنگ‌های گذشته اعراب ساکن در سرزمین‌های اشغالی که ۲۰ درصد از جمعیت این رژیم را شامل می‌شوند به عنوان اقلیتی معترض، اما خاموش شناخته می‌شدند، اما در جنگ اخیر با قدرت به میدان آمدند.

۳- ائتلاف‌های منطقه‌ای؛ دولت صهیونیستی امیدوار بود که آمریکا بتواند با اجرای معامله قرن و ائتلاف‌سازی‌های جدید، مسئله فلسطین را به سرانجام برساند. اقدامات تدریوانه واشنگتن نه تنها مسئله فلسطین را حل نکرد؛ بلکه مردم را با خودآگاهی بیشتری مواجه و ائتلاف‌های مقاومت در منطقه را مستحکم‌تر کرد و عمده کشورهای اسلامی که رژیم صهیونیستی امید زیادی برای حضور آنها به جریان تطبیع داشت، از آن فاصله گرفتند.

۴- بحران اجتماعی و معیشتی؛ روزنامه «معاربو» در گزارشی که پیش از شیوع کرونا منتشر کرد، نوشته بود در سرزمین‌های اشغالی بیش از ۲ میلیون نفر زیر خط فقر هستند، بحرانی که کرونا به شدت آن افزوده است. به نوشته رأی‌الیوم تا نیمه سال ۱۳۹۹ بیش از یک میلیون بیکار در رژیم صهیونیستی وجود داشته است. موسسه خیریه صهیونیستی لاتت (Late) نیز اعلام کرده است، تعداد خانواده‌هایی که استانداردهای زندگی معیشتی خود را در سرزمین‌های اشغالی از دست داده‌اند، به ۸۶۰ هزار خانوار رسیده است. در کنار این موارد باید به شکاف‌های عمیق نژادی در سرزمین‌های اشغالی اشاره کرد که در سایه دولت ضعیف و همچنین تحركات بیشتر افراط‌گرایان صهیونیست در سر‌های جدید را برای تل‌آویو به بار خواهد آورد.

۵- بحران سیاسی؛ «فتالی ینت» نخست‌وزیر این رژیم کابینه سی‌وششم را از ۲۳ خرداد آغاز کرد تا برای اولین بار در سال‌های پس از اشغال فلسطین باشد که یک حزب با اقلیت هفت نفره مسئولیت تشکیل دولت را بر عهده داشته باشد. آنچه موجب اتحاد اعضای متناقض کابینه او شده بود، یک چیز است؛ «بنیامین نتانیاهو». اگر پیش از این اقدامات کابینه نتانیاهو با مخالفت گروه‌های خارج از دولت روبه‌رو می‌شد، اکنون به دلیل تناقضات ماه‌وی ائتلاف دولت جدید، شاهد اختلافات جدی از درون کابینه خواهیم بود.

یادداشت

آغاز حرکت بزرگ

میثم مهرپور

دبیر گروه اقتصاد

اولین نشست خبری رئیس‌جمهور منتخب ایران با حضور رسانه‌های داخلی و خارجی برگزار شد. در میان پرسش و پاسخ‌های گوناگونی که از سوی خبرنگاران و رئیس‌جمهور منتخب رد و بدل شد، سیدابراهیم رئیسی در پاسخ به یکی از پرسش‌ها درباره موضوع تولید، کاهش مالیات فعالیت‌های تولیدی از ۲۵ درصد به ۱۰ درصد و افزایش مالیات، یا به عبارتی کاهش سود فعالیت‌های غیر مولد را یکی از اقدامات دولت خود برشمرد. موضوعی که اگر چه عبارت یا جمله‌ای کوتاه بود، اما می‌توان این اتفاق را در صورت تحقق به عنوان هسته اصلی حرکت اقتصاد ایران به سمت پیشرفت و توسعه دانست.

طی سال‌های گذشته و به ویژه در یک دهه اخیر، یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران هجوم نقدینگی به سمت بازارهایی چون ارز، سکه، طلا، مسکن و... بوده است. بازارهایی که به واسطه هجوم نقدینگی نه تنها به تولید ملی آسیب زده، بلکه عملاً موجب نوسان و تنش در این بازارها شده و از طریق نوسان در این بازارها بر تمام اقتصاد کشور تسری یافته و اثرات منفی از خود بر جای گذاشته است. شاید بتوان به جرئت مهم‌ترین وظیفه و رسالت اقتصادی دولت‌ها در دنیای امروز را هدایت‌گری اقتصاد از سوی آنها دانست. موضوعی که در واقع باعث می‌شود نقدینگی موجود در کشور راه خود را یافته و به سمت فعالیت‌های مولد حرکت کند.

بی‌شک سوق یافتن نقدینگی در اقتصادی، مانند ایران به سمت بازارهای غیر مولد و سوق نیافتن به فعالیت‌های تولیدی را می‌توان نبود هدایت‌گری صحیح از سوی دولت دانست. دولتی که باید سرمایه‌گذاری در تولید را تشویق و حضور منابع در سایر بازارها را تقبیح و تنبیه کند، نه تنها در این راستا اقدامی نمی‌کند؛ بلکه گاهی با ایجاد مانع یا افزایش هزینه‌های تولید و از طرفی ایجاد سهولت در فعالیت‌های سفته‌بازانه عملاً منابع ریالی کشور را برای حضور در فعالیت‌های غیر مولد تشویق می‌کند.

اگر چه انجام این کار- تسهیل تولید و تنبیه فعالیت‌های غیر مولد- به این راحتی‌ها نخواهد بود و همان‌طور که رئیس‌جمهور منتخب نیز در نشست خبری هفته گذشته به آن اشاره کردند طی یک بازه زمانی و به مرور زمان قابل تحقق است، اما بی‌شک تسهیل فرآیند تولید در کنار کاهش هزینه‌های آن با اقداماتی از جمله تسهیل فضای کسب‌وکار و صدور مجوزهای فعالیت، اعطای تسهیلات ارزان قیمت به تولید، کاهش مالیات تولید و... در کنار افزایش هزینه فعالیت‌های سفته‌بازانه و ایجاد موانع برای ورود به این فعالیت‌ها از جمله وضع مالیات بر آنها به صورت هم‌زمان و در کنار هم می‌تواند در نهایت سبب یک جهش در حوزه تولید و اقتصاد کشور شود.

بی‌شک تحقق جهش تولید در اقتصاد ایران در میان‌مدت، همه شاخصه‌های اقتصادی از جمله نرخ تورم، نرخ بیکاری، رشد اقتصادی و... را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این راه، آغاز یک حرکت بزرگ به سمت توسعه و پیشرفت اقتصادی و در نهایت افزایش سطح رفاه در جامعه خواهد بود.

در گفت‌وگوی حمیدرضا دهقانی‌نیا، سخنگوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز با صبح صادق مطرح شد

شفاف‌سازی علیه قاچاق

حمید رضا جوانبخت

خبرنگار

در یک دهه گذشته ارقام متفاوتی تحت عنوان میزان قاچاق کالا به کشور مطرح بوده است. ارقامی که با وجود نوسان قابل توجه طی سال‌های گذشته همواره عددی بالای ۱۰ میلیارد دلار بوده و در برخی از سال‌ها به بیش از ۲۰ میلیارد دلار نیز رسیده است. طی سال‌های گذشته، اگر چه اقداماتی در راستای مبارزه با قاچاق کالا صورت گرفته و روی کاغذ با توجه به افزایش نرخ ارز باید میزان قاچاق کالا به کشور به شدت کاسته شده باشد؛ اما شواهد ماجرا حاکی از آن است که قاچاق کالا به کشور همچنان وجود داشته و یکی از مشکلات و موانع پیش روی تولید است. با این حال اتفاق خوبی که طی یکی دو سال گذشته در کشور رخ داده، درباره کالایی مانند گوشی تلفن همراه بوده که در گذشته بیش از ۹۰ درصد آن به صورت غیر قانونی وارد کشور می‌شده است؛ اما امروز و با اجرای طرح رجیستری به جرئت می‌توان گفت بیش از ۹۵ درصد گوشی‌های خارجی موجود در بازار به صورت قانونی وارد کشور می‌شوند. صبح صادق در گفت‌وگویی با مهندس حمیدرضا دهقانی‌نیا، سخنگوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز اقدامات و فعالیت‌های این ستاد را در راستای مبارزه با قاچاق کالا و ارز بررسی کرده است.

مجلس رفته و مصوب و ابلاغ شده است، سپس بر اساس این سیاست‌گذاری‌ها باید برنامه‌ریزی صورت بگیرد و این برنامه‌ریزی‌ها به تأیید رئیس‌جمهور رسیده و با امضای رئیس‌جمهور به دستگاه‌های مختلف ابلاغ می‌شود. در مرحله بعدی این برنامه‌ها در حوزه اجرا به هماهنگی‌هایی نیاز دارد که این هم از وظایف ستاد است. در مرحله بعدی ستاد وظیفه دارد بر حسن اجرای انجام قانون و آیین‌نامه‌ها نظارت کند. مقابله با قاچاق وظیفه ضابط، یعنی نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات است. پیشگیری هم وظیفه ۱۰ دستگاه است که در ماده ۳۶ قانون گفته شده است که این ۱۰ دستگاه کشف هستند. چون بر اساس ماده سه رئیس ستاد شخص رئیس‌جمهور است و اگر رئیس‌جمهور نتواند، باید نماینده ویژه تعیین کند. الان هیچ مصوبه‌ای در ستاد وجود ندارد مگر اینکه به امضای رئیس‌جمهور رسیده باشد؛ از این رو دستگاه‌ها نمی‌توانند مصوبات را اجرایی نکنند

نام کامل ستاد، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. قاچاق کالا که مشخص است، اما این عبارت از به چه معنایی است، یعنی مبارزه ستاد با قاچاق ارز چگونه است؟

ارز وجهه‌های متفاوتی دارد. همان‌طور که می‌دانید منبع تأمین قاچاق کالا ارز است. در واقع وقتی خود این ارز از کشور به صورت غیر قانونی خارج می‌شود، قاچاق است. برای همین ما در حوزه ارز بانک مرکزی را موظف کرده‌ایم که خیلی از سامانه‌ها، مانند پرتال ارزی و سامانه نیما را بالا بیاورد. اینها همه اتفاقاتی است که با تدابیر ستاد مبارزه با قاچاق کالا خروجی شده و نهادهای دستگاه‌های مختلف این کارها را انجام دادند، به گونه‌ای که نمی‌توان صادرات داشت یا از این ارزها استفاده کرد مگر اینکه منشأ ارز نیز مشخص شود. وقتی شما این متوسط‌سازی سیستمی را انجام دادید، می‌توانید رویه جاری کشور را شبیه یک استوانه شفاف و شیشه‌ای درست کنید نه اینکه با استثناهای تجاری همه جای این استوانه را سوراخ کنید، یا بیابید بگویید کالا در گمرک رسوب کرده و از آنجا که در کشور نیازمند کالا هستیم، همه کالاها از گمرک ترخیص شوند.

یعنی ستاد یک جاهایی در مسائل ارزی و فعالیت‌های بانک مرکزی نیز حق ورود یا دخالت دارد؟

ورود کرده است. ستاد رویه‌ها را تغییر داده است. اتفاقاتی که در حوزه تلفن همراه، لوازم خانگی، دارو و... رخ داده، نشان می‌دهد، رویه‌ها تغییر کرده است.



قاچاق وجود دارد و این طور نیست که قاچاق صرفاً محدود و مخصوص به اقتصاد ایران باشد. قاچاق در کشورهای اروپایی آقدر جدی است که وقتی سال نو میلادی می‌شود رسانه‌های اروپایی به خانواده‌ها هشدار داده و می‌گویند اگر می‌خواهید این کالاها را خریداری کنید؛ چون قاچاق و تقلبی این کالاها در بازار وجود دارد به این موارد دقت کنید.

از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷ اختلاف قابل توجهی در میزان قاچاق اعلامی کالا وجود دارد؛ به گونه‌ای که قاچاق کالا ۲۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۷ به ۱۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۷ رسیده است. این اختلاف به دلیل تغییر در نحوه محاسبه است یا نه، واقعا میزان قاچاق کالا این مقدار کاهش پیدا کرده است؟

میزان قاچاق کاهش پیدا کرده است؛ اما این موضوع را هم در نظر بگیرید که یک فاصله ده ساله بین این دو دوره‌ای که شما می‌گویید وجود دارد. میزان قاچاق کالا هم این طور نیست که هر ساله اعلام شود؛ برای نمونه آمار این بخش در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ هنوز اعلام نشده است.

وظیفه اصلی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز چیست؟

بر اساس متن قانون، ستاد چهار وظیفه «سیاست‌گذاری»، «نظارت»، «برنامه‌ریزی» و «هماهنگی» را بر عهده دارد. سیاست‌گذاری ستاد در قالب تدوین و تهیه قانون و آیین‌نامه‌هاست که به

ممکن است بیش از ۱۰ برند خارجی در بازار ایران وجود داشته باشند که با مجوز وارد می‌شوند. برای نظر دادن در حوزه قاچاق باید سوابق یک دهه اخیر را بدانیم و روی ابلاغیه‌ها، مصوبه‌ها، دستورالعمل‌ها، شیوه‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها مسلط باشیم. در دوره وزارت آقای نعمت‌زاده در صمت گفته شده بود که شرکت‌های خارجی پوشاک به شرطی که ۲۰ درصد از تولیدات‌شان داخلی باشند، می‌توانند واردات داشته باشند. برخی از این شرکت‌ها رفتند و این مجوز را گرفتند؛ یعنی برخی از شرکت‌های خارجی که ۲۰ درصد از ظرفیت تولیدشان داخلی است همچنان به صورت رسمی به ایران واردات دارند، اما یکسری از شرکت‌ها به صورت کلی واردات‌شان به ایران ممنوع است. پس کل این بکجج و بسست را باید با هم ببینیم. این موضوع یک رویه و فرآیند است.

قبول دارید رقم قاچاق کالا به کشور در حال حاضر رقم قابل توجهی است؟

ما در مبارزه با قاچاق سبیدی از کالاها می‌هدف، مانند منسوجات و سیگار و... داریم. یک زمانی کالایی مانند تلفن همراه و لوازم خانگی نیز در این سبب بودند که الان حذف شده‌اند، در قاچاق خروجی هم موضوع سوخت بسیار جدی است. ضمن اینکه تنوع کالاها قاچاق به کشور هم بسیار زیاد است؛ اما اینکه می‌گویید میزان قاچاق به کشور رقم قابل توجهی است لزوماً اینطور نیست، میزان قاچاق به کشور در مقایسه با حجم اقتصاد ما رقم بزرگی به شمار نمی‌آید. الان در قلب اروپا هم

به عنوان اولین سؤال می‌خواستم بدانم چه کالاهایی این قابلیت را دارند که با اجرای شناسه کالا و رهگیری بتوان قاچاق آن را به صفر رساند؟

لوازم خانگی و کالاها هدف آن شامل تلویزیون، یخچال، کولر اسپلیت، ماشین ظرفشویی و لباسشویی در حال حاضر شناسه کالا و شناسه رهگیری دارند؛ یعنی حتی اگر این کالاها به صورت قاچاق نیز از مرز عبور کنند، می‌توان در داخل کشور با آنها مقابله کرد. در حالی که یک زمان و در گذشته بعد از ورود کالا از مرز برای مقابله با قاچاق نمی‌شد کاری کرد، اما الان اینطور نیست و هم برای مردم و هم برای بازرس و ضابط بستر و ابزار تشخیص و شناسایی کالای قاچاق مهیاست؛ یعنی می‌توانند تشخیص دهند این کالا اصل نیست یا مثلاً به صورت غیر قانونی وارد کشور شده است. حالا یا ضابط آن کالای قاچاق را از بازار جمع‌آوری کند یا مصرف‌کنندگان به دلیل عدم اطمینان به این کالا آن را خریداری نکنند. در واقع دیگر یک فروشنده نمی‌تواند بگوید این کالا اصل است، یعنی این طور نیست که من به عنوان عرضه‌کننده کالا نتوانم تشخیص دهم که این کالا قاچاق است یا قاچاق نیست.

یک موضوع، کالاهایی مانند موبایل هستند که اگر به صورت قاچاق وارد کشور شوند، اصلاً امکان استفاده از آنها وجود ندارد؛ به جز موبایل کالای دیگری چنین ویژگی را دارد؟

این به خصلت آن کالا برمی‌گردد. کالاها دیجیتالی چون به صورت شبکه بی‌سیم سرویس می‌گیرند، ما می‌توانیم بدون مداخله نیروی انسانی از سرویس دادن به آنها جلوگیری کنیم. کالاهایی مانند تلفن همراه و دستگاه‌هایی که ما پیگیر هستیم تا مشمول این سبب شوند تبلت و موبایل‌واره‌ها مانند ساعت هوشمند و... هستند که این ویژگی را دارند. البته مقدار و حجم آنها خیلی کم است، اما این ویژگی را دارند.

در بحث پوشاک اگر چه واردات پوشاک از سال ۱۳۹۷ ممنوع شده، اما برندهای خارجی به وفور در بازار یافت می‌شوند. خب وقتی واردات پوشاک ممنوع است، می‌توان گفت تمام برندهای خارجی موجود در بازار، قاچاق هستند؟

لزوماً اینطور نیست؛ یعنی هر پوشاک خارجی که در بازار وجود دارد، این طور نیست که حتماً قاچاق باشد یا به صورت غیر قانونی وارد کشور شده باشد.

شاخص

سلطنت در بیت کوین

به گزارش راشاتودی، «فرانسیس سوآرز» شهردار شهر میامی آمریکا اعلام کرد، از شرکت‌های خارجی فعال در حوزه استخراج بیت کوین دعوت می‌کند تا در این شهر یک مرکز اطلاعات ایجاد کنند. در واقع «سوآرز» می‌خواهد میامی را به مرکز استخراج ارزهای مجازی در جهان تبدیل کند. وی گفته است، حجم بالای ظرفیت برق هسته‌ای این شهر می‌تواند استخراج‌گران بیت کوین را که به دنبال انرژی‌های پاک هستند، جذب کند. وی ادامه داد، مقامات این شهر قصد دارند با همکاری شرکت‌های تولید و عرضه برق هزینه انرژی استخراج بیت کوین و دیگر ارزهای مجازی را کاهش دهند.



منهای نفت

ظرفیت‌های جغرافیایی

شکوفایی اقتصادی در ایران همواره با توسعه تجاری هم‌زمان بوده است. در کشوری که تجارت به مثابه محور اصلی اقتصادش مطرح شود، دیپلماسی اقتصادی نیز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. دسترسی گسترده ایران به آب‌های آزاد، موقعیت عالی اتصالات و دسترسی‌های ایران، اتصال به دریای آزاد، دسترسی‌های زمینی بی‌نظیر و... سبب شده است. افزون بر این تعداد همسایه، هم‌زمان به دریاچه‌های بسیار راهبردی، مانند دریای خزر نزدیک بوده و دسترسی دارد؛ ظرفیت‌های جغرافیایی‌ای که حکم می‌کند دیپلماسی اقتصادی ما نیز بر پایه همین ظرفیت‌ها بنیان‌گذاری شود.



اوراق با درآمد ثابت

این اوراق همانند وام‌هایی هستند که از سوی مردم برای پیش بردن امور دولتی یا از سوی دولتی به دولتی دیگر داده می‌شود. طبق موارد درج شده در اوراق، این وجه یا اعتباری که به نهاد یا سازمانی داده می‌شود، باید تا پایان بازه زمانی مشخصی پس داده شود که معمولاً با سود همراه است. افراد دارای این اوراق خلاف سهام‌داران، صاحبان شرکت‌ها به شمار نمی‌آیند و هیچ حقی برای دخل و تصرف در امور شرکت‌ها ندارند. اوراق قرضه معمولاً از سوی شرکتی که به آن مبالغ نیاز دارد منتشر نمی‌شود، بلکه این کار را سازمان یا شرکتی دیگر انجام می‌دهد.



همدلی و همراهی حتی با نیت هم، شدنی است

گفتاری از استاد شیخ حسین انصاریان

مسلمان باید سبک زندگی اسلامی داشته باشد؛ سبکی که بر پایه فلسفه اسلامی شکل می گیرد و توجه و اهتمام به آخرت با ویژگی طریقت برای دنیا در آن اصالت می یابد. دستیابی به جزئیات سبک زندگی اسلامی نیازمند تعمیق و تأمل در آموزه های وحیانی اسلامی و سنت و سیره پیشوایان معصوم (ع) است.

در سبک زندگی اسلامی بر چگونگی تعامل با مردم و معاشرت با آنان توجه خاص شده و روابط میان هر شخصی با دیگران در ابعاد گوناگون اجتماعی بر اساس نقش ها تبیین و تشریح شده است. این گونه است که به هر کسی می آموزد در نقش پدر و پسر و همسر و دوست و مانند آن چگونه رفتاری در پیش گیرد که بهترین ها باشد.

انسان مؤمن نیاید



پیشرفت در گرو تأمین امنیت اخلاقی



سیدحسین خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف

آدم داراً اَزْغَدَ فیها عِشَّهٔ وَاَمَرَ فیها مَحَلَّهٔ؛ خداوند سبحان، آدم را در سرای زمین جای داد و در آن سرای، زندگی اش را پر ناز و نعمت و محیطش را بر خوردار از امنیت کرد.(نهج البلاغه، خطبه ۱)

امنیت نعمتی است که خداوند اعطا فرموده است و به آن قسم خورده و فرموده است: «وَهَذَا الْبَلَدُ الْأَمِینُ». به بیان امام علی (ع): «لا یَعْمَهُ اَهْنَأُ مِنْ الْأَمْنِ»؛ هیچ نعمتی گوارتر از امنیت نیست (غررالحکم، ج ۶، ص ۴۳۵)

و ما را موظف به شکر آن کرده است. شکری که فقط به زبان نباید جاری شود؛ بلکه در عمل هم باید دیده شود؛ یعنی هر انسانی باید برای تأمین امنیت جان، مال، آبرو، اخلاق و... در وجود خود و جامعه خود بکوشد و زنجیره امنیت را قطع نکند. حضرت ابراهیم امنیت خانواده خود را در امنیت سرزمین می بیند که با آمدن آن همه متنعم می شوند. اصولاً انسان ها امنیت را برای چه می خواهند؟ برای یک زندگی پر از آسایش و آرامش و برای رشد معنوی و مادی. آسایشی که به حضور فعال خود افراد در جامعه وابسته است. انمه اظهار (ع) بارها در بیاناتشان تأمین امنیت را هم برای خود و هم برای دیگران مورد تأکید قرار داده اند. امام رضا(ع) می فرماید: «لَیْسَ مِنْ اَمْنٍ لَّمْ یَأْمَنْ جَاوِزَ بَوَانِقَهٗ»؛ از ما نیست کسی که همسایه اش از شَرِّ او در امان نباشد. (عیون اخبارالرضا(ع)، ج ۲، ص ۲۴)

اینکه باید به امنیت هم نوعان خود و امنیت مخلوقات خداوند اهمیت دهیم و آن را ارزشمند بدانیم، یک اصل عقلی و مورد تأکید دین است. حضرت ابراهیم اولین عامل رشد در سرزمین مکه را امنیت می دانند، زیرا چیزی که جامعه را به حرکت می اندازد و ادامه تحرک را تضمین می کند، امنیت است.

کسانی که کار اقتصادی می کنند، رشد اقتصادی را در گرو امنیت می دانند و جامعه ای که می خواهد با تولید کالا و سرمایه گذاری خود را قدرتمند کند، اول باید امنیت تولید و سرمایه گذاری را تأمین کند. خداوند در سوره نحل، آیه ۱۱۲ رشد اقتصادی را همراه با امنیت می آورد و می فرماید: «... منطقه ای را که امن و آرام و مطمئن بوده و همواره روزی اش به طور وافر از هر مکان فرا می رسیده است...»

این نکته را هم باید اضافه کنیم که دینداری و اخلاق هم به امنیت نیاز دارند؛ یعنی باید امنیت جانی و مالی وجود داشته باشد تا انسان ها بتوانند دین دار باشند. خداوند در قرآن به این اصل اشاره می کند و در جواب کسانی که از ترس جان شان ایمان نمی آورند، می فرماید من امنیت شما را تأمین کرده ام، اما شما نمی دانید.

در آیه ۵۷ سوره قصص آمده است: «اَنهَا کُنْتُمْ: «اگر هدایت را همراه تو بپذیرا شویم، ما را از سرزمین مان می رابند.» آیا ما حرم امنی در اختیار آنها قرار ندادیم که ثمرات هر چیزی [از هر

شهر و دیاری] به سوی آن آورده می شود که رزقی است از جانب ما؟! ولی بیشتر آنان نمی دانند.» در این آیه خداوند تأیید فرموده که دین داری هم به امنیت نیاز دارد.

به عبارتی جامعه ای که خواهان اصول اخلاقی است، باید امنیت آن را تأمین کند و برای آن برنامه داشته باشد. مردم یک جامعه باید با امنیت اقتصادی، اخلاقی، نظامی و سیاسی آشنا شوند و خود را موظف به رعایت اصول آن کنند. به طور مسلم برخی از اقسام امنیت زمینه ای برای اقسام دیگر هستند؛ امنیت از نظر معنوی همیشه می تواند به تأمین امنیت مادی کمک کند.

برای نمونه، امنیت اخلاقی زمینه تأمین امنیت سیاسی و اقتصادی است. طمع نداشتن و حرص نزدن برای ثروت بیشتر، باعث می شود انسان ها از زیاده خواهی فاصله بگیرند و لطمه ای به سرمایه اقتصادی دیگران وارد نکنند.

بنابراین امنیت اخلاقی باید در جامعه زیاد شود تا انسان ها به جان، مال، آبرو و ناموس کسی طمع نکنند

در این میان نمی شود کسی به امنیت دیگران اهمیت ندهد و از آن طرف امنیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای خود طلب کند. متأسفانه انسان ها در بسیاری از مسائل نقش خود را در نظر نمی گیرند که موجب می شود همیشه از دیگران متوقع باشد و این می تواند مشکلات زیادی ایجاد کند.

خطر تغییر باورهای دینی

حجت الاسلام مجید رجبی: جریان های سکولار با ویرترین روشنفکران به اصطلاح دینی، در صدد تغییر باورهای دینی و تهی کردن گفتمان اسلامی از عناصر هویتی آن هستند تا در نتیجه، شریعتی سازگار در برابر انحرافات تمدنی غرب وساکت در برابر نظام سلطه ارانه دهند. انکار جنبه های قدسی و الهی حکمرانی و تبدیل آن به امری عرفی و غیر شرعی، یکی از اقدامات این جریان است. البته در این مسیر از هرگونه اتهام زنی به عالمان وارسته و دانشمندانی که با دقت نظر خود متوجه حرکت التقاطی این دسته از روشنفکران شده و درصدد مواجهه عالمانه با ایشان بر می آیند، دریغ نمی کنند.



دین

شماره ۱۰۰۵ | دوشنبه ۷ تیر ۱۴۰۰

صداقت

مخفی شدن پشت گناه دیگران!



ایمان معینی

کارشناس علوم اسلامی

تنها عاملی که می تواند انسان را در برابر خطا و گناه ایمن گرداند، باور به خداوند است. اینکه در برخی کشورها باور به خدا آن چنان که باید دیده نمی شود، اما اشتباهات عرفی و قانونی آشکار به ظاهر آمار کمی دارد، به دلیل وجود دستگاه های نظارتی است. مردم در این جوامع اگر لحظه ای احساس کنند که کسی آنان را بازخواست نمی کند، هر چه که از دست شان بر می آید انجام می دهند. دلیل عمده این عدم توازن این است که انسان ها سعی می کنند خطاها و گناهان شان را مخفی کنند تا کسی آن را مشاهده و پیگیری نکند. مسلماً بسیاری از انسان ها در طول حیات شان سعی دارند انسان های دیگر را پایین بیاورند تا خودشان به مراتب بالای مادی برسند؛ اما نه به صورت آشکار بلکه به دلیل تبعاتش با حيله و مخفیانه. یعنی با مخفی شدن پشت الفاظ و افکار خود را مخفی می کنند تا در امان باشند. در واقع برخی انسان ها زمان زیادی را صرف یادگیری هنر مخفی شدن می کنند. این در حالی است که خداوند آنها را می بیند و رفتار و نیات شان را ثبت و ضبط می کند. در قرآن می خوانیم که خداوند می فرماید: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسُّوْهُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ اقْرَبُ إِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرْدِ»؛ ما انسان را آفریدیم و وسوسه های نفس او را می دانیم و مسا به او از رگ قلبش نزدیک تریم. (ق/۱۶) رفتار، افکار و حتی نیات همه مخلوقات نزد خداوند آشکار است و قابل پوشاندن نیست. اگر کسی نیت کند انسانی را آزار دهد، کوچک کند، بی آبرو کند و... ولی در رفتارش آن را نشان ندهد، شاید بتواند هم نوعان خود را فریب دهد؛ اما نمی تواند خداوند را فریب داده و در امان باشد؛ زیرا «اوست خداوند در آسمان ها و در زمین [که] پنهان و آشکار شما را می داند.» (انعام/۳) و اوست که: «پیدا و پنهان است و هر جا باشید او با شماست.» (حدید/۳۴) کسی نمی تواند مخفیانه به کسی ظلم کند، تهمت بزند، آبرویی ببرد و... با خیال اینکه این رفتار او قابل مشاهده نیست و کسی از آن باخبر نمی شود. البته این ایمان باید به عمل تبدیل شود و صرف اینکه بدانیم خداوند ناظر بر ماست، کفایت نمی کند. متأسفانه روزهایی را سپری می کنیم که برخی افراد سعی دارند با هنر نمایی اشتباه شان را مخفی کنند؛ در حالی که خداوند از نیت درونی آنان خبر دارد و آن را آشکار می کند. خداوند در سوره بقره، آیه ۷۲ می فرماید: «... وَاللّٰهُ مُخْرِجُ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُوْنَ»...؛ خداوند آنچه را که شما پنهان می دارید آشکار می سازد.

این مخفی شدن ها حالت بدتری هم دارد و آن، اینکه برخی افراد عالمانه و عامدانه پشت ادعاهایی پوچ و اخبار دروغ خود را مخفی می کنند و این طور می خواهند گناه خود را توجیه کنند. پیامبر (ص) می فرماید: «ای پسر مسعود! سخن مگو مگر به دانستن چیزی که آن را شنیده ای و دیده ای زیرا خدای تعالی می فرماید: از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسئولند.» (بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۱۰۷) امروزه بسیاری از افراد با اتکای به این توجیه، دیگران را تخریب می کنند تا اهداف خود را پیش ببرند؛ رفتاری که آسیب های اجتماعی فراوانی دارد و لطمات بسیاری به انسان ها و جوامع وارد می کند.

تقویم انقلاب

هواداران تعویق



سیدمهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر



سرانجام پیشنهاد مجلس مؤسسان با حضور ۷۵ نفری داده شد تا پیش‌نویس قانون اساسی را بررسی کنند و بعد به رفراندوم مردم بگذارند. این دیدگاه مورد تأیید حضرت امام(ره) و همه اعضای دولت موقت و شورای انقلاب قرار گرفت. اما همین که تشکیل این مجلس قطعی شد، باز هم جریان گروه‌هایی کمونیستی و برخی از گروه‌های ملی‌گرا یا عده‌ای افراد لائیک و جماعتی از سران حزب خلق مسلمان و... آن را نپذیرفتند که امام خمینی(ره) طی یک نطق شدیدالحنی به مخالفان هشدار داده و فرمودند: «اشخاصی هستند که حسن نیت دارند، لکن توجه به عمق مسائل ندارند، یک اشخاصی هستند که تحت تأثیر تبلیغات و صحبت‌هایی واقع می‌شوند و در عین حال که حسن نیت دارند... آنهایی که غفلت کرده‌اند توجه فرمایند. آنهایی که سابقاً رفراندوم را تحریم کرده بودند، حالا هم دارند می‌گویند ما شرکت نمی‌کنیم تا مجلس مؤسسان پیدا شود، ببینید آنها چه اشخاص هستند. آنهایی که از آن طرف مملکت می‌گویند ما شرکت نمی‌کنیم... من امروز ملت را آگاه کردم که طرح مجلس مؤسسان به آن معنایی که از غرب طرح شده است و الهام از شیاطین گرفته شده‌است، موجب تعویق و فساد می‌شود.»

با وجود این تذکرات باز هم برخی به مجلس مؤسسان بزرگ اصرار می‌ورزیدند، که بار دیگر امام(ره) در بیاناتی شدیدتر فرمودند: «آنکه می‌گوید اگر مجلس مؤسسان نباشد تحریم می‌کنیم، همین کمونیست‌ها هستند. حالا یک اشخاصی که اشتباه دارد و باید اشتباهش رفع شود و بلکه اشخاصی که حسن نیت دارند و توجه به این ندارند، نظرشان به این است که به تعویق ببیند‌اند. همینطور تعویق، تعویق، تعویق تا مجلس مؤسسان آن طوری که در غرب هست به وجود آیند. ما می‌خواهیم یک کشور اسلامی درست کنیم. ما یک کشور غربی نمی‌خواهیم درست کنیم، ما حقوق‌دان غربی لازم نداریم، اصلاً حقوق‌دان غربی و غرب‌زده صلاحیت ندارند که در قانون اساسی ما دخالت کنند.» در این سخنان نیز بار دیگر به حزب خلق مسلمان و اطرافیان شرعتمداری گوشزد کردند. در همین حال کریم سنجابی و علی اصغر حاج سیدجوادی از منتقدان ملی‌گرا نیز ظاهراً با قانون اساسی نوشته شده از سوی دولت موقت موافقت داشتند، اما پس از چندی انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی آماده‌برگزاری شد که بار دیگر حزب جمهوری خلق مسلمان خواستار تعویق انتخابات شد و تهدید کرد اگر انتخابات به تعویق نیفتد در آن شرکت نخواهد کرد، ولی در آستانه انتخابات اعلام کرد در انتخابات شرکت می‌کند؛ اما چهره‌های چپ و کمونیستی و ملی‌گرا مرتب تبلیغ می‌کردند که خطر «انحصارطلبی» وجود دارد؛ چون خودشان را از گردونه رقابت خارج می‌دیدند و برخی از آنها هم موضع گرفتند که این مجلس انتخابی نیست و انتصابی است و همین جریان‌ها که به نوعی خواستار «تعویق» انتخابات بودند یا گروه‌هایی که انتخابات را «انحصاری» نامیدند یا اشخاص و گروه‌هایی که انتخابات را «تحریم» کردند و آنهایی که انتخابات را «انتصاب» می‌نامیدند، همگی آنها به زباله‌دان تاریخ رفتند و در واقع سرنوشت‌شان جز این چیز دیگری نشد.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

در روزهای پایانی دولت اصلاحات، همه توان حامیان این جریان برای تداوم وضع موجود به میدان آمده بود تا اجازه ندهد دولتی دیگر باگرایش فکری–سیاسی دیگری به قدرت برسد. در این میان، طیف ساختارشکن و رادیکال اصلاح طلب که در ماه‌های پایانی از خاتمی نیز عبور کرده بودند، برای پیروزی در انتخابات دکتر مصطفی معین را به میدان آورده بودند!

وزیر اسبق علوم و تحقیقات و فناوری و مشاور خاتمی چند روز زودتر از مهدی کرویی در تاریخ هفتم دی ماه ۱۳۸۳ در دیدار با دبیرکل، معاونان و اعضای شورای مرکزی جبهه مشارکت به طور رسمی کاندیداتوری خود را اعلام کرد و علی شکوری‌راد ریاست ستاد وی را برعهده گرفت. نخستین نشست سراسری یک روزه گروه‌های حامی معین در روز جمعه، ۱۸ دی ماه در سالن وزارت کار و امور اجتماعی برگزار شد.

چندروز قبل، دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران با اشاره به حمایت سازمان متبوع خود و گروه‌های دیگری مانند جبهه مشارکت از حضور دکتر معین در انتخابات ریاست‌جمهوری گفت: «در آستانه انتخابات، سازمان و سایر دوستان تصمیم گرفتند سراغ کسی بروند که هم ظرفیت‌های لازم و هم مقبولیت داشته باشد و با چنین ذهنیتی، مدت‌هاست که بر حضور شما (معین) در این عرصه اصرار داریم.»

انتخاب معین همراه با ابهامات فراوانی بود. اول سؤالاتی که در مورد توانمندی و برنامه‌ریزی سازمان مجاهدین و حزب مشارکت و دیگر جریان‌های همسو برای اداره کشور مطرح بود. عملکرد پر انتقاد دولت دوم خرداد و نداشتن برنامه‌ای مشخص برای اداره کشور و تکرار شعارهای هشت سال گذشته تا آنجا ملال‌آور بود که جریان ضدانقلاب

داخل در اردوگاه جریان دوم خرداد را نیز به واکنش واداشت. برای نمونه، نویسنده نشریه «نامه» متعلق به جریان‌های ملی–مذهبی که در انتلافی نانوشته با جریان دوم خرداد قرار داشتند، در مقاله‌ای با عنوان «انتخابات، هدف یا وسیله» عملکرد سازمان مجاهدین و جبهه مشارکت در حمایت از معین را نقد کرد و با بیان اینکه اصرار بر نگاه به آینده، بدون واکاوی گذشته؛ ساده‌دلی و حماقت است، بیان داشت: «حزب حامی مصطفی معین، بدون جمع‌بندی آنچه در دولت خاتمی و مجلس کرد، بدون نقد صریح و روشن گذشته و بدون واکاوی صادقانه عملکرد حزبی‌اش در دو قوه مجریه و مقننه، هرگز نخواهد توانست اعتماد عمومی را برای مشارکت در پروژه جدید خود جلب کند... یقیناً حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب بدون نقادی آنچه کردند، شانسِ برای به سرانجام رساندن پروژه «شهروند قدرتمند» ندارند. اگر دانایی شرط اول قدرت شهروندی است، نباید بنا را بر سوء استفاده ابرزاری از نادانی دیگران گذاشت.»

امکان رد صلاحیت معین به دلیل عملکرد پراپهام وی در دوران تصدی وزارت علوم در دولت خاتمی، به ویژه اقدام غیرقانونی در همراهی با ضدانقلاب در ماجرای ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸، مسئله دیگری بود که از همان ابتدای نام معین به عنوان نامزد جریان دوم خرداد مطرح بود و بخشی از جریان‌های دوم خرداد محور قرار دادن وی را تلاش بیهوده‌ای می‌دانستند که ثمری برای جبهه دوم خرداد نخواهد داشت.

معین با اعلام مواضع خود به خوبی نشان داد که می‌تواند نامزد مورد علاقه جریان رادیکال و ساختارشکن باشد و با طرح شعار «راه‌اندازی جبهه دموکراسی‌خواهی و حقوق بشر» حتی نهضت آزادی و جریان‌های ملی–مذهبی را نیز با خود همراه کرد. بعد از ملاقات چند ساعته بین سران این جریان و معین در ۱۶/۴/۱۳۸۳، بیانیه مشترک ابراهیم یزدی، دبیرکل نهضت آزادی و عزت‌الله

خاتمی، خاتمی بود و من معین هستم!

پایان اصلاح‌طلبی و فرآیند تشکیل دولت نهم - ۲

سجایی، رئیس شورای فعالان ملی–مذهبی منتشر می‌شود و در آن ضمن اشاره به تأمین برخی شروط و خواسته‌های این جریان و «ترقی خواهانه» خواندن برنامه‌های آق‌ای معین، اعلام می‌دارد: «اکنون، نهضت آزادی ایران و فعالان ملی–مذهبی، پس از ملاقات با آقای دکتر معین و اطمینان از اینکه ایشان –صرف‌نظر از نتیجه انتخابات پیش‌رو– در پی‌گیری برنامه‌های خود، به ویژه تحقق جبهه دموکراسی‌خواهی و حقوق بشر مصمم است، حمایت خود را از نامزدی وی در نهمین انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام می‌کنند.»

البته تاج‌زاده از پشت پرده این معامله سخن گفت و با صراحت اعلام داشت: «ملی–مذهبی‌های ایران در کابینه دولت دکتر معین نقش خواهند داشت.» مصطفی معین نیز در جمع مردم شهر کرد موضوعی جالب توجه گرفت و ضمن انتقادی ظریف به خاتمی، اعلام کرد: «زمانه عوض شده است. خاتمی، خاتمی بود و من معین هستم. او یک فرد فرهنگی و من یک دانشگاهی هستم. او منفرد بود و من از طریق احزاب آمده‌ام. من جبهه دموکراسی و حقوق بشر را اعلام کرده‌ام و این یک چشم‌انداز تشکیلاتی برای آینده است. زمان فردسالاری، شخصیت‌های کاریز ماتیک و قهرمانی گذشته است. همه گروه‌های محذوف زیر چتر جبهه دموکراسی و حقوق بشر جمع خواهند شد.»

مواضع معین حتی اپوزیسیون را نیز امیدوار می‌کند؛ به گونه‌ای که «فرخ نگهدار» از ضدانقلابیون فعال در خارج از کشور در مقاله‌ای با عنوان «انتخابات ۲۷ خرداد و جبهه دموکراسی و حقوق بشر» وضعیت ضدانقلاب را در صورت انتخاب معین چنین توصیف می‌کند: «اگر معین رأی بیاورد، قطعاً برای نیروهای ناراضی و سرکوب شده حاشیه امنیتی و فضای تنفسی بیشتری فراهم می‌شود و فکر تشکیل یک جبهه وسیع برای پیشبرد اصلاحات ساختاری در نظام سیاسی به امکانات مساعدتری دست می‌یابد.»

حافظه

جنگ در اقیانوس آرام

نگاهی به حضور ژاپن در جنگ جهانی دوم

تا از هند شرقی هلند مقداری نفت به ژاپنی‌ها بفروشد، اما مذاکرات درباره دیگر منابع در ژوئن ۱۹۴۱ بدون موفقیت پایان گرفت. در ژوئیه ۱۹۴۱ ژاپن نیروهای خود را به سمت جنوب هند و چین گسیل داشت تا موقعیت نیروهای بریتانیایی و هلندی در شرق دور را تهدید کند. در پاسخ به این تهدید ایالات متحده، بریتانیا و دیگر دولت‌های اروپایی تمام سرمایه‌های ژاپن را توقیف کرده و تحریم همه‌جانبه نفتی را علیه ژاپن آغاز کردند.

ژاپنی‌ها برنامهریزی کرده بودند تا با تصرف سریع مستعمرات اروپایی در جنوب شرق آسیا یک خط دفاعی را ادامه می‌یافت، ایجاد



کنند؛ چراکه پس از آن ژاپنی‌های توانستند منابع مورد نیاز خود را از جنوب شرقی آسیا استخراج کرده و در عین حال به راحتی در برابر نیروهای متفقین که در سراسر اقیانوس آرام پراکنده شده بودند، دفاع کنند. مدتی بعد و برای جلوگیری از دخالت آمریکا در این طرح، ژاپنی‌ها برنامه داشتند تا ناوگان اقیانوس آرام ایالات متحده را نابود کرده و آنها را از فیلیپین بیرون برانند. در ۷ دسامبر ۱۹۴۱ جنگ اقیانوس آرام با تهاجم نیروهای ژاپنی به موقعیت نیروهای بریتانیایی و آمریکایی آغاز شد. این لشکرکشی شامل حمله به پرل هاربر، فیلیپین، مالایا و تایلند و نبرد هنگ کنگ بود.

جنگ جهانی دوم خیلی زودتر از آنچه تصور می‌شد، سرزمین‌های اروپایی را در نوردید و آتش آن به دوردست‌ها و به اقیانوس آرام و شرق آسیا کشیده شد. در این سو ژاپن سودای کشورگشایی داشت و نمی‌توانست تنها ناظر منازعه قدرت‌های بزرگ شود؛ از این رو به بهانه‌هایی وارد این معرکه جهانی شد.ا در سال ۱۹۳۹ ایالات متحده معاهدات تجاری خود با ژاپن را ملغی و از ژوئیه ۱۹۴۰ فروش سوخت هویما به ژاپن را ممنوع کرد که این محدودیت‌ها فشار شدیدی را بر اقتصاد ژاپن وارد می‌کرد. در همین زمان ژاپنی‌ها اولین حمله خود به شهر مهم چانگشای

چین را آغاز کردند که چینی‌ها آن را پس زدند. در سال ۱۹۴۰ با وجود نبردهای پراکنده میان دو طرف، جنگ میان ژاپن و چین به بن‌بست رسیده بود. به همین دلیل، برای قطع کردن خطوط ارتباطی چین با خارج به منظور تضعیف این کشور و داشتن موقعیت بهتر برای حمله به مستعمرات اروپاییان در شرق آسیا، ژاپنی‌ها شمال هند و چین را اشغال کردند. در نتیجه این رفتار، ایالات متحده به سرعت فروش آهن، فولاد و قطعات مکانیکی را به ژاپن تحریم کرد. موفقیت‌های آلمان در اروپا موجب تشویق ژاپن به فشار بیشتر بر قدرت‌های اروپایی نسبت به جنوب شرقی آسیا شد. دولت هلند موافقت کرد

سیاست نامه

اندیشه سیاسی فضل‌الله نوری-۲۹ مشروطه سکولار!

فتح‌الله پربشان

دبیر گروه اندیشه

ریشه‌بسیاری از جریان‌های سیاسی وفکری امروز جامعه از جمله جریان روشنفکری و اصلاح‌طلبی به انقلاب مشروطه برمی‌گردد. مشروطه ادبیات سیاسی ایران را متأثر از خود کرد؛ اما توانست به چهار هدف اصلی مردم ایران، یعنی «استقلال سیاسی»، «عدالت اجتماعی»، «توسعه اقتصادی» و «آزادی» برسد. کسانی که ساده‌لوحانه ریشه جنبش‌های بزرگ اجتماعی، همانند مشروطه را با حوادث کوچکی همانند تنک زدن یک تاجر قند در تهران رل‌که از جرقه‌های نهضت مشروطه بود-با علت شکل‌گیری آن اشتباه گرفته‌اند. انقلاب بزرگ مشروطه مردم ایران ریشه‌های بزرگی دارد؛ شکست ایران در جنگ با روسیه و اتفاقات بعد از آن همانند تحمیل قراردادهای تجاری و حرکت در مسیر استثمار ملت ایران به اسم آبادانی کشور و تحمیل الگوهای ارزشی غربی و شرقی تحت عنوان آزادی‌خواهی و...زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب مشروطه و تمایلات آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی در مقابل استعمار، عدالت‌خواهی در برابر استبداد و مطالبه حرکت صحیح برای توسعه اقتصادی است. اما اینکه مشروطه چرا در رسیدن به این اهداف موفق نبود، باید به زمینه‌های فکری و اجتماعی آن زمان و همچنین تحولات بیرونی توجه کرد. جنبش‌های اجتماعی دو چهره دارند، یکی فروپاشی نظم موجود و بعد از آن ساخت وضع مطلوب؛ انقلابیون مشروطه در گام اول و اینکه چه نمی‌خواهند خیلی اختلاف نداشتند؛ چون همه می‌دانستند این‌نوع حکومت را نمی‌خواهند، اما اختلاف آنجا به وجود می‌آید که بخواهند نظم مطلوب را ترسیم کنند. مشروطه هم به همین صورت بود، در گام اول هیچ مشکلی وجود نداشت، اما زمانی که مظفرالدین شاه دستور مشروطه را صادر کرد و موعد تدوین قانون مشروطه شد، اختلافات به وجود آمد. در این دوره همه نیروها از روحانیت و شیخ فضل‌الله نوری گرفته تا منورالفکرها و تقی زاده‌ها همه نظام سابق را نمی‌خواستند؛ اما وقتی وارد فرآیند تدوین قانون اساسی و قانون‌نگاری می‌شوند، دچار اختلاف می‌شوند. البته شواهد وفکت‌های تاریخی نشان می‌دهد، اولین اختلاف‌ها در بین جریان روحانیت شکل گرفت؛ چرا که منورالفکرها از ابتدا می‌دانستند چه می‌خواهند. اتفاقاً در این میانه معرکه‌است که نقش شیخ فضل‌الله اهمیت می‌یابد؛ چرا که وی سرآمد نیروهای مذهبی مابقی مشروطه است؛ چه از لحاظ سواد و دانایی و چه در فهم شرایط اجتماعی و تحلیل آن. توری در روزنامه شهید حاکسی از این واقعیت است که وی با ادبیات و اندیشه‌های غربی آشناست و از مکاتب سیاسی زمانه، یعنی سوسیالیسم و نهیلیسم و... صحبت می‌کند؛ اما مرحوم شیخ فضل‌الله نوری، چه بسا به سبب همین آگاهی و تشخیص به موقع اهداف و انگیزه‌های نحله روشنفکری جریان مشروطه «اولین قربانی انتقاد از مدرنیته است. مشروطه یک جریان مدرن است، مرحوم به این نظام انتقاد داشت، معتقد بود که در دل این نظام مدرن یک سکولاریزم و بی‌دینی وجود دارد که با طبع مردم ایران همخوانی ندارد. ایشان اولین کسی است که در انتقاد از مدرنیته به دار آویخته شد. در واقع منورالفکرها در این دوره حتی یک منتقد را تحمل نکردند» و شیخ را به جرم این انتقاد به دار کشیدند.

بازشناخت مهم‌ترین عامل بحران تطبیق جریان اصلاح‌طلبی با مسائل جامعه ایرانی

تله بنیان‌گذار!

دقیق‌تر باید گفت، جریانی که در دهه ۷۰ در سپهر سیاسی کشور تحت عنوان «اصلاح‌طلبی» سر برآورد، آرمان‌های خود را مستند به انقلاب مشروطه و جریان روشنفکری می‌کرد و مدعی بود جریانی ریشه‌دار در کشور است. این سخن اگرچه درست بود، اما برداشت آنها از مسائل کشور، همچون اسلافشان برداشت ناقصی بود؛ زیرا آرمان‌های نهضت مشروطه در «قوی شدن ایران» خلاصه می‌شد و به طور مشخص، بر چهار محور تحقق استقلال کشور در برابر بیگانگان، تحقق آزادی و دموکراسی در ایران، تأمین عدالت اجتماعی و تحقق توسعه اقتصادی متکی بود.

♦ ترجیح بلاوجه آزادی

نکته مهم در این میان آن است که جریان روشنفکری در انقلاب مشروطه، با برجسته‌سازی دال آزادی و دموکراسی و غفلت از مسائل دیگر، در ناکامی مشروطه نقش جدی داشت. با این حال، جریان اصلاح‌طلبی در تلاش برای تداوم راه مشروطه، باز بر درک ناقصی از مسائل کشور تأکید دارد؛ زیرا ادال آزادی در حالی در گفتمان این جریان برجسته شده و دال‌های دیگر را به حاشیه رانده است که مسئله اصلی کشور، فقط آزادی نیست؛ بلکه مقدم بر آن یا در کنار آن، عدالت و حتی معیشت هم قرار دارد. اینکه چرا جریان اصلاحات در دوران حاکمیت خود نتوانست

نمونه موفقسی از حکمرانی به جامعه عرضه کند و اینکه چرا امروز این جریان نمی‌تواند در سپهر سیاست کشور جایگاه ادعایی خود را حفظ کند، به این ضعف یا تله در بنیان‌گذاری این جریان برمی‌گردد. اتفاقاً آنچه امروز بر ضعف این جریان افزوده است، نمایان شدن بیشتر مسائل اقتصادی- معیشتی در سطح جامعه به منزله اصلی‌ترین و حادترین مسئله اجتماعی کشور است.

به عبارت دقیق‌تر، اصلاح‌طلبی در ایران امروز از بحران عدم‌تطبیق با مسائل جامعه و کشور رنج می‌برد و بنابراین، جریان برآمده از گفتمان اصلاح‌طلبی نمی‌تواند با مسائل مردم تطابق پیدا کند. نتیجه این وضعیت، فاصله گرفتن مردم از اصلاح‌طلبی است. درواقع، در این شرایط، اصلاح‌طلبی، راهبردها و شعارهای آن از سوی افکار عمومی به عنوان گزینه معتبری تلقی نمی‌شود؛ زیرا مردمی که گرفتار مشکلات اقتصادی هستند، نمی‌توانند برای نمونه، نسبت پیامک حجاب برای دختران و... را با مسائل واقعی و روزمره خود درک کنند.

♦ آیا اصلاح‌طلبی مرده است؟

از آنچه گفته شد، نمی‌توان نتیجه گرفت اصلاح‌طلبی برای همیشه در سیاست ایران جایگاه خود را از دست داده است و بنابراین، نمی‌توان آن را مرده تلقی کرد، بلکه منظور عمده در اینجا این است که این گفتمان و جریان برآمده



آفاق

چهره پنهان سیاست-۲

رابطه جوهره سیاست با قلب آن

به سختی از یکدیگر قابل تمیز هستند و برخی محققان غربی این دورا مکمل هم دانسته‌اند (بجورکمن، ۱۳۸۰: ۹۲) و برخی دیگر آن را جنبه یا ابزار قدرت دانسته (هالستی، ۱۳۷۳: ۲۳۵) و بعضی نفوذ را نتیجه یا عین قدرت معرفی کرده‌اند(۲۰۰۳: ۶۴۱ Webster).
با فرض این رابطه، نفوذشناسی و سیاست‌شناسی منوط به قدرت‌شناسی است. مطالعات قدرت‌شناسی نشان می‌دهد، این مقوله در سیر تاریخی خود به شدت متحول شده است؛ تحولی که ناظر بر نرم شدن آن است و به معنای پنهان‌تر شدن قدرت در صحنه مناسبات و سپهر سیاست است. با توجه به رابطه بین نفوذ و قدرت، نفوذ نیز به تبع تحول قدرت، هوشمند و متحول شده و انواع نفوذ مبتنی بر انواع قدرت را در دسترس قرار داده است.

انواع قدرت	طراح	ویژگی اصلی	توانایی	رابطه با نفوذ
قدرت اجباری (سخت)	رابرت دال	قدرت تحمیل‌کننده اراده	توانایی اجبارسازی برای کنترل رفتار انضمامی	نفوذ سخت
قدرت نیمه نرم	پیتر باچراج و مورتون باراتز	قدرت تعیین برنامه یا تنظیم دستور کار	توانایی تصمیم‌سازی در بین گزینه‌های از پیش تعیین شده	نفوذ نیمه نرم
قدرت رادیکال	استیون لوکس	قدرت خودآگاهی کاذب و دستکاری‌های ذهنی	توانایی شکل‌دهی ارجحیت‌ها، خواسته‌ها و انتظارات	نفوذ نرم
قدرت مولد	میشل فوکو	قدرت ابره‌ساز و سوزمساز	توانایی دگردیسی شخصیتی و ایجاد از خود بیگانگی	
قدرت نرم	جوزف نای الکساندار و وینگ	قدرت جذاب و متقاعدساز	توانایی جذب نشان دادن ارزش‌های خود و متقاعدسازی	
قدرت مجاز	کاستلز، جردن و نای	قدرت واقعیت‌ساز	توانایی ایجاد مجاز و کنترل ایده‌ها و تصاویر	
قدرت هوشمند	سوزان ناسل و جوزف نای	قدرت اعتبارساز و تمکین‌گر	توانایی ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم برای اعمال نفوذ و تحمیل اراده	نفوذ مرکب؛ سخت، نیمه نرم و نرم



مصطفی قربانی

کارشناس سیاسی

دو واقعیت مهم در ارتباط با انتخابات ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ عبارتند از: افت شدید آرای اصلاح‌طلبی و افت مشارکت مردمی در انتخابات در مقایسه با انتخابات سال ۱۳۹۶. در تحلیل و بررسی این موضوع، برخی افراد در جریان اصلاحات از جمله آقای سیدمحمد خاتمی تلاش کردند تا کاهش مشارکت مردمی در انتخابات ریاست‌جمهوری در خرداد ۱۴۰۰ را به شیوه احراز صلاحیت شورای نگهبان ربط دهند. این در حالی است که دلایل واقعی کاهش مشارکت و افت شدید آرای اصلاح‌طلبی را باید در خصایص گفتمانی و عملکرد جریان اصلاحات دید. در واقع، اصلاح‌طلبان به جای آنکه در بررسی و تحلیل این دو موضوع مهم، نیم‌نگاهی هم به گفتمان و عملکرد خود داشته باشند، همواره با فرار به جلو و مقصر تراشتی، تلاش می‌کنند نظام را مقصر وضع موجود جلوه دهند.

♦ چرا اصلاحات به این سمت رفت؟

درباره اینکه چرا اصلاح‌طلبی به این وضع مبتلا شده است؛ به گونه‌ای که میزان رأی کاندیدای آن در انتخابات، با وجود حمایت سران اصلاحات و ۱۶ تشکیل حزبی وابسته به این جریان، حتی از آرای باطله هم کمتر شده است، به طور عمده به ضعف کارنامه عملکرد دولت آقای روحانی اشاره می‌شود و اغلب از توجه عمیق‌تر به این موضوع که چرا امروزه اصلاح‌طلبی، شعارها و راهبردهای آن از سوی جامعه معتبر تلقی نمی‌شود، خودداری می‌شود. واقعیت آن است که بحرانی که امروز دامن‌گیر اصلاح‌طلبی شده است، فراتر از وضع موجود و عملکرد دولت مورد حمایت این جریان است.

درواقع، امروزه اصلاح‌طلبی از یک تله مهم به نام «تله بنیان‌گذار» رنج می‌برد؛ یعنی در بنیان‌گذاری گفتمان این جریان، خلل و فرجی وجود دارد که آن را نامعتبر کرده است. به طور

ریزش‌ها

فراز و فرود سیدمحمد موسوی خوئینی-۳

تفسیر مارکسیستی و تفنگی!

فکری سیدمحمد موسوی خوئینی می‌گوید: «موسوی‌خوئینی‌ها در مسجد جوستان برای خودش جریانی شده بود و سخنرانی‌هایی با این گرایش (مارکسیست) می‌کرد. اکبر گودرزی رهبر گروهک فرقان و کسی که به گروه ترور دستور ترور آیت‌الله علامه مطهری را داد، در همین جلسات دیده شده است.» حتی برخی از شاهدان ماجرا گفته‌اند: «موسوی‌خوئینی‌ها در یکی از منبرهایش در حالی که گودرزی و یکی از اعضای اصلی گروه فرقان به شدت مجذوب و محو سخنان او شده بودند، آیه «و یصدون عن سبیل‌الله» را بر استاد مطهری تطبیق می‌کرد و مدعی می‌شد که وی با رژیم همکاری می‌کند.» علاوه بر نیروهای اسلامی مبارز، شخصیت‌های ملی و مذهبی نیز به تأثیر تفاسیر موسوی‌خوئینی‌ها در شکل‌گیری گروهک فرقان صحنه می‌گذارند. هاشم صبیان، وزیر کشور دولت موقت و از اعضای ارشد نهضت آزادی درباره چگونگی رشد و فعالیت فرقانی‌ها می‌گوید: «خود من بعدها ماهیت آنها [فرقانی‌ها] را فهمیدم و متوجه شدم که از محصولات جلسات تفسیر آقای موسوی‌خوئینی‌ها هستند.» نوری در این باره می‌گوید من بعدها در دادگاه فرقان از یکی از اینها سؤال کردم که شما از کجا به اینجا رسیدید؟ گفت: «ما از اول تفسیر پرتوی از قرآن را خوانده‌ایم. بعد دیدیم یک کسی روشنفکر از او تفسیر می‌گوید و رفتم به مسجد جوستان در خیابان نیاوران! بعد دیدیم یکی انقلابی‌تر از همه اینها آمده و روشنفکر تر از همه اینهاست و او اکبر گودرزی است!»

کسم و بیش همه ناظران اقدامات گروهک فرقان از شخصیت‌های نزدیک به امام خمینی (ره) گرفته تا اعضای لیبرال نهضت آزادی و برخی مسئولان امنیتی وقت معتقد بودند سیدمحمد موسوی‌خوئینی‌ها، امام جماعت قبل انقلاب مسجد جوستان شمیران نقش مهمی در شکل‌گیری افکار افراطی اکبر گودرزی، رئیس گروهک فرقان و دیگر شاگردان و همراهانش داشته است. همچنین روحانیون نزدیک به شهید مطهری می‌گویند شهید مطهری تفسیرهای موسوی‌خوئینی‌ها را «مارکسیستی» و «تفنگی» می‌دانست و اختلافات فکری و روشی با وی داشت. مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی در همین زمینه می‌گوید: «بعضی‌ها در بیانات‌شان، حرف‌هایی می‌زدند که برای منافقین مطلوب بود، حتی آیات قرآن را طوری تفسیر می‌کردند که خلاف واقع بود. آقای مطهری از اینها خیلی ناراحت بود و می‌گفت این سبک تفسیر، تفسیر کمونیستی، ماتریالیستی و تفنگی است.» دکتر غلامعلی حدادعادل درباره گرایش‌های



نکته گرام

حسن رشوند، تحلیلگر سیاسی: از میان تحریم کنندگان داخلی این انتخابات از حزب «اتحاد ملت» گرفته تا «ملی-مذهبی‌ها»، آنکه بیش از همه با حضور مردم ضایع شد، احمدی‌نژاد و حلقه فرقه‌ای او بود. احمدی‌نژاد هیچ گاه تصور نمی‌کرد با وجود تأثیر حداقل ۱۵ درصدی کرونا، نزدیک به ۵۰ درصد مردم پای صندوق بروند.

محمد ایمانی، کارشناس سیاسی: نرخ مشارکت در انتخابات از سوی دولت، هر قدر که اعلام شد، به خاطر کرونا، دست کم ده درصد به آن رقم اضافه کنید. در انتخابات برخی کشورهای غربی، تأثیر کرونا در ایجاد هراس و کاهش مشارکت، تا بیست درصد ارزیابی شده است.

سیدحسن حسینی، فعال مجازی: جسدا از نتیجه، اینکه وزن و ضریب نفوذ اصلاح‌طلبان و ارشدشان، آقای خاتمی، و کارگزاران و مهره‌های کلیدی‌شان چون آقای کرباسچی و روشنفکر مآبانی، چون آقای سروش و آقای کدیور (همه‌شان روی هم) مشخص شد، دستاورد کمی (به دلیل توهم‌زدایی) نیست.

محمدبن روضان خولان، کاربر یمنی همراه با انتشار عکس حاج قاسم و حجت‌الاسلام رئیسی: از یمن تا ایران، به محور مقاومت تبریک می‌گویم.

ایلخان، کاربر فضای مجازی: با وجود تمام تبلیغات میلیون دلاری رسانه‌ها برای تحریم انتخابات و کارشکنی دولت‌روحانی، محبوبیت ابراهیم رئیسی ۳۱ درصد از آرای کل واجدین شرایط شد؛ یعنی حتی بیشتر از اوایامی ۲۷ درصدی در سال ۲۰۱۲. این رو بزید تو دهن هر آمریکاپرستی که به رئیسی بگوید رئیس‌جمهور حداقلی.

مهدی فضایی، تحلیلگر رسانه: قاعدتاً مهم‌ترین اشتغال ذهنی و عملی آقای رئیسی در این دو ماه، انتخاب کابینه است. پیشنهاد می‌کنم در کنار این امر خطیر، شورایی موقت مرکب از افرادی خوش فکر، جامع نگر و خلاق ایجاد کنند تا ۱- اقداماتی را برای دوره گذار و ۲- اقداماتی را هم برای سه ماهه اول دولت به ایشان پیشنهاد بدهند.

سیدعزت‌الله ضرغامی، رییس اسبق رسانه ملی: به رئیس‌جمهور منتخب، آیت‌الله رئیسی تبریک می‌گویم و برای او آرزوی موفقیت دارم. رأی او پیام امید و دل‌بستگی به آینده‌ای روشن است. او باید زیر میز ناپسامانی‌ها بزند و فرصت زندگی بهتر را برای مردم فراهم کند. او اگر بخواهد، می‌تواند.

علیرضا وهاب‌زاده، مشاور وزیر بهداشت: آمریکا پس از دسترسی ایران به واکسن کرونا بعد از ۱۶ ماه از شیوع کرونا برای مبادلات کرونایی معافیت تحریمی صادر کرد! آمریکا با تشدید تحریم‌های دارو و تجهیزات پزشکی بزرگ‌ترین جنایت رادر حق شهروندان و بیماران ایرانی انجام داد. کجا هستند اون‌هایی که می‌گفتند دارو و واکسن کرونا تحریم نیست؟

سیدمهرداد سیدمهدی، رئیس خبرگزاری صداوسیما: نیویورک‌تایمز از حضور مردم در انتخابات اخیر با وجود مشکلات شدید اقتصادی و گلايه‌مندی‌ها اظهار تعجب کرده و نوشته است، جمهوری اسلامی باید با این همه فشار اقتصادی و تحریم و بحران بارها دچار فروپاشی می‌شود، اما برخلاف همه چارچوب‌ها و اصول سیاسی و اجتماعی، جمهوری اسلامی قدرتمندتر شده است.



محمد صالح نادری

کارشناس فناوری اطلاعات

«کلاب‌هاوس» یکی از جدیدترین تلاش‌های توسعه‌دهندگان نرم‌افزاری برای ایجاد یک شبکه اجتماعی بود که با مفاهیم قدیمی، مانند صوت و گفت‌وگوهای چندنفره در تلاش بودند جایی برای خود در میان انبوه خدمات مجازی ایجاد کنند؛ اما به مرور این برنامه از تب و تاب اولیه افتاد و امروز آن جذابیت اولیه را ندارد.

چرا کلاب‌هاوس رشد کرد؟

به نظر می‌رسد، آنچه سبب شد کلاب‌هاوس در ایران رشد فزاینده‌ای داشته باشد، فضا و موقعیت معطوف به انتخابات ۱۴۰۰ بود؛ به گونه‌ای که برخی از کنشگران و حتی بازیگران سیاسی که به شرکت در انتخابات به‌عنوان کاندیدا تمایل داشتند، این بستر را نقطه مناسبی برای معرفی ایده‌ها و برنامه‌های خود یافتند. همین موضوع سبب شد، در فاصله کوتاهی تعدادی از سیاسیون خود را در معرض پرسش‌ها و دیدگاه‌های بخشی از مردم قرار دهند.



دیو میشنر

کارشناس فناوری

کلاب‌هاوس را می‌توان درخشان تصور کرد، اما در حال حاضر این برنامه کاملاً گنگ است! بیایید با اینکه چرا درخشان است، شروع کنیم. من با بسیاری از افراد دیگر که معتقدند بخش عمده‌ای از موفقیت ابتدایی کلاب‌هاوس ناشی از انحصار آن است، موافقم؛ اما از همه‌گیری کرونا هم نباید غافل شد. انحصار ابتدایی کلاب‌هاوس به دوروش انجام شد؛ یکی اینکه فقط مختص کاربران تلفن‌های هوشمند آیفون بود و دیگر اینکه فقط کاربران دعوت شده امکان نام‌نویسی در آن را داشتند! پیدا کردن دعوت‌نامه خیلی راحت بود و بعد از دعوت شدن و ایجاد حساب، پنج دعوت به من داده شد و سپس حتی بدون درخواست از من، دعوت‌نامه‌های بیشتری به من داده شدند. اگر اینقدر دعوت‌نامه داشتید، انحصارش را برمی‌داشتید! اما چرا کلاب‌هاوس جلوه خود را از دست خواهد داد؟

ایده منسوخ شده

کلاب‌هاوس مجموعه‌ای از رادیو، کنفرانس صوتی، مهمانی و پادکست است؛ چهار فناوری بسیار قدیمی. رادیو به‌قرن نوزدهم برمی‌گردد، اما سال‌های طولایی آن در اوایل قرن بیستم قبل از تصویب گسترده

از سوی دیگر، شیوع ویروس کرونا، دنیای متفاوتی را در همه عرصه‌ها به‌ویژه برای کسب‌وکارها رقم زد و سرعت دیجیتالیزه شدن کسب‌وکارها بیشتر شد.

فرمانروایی چند ماهه چه شد؟

کلاب‌هاوس عمری یک و نیم ساله در دنیا و حدود شش ماهه در ایران دارد. از اوایل سال جدید و نوروز بود که سر و صدای اتاق‌های گفت‌وگو و مطالب آن، سرزبان‌ها افتاد و هرشب یکی از شخصیت‌های مهم سیاسی، اقتصادی ... کشور و نامزدهای احتمالی مهمان شنوندگان و شرکت‌کنندگان در روم‌های اِسن برنامه بودند. یک شنب ظریف، وزیر امور خارجه و شی‌ی دیگر علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی کشور مورد سؤال و جواب در این برنامه قرار می‌گرفت. هرچقدر به ایام انتخابات و میتینگ‌های انتخاباتی نزدیک‌تر می‌شدیم، احساس می‌شد که این برنامه پدیده انتخابات ۱۴۰۰ خواهد بود و جایگزین توئیتر و دیگر برنامه‌های اجتماعی خواهد شد، که عملاً این اتفاق رخ نداد. کلاب‌هاوس آنچنان که تصور می‌شد نتوانست جای خود را در فضای مجازی کشور باز کند و خیلی زود از تب و تاب اولیه افتاد یکی از دلایل از رونق افتادن این برنامه، ایسده و هدف اولیه آن بوده است که از اصل برای فعالیت‌های سیاسی ساخته نشده بود. توئیتر با شعار

یک ایده بدوی!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

گزینه‌های موجود کامل‌تر

از من چند بار پرسیده شده که آیا نسخه سازمانی کلاب‌هاوس وجود دارد؟ بله، ساده‌ترین گزینه همان پرتال‌های سازمانی است که کنفرانس صوتی دارد و ۸۰ درصد ویژگی‌های آن هم خاموش است! اگر نسخه سازمانی این برنامه را می‌خواهید، ویکس سیکسو، گوگل میت یا هر برنامه جلسه سازمانی دیگر را امتحان کنید. جنبه مکالمه در زمان واقعی تنها نیمی از کلاب‌هاوس است. نیمه دیگر عنصر شبکه اجتماعی است. شما باید مطمئن باشید که مردم می‌توانند محتوای جالب را کشف کنند. به عنوان یک شبکه اجتماعی، کلاب‌هاوس بسیار ضعیف است. می‌توانید افراد را دنبال کنید، اما ابزار تعامل بسیار محدودی دارد. مفهوم دنبال کردن و دنبال‌شدن در این شبکه مجازی، واقعاً ابتدایی است!

تهدیدات امنیتی

پس از نصب، کلاب‌هاوس بلافاصله درخواست دسترسی به مخاطبان من را کرد. به طور معمول در این موارد همیشه تردید دارم و ورود کردم. طولی نکشید که فهمیدم برای دعوت کردن دوستم به کلاب‌هاوس، باید ابتدا شماره او را در مخاطبان خود ذخیره کنم و اجازه دسترسی به مخاطبان را حتماً به این برنامه بدهم؛ به عبارت دیگر، کلاب‌هاوس در حال ساخت یک نمودار اجتماعی است. این برنامه می‌داند،

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

و... شما اگر یک خط از روزنامه را متوجه نشدید، می‌توانید دوباره بخوانید!

یادداشت

صمیمانه و فرهنگی با رئیس جمهور منتخب

حامدحسین عسکری

خبرنگار فرهنگی

انتخابات ریاست‌جمهوری دوره سیزدهم به ایستگاه پایانی خود رسید و حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی با رأی مردم به مقام خطیر و سنگین ریاست‌جمهوری رسید. شرط پیمودن موفقیت‌آمیز این راه بهره‌گیری از یارانی امین، متخصص و متعهد است که بدون سودای منافع شخصی و بانندی، کمر همت را برای اجرای دقیق اسناد بالادستی انقلاب و نظام و گره‌گشایی از مشکلات مردم و حرکت دادن کشور به سوی پیشرفت‌و تعالی محکم ببندند.

در میان مسئولیت‌ها و مناصب کابینه نیز، مسئولیت‌های فرهنگی، مانند وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد اسلامی یا وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، کمتر از دیگر سمت‌ها به چشم جامعه می‌آیند و عمده توجه مردم به این است که مثلاً چه کسی معاون اول رئیس‌جمهور یا وزیر امور خارجه می‌شود یا اینکه چه کسانی عهده‌دار مدیریت سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی خواهند شد تا تکانی به ماشین خراب شده اقتصاد کشور بدهند. هر چند این دغدغه‌ها درست است و از فوریت‌های انکارناپذیر در زندگی امروز مردم حکایت دارد، اما آنچه در این نوشتار با رئیس‌جمهور محترم و منتخب و سکاندار دولت سیزدهم قابل طرح است، ناظر به وزارتخانه‌ها و جایگاه‌های فرهنگی در دولت است. تجربه سپردن مناصبی مانند وزارت ارشاد و مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور به چهره‌های سیاسی و امنیتی- مانند آنچه در وزارت ارشاد دولت یازدهم رقم خورد، یا آنچه در جایگاه مشاوره فرهنگی رئیس‌جمهور اتفاق افتاد و ماجرای فایل صوتی ظریف از دلش بیرون آمد-یک نکته درس‌آموز برای رئیس‌محترم دولت آینده دارد که بیش و پیش از هر مسئولیت و جایگاهی، مراقب حرمت و حساسیت مناصب فرهنگی در نظامی باشد که از دل یک انقلاب فرهنگی و دینی برآمده است و حرمت و منزلت این مناصب را به مثابه حرمت و منزلت باورها، فرهنگ و سبک زندگی مردم این سرزمین بداند و اجازه سیاسی‌کاری و سهم‌خواهی در این جایگاه‌هد- و صد البته در تمام جایگاه‌های دیگر- را به تملق‌گویان و نااهلان ندهد. مسئله «فرهنگ» با همه اجزا و بخش‌هایش و با همه اقتضانات و خصوصیاتش، مسئله محوری و دغدغه اصلی امامین انقلاب بوده و هست، تا جایی که رهبر حکیم انقلاب (نقل به مضمون) فرموده‌اند که دغدغه حوزه فرهنگ خواب را از چشمان ایشان ربوده است! بنابراین جایی برای اما و اگر باقی نمی‌ماند که رئیس‌جمهور محترم و خوش‌نام دوره سیزدهم نیز در همین تراز به مسئله فرهنگ و نیازهای فرهنگی جامعه در شرایط فعلی نگاه کند و با به کارگیری چهره‌هایی دلسوز، اهل اندیشه، خوش ذوق و کارآمد در مناصب رسمی و غیررسمی فرهنگی، از حرمت این مناصب صیانت کند. البته این توصیه به معنای آن نیست که با چنین انتصاباتی مسائل فرهنگی کشور یک شبه حل خواهد شد، اما حداقل اگر اینگونه شد، قطار حرکت فرهنگی کشور در قوه مجریه، بر روی ریل خودش قرار خواهد گرفت و زمینه تحقق اهداف فرهنگی انقلاب اسلامی بیشتر از قبل فراهم خواهد شد.

گنج شبکه اول!

نگاهی به ساخته درخشان و پر مخاطب جلیل سامان برای رسانه ملی

مرحله پخش رسید و بار دیگر توانست رضایت حداکثری مخاطبان خود را کسب کند.

تکرار یک موفقیت

در چند سال گذشته باب شده است که بیشتر سریال‌ها چند فصلی شده‌اند و گاهی همین باعث شده است تا هزینه‌های زیادی صرف داستان‌هایی شود که ظرفیت چند فصل شدن را ندارد. برخی نیز شاید این ظرفیت را داشته باشند، اما فصل دوم آنها آنچنان نسبت به فصل اول ضعیف‌تر بوده که بخش عمده‌ای از مخاطبان گذشته‌اش نیز ریزش کرده‌اند، اما این مسئله برای آخرین ساخته جلیل سامان صدق نمی‌کند.

«زیرخاکی ۲» در حالی به پایان رسید که بازهم سازندگان آن توانستند مخاطبان را راضی نگه دارند و چه بسا با حضور شخصیت‌های جدیدتر،



برداشت

ترجمه فرهنگ ایرانی برای جهان

نگاهی به نشر کتاب‌های ایرانی در جهان در پیشبرد دیپلماسی فرهنگی

«گرت» آغاز شد، مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کردند اگر ناشران خارجی اقدام به ترجمه و نشر کتاب‌های ایرانی دارای مجوز بکنند، بر هر کتاب کودک تا یک هزار یورو و برای هر کتاب بزرگسالان تا سه هزار یورو کمک به ناشران خارجی پرداخت می‌کنند. البته شرط پرداخت این مبلغ این بود که ناشر خارجی باید از طریق آژانس‌های ادبی یا نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب را شناسایی و با ناشر ایرانی آن، قرارداد کپی رایت امضا می‌کرد و پس از امضای قرارداد و ترجمه و انتشار کتاب، می‌توانست از این کمک دولتی بهره‌مند شود. آن‌گونه که مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گویند تاکنون بیش از ۴۰۰ عنوان کتاب ایرانی دارای

مجوز در کشورهای خارجی مثل ترکیه، آلمان و کشورهای عربی منطقه ترجمه و منتشر شده است. نکته قابل توجهی در این میان وجود دارد، این است که طرح حمایت از انتشار کتاب‌های بومی در کشورهای خارجی تنها مختص ایران نبوده و در حال حاضر بیش از ۸۰ کشور مطرح دنیا، چنین طرح‌هایی را برای انتقال فرهنگ بومی خودشان به کشورهای دیگر در دستور کار دارند. برای نمونه، کشور ترکیه، برای ترجمه و انتشار آثار ترکی در کشورهای دیگر، مبالغ خوبی را به ناشران خارجی پرداخت می‌کند و همین مسئله موجب شده است تا در سال‌های اخیر بسیاری از ناشران ایرانی، با انعقاد قرارداد با ناشران ترکی، اقدام به ترجمه و نشر

قسمت‌ها نیز بودن‌شان برای ادامه سریال ضرورتی نداشت و نبودشان به کلیت ماجرا صدمه‌ای وارد نمی‌کرد.

بدون تردید، یک نقطه قوت «زیرخاکی» انتخاب دو بازیگر اصلی آن، یعنی پژمان جمشیدی و ژاله صامتی است. دو بازیگری که رفت و برگشت‌هایی بسیاری قوی با همدیگر دارند. هر دو اقتدر برای مخاطب دلنشین بازی می‌کنند که به راحتی مخاطب این بده و بستان‌های عاشقانه و گاهی عصبانی را می‌پذیرد. هر چند در سری دوم زمان زیادی از تایم کل سریال به دیالوگ‌های پری و فریبرز اختصاص یافت و شاید تا این حدش، تا حدی دل مخاطب رازده است.

ترسیم هنرمندانه یک خطر

موضوع دیگری که در «زیرخاکی» بسیار مهم به نظر رسیده، این است که مهم‌ترین موضوعات و حرف‌های بسیار جدی حتی از نوع سیاسی‌اش، در قالب طنز و کمدی بیان می‌شود.

برای نمونه، یک مطلب که شاید تا پیش از این در سریال‌های مختلف تاریخ انقلاب کمتر به آن پرداخته شده یا آنچنان کم‌رنگ بوده که خیلی به چشم نیامده است، مسئله نفوذ دشمنان و منافقین در میان نیروهای انقلابی است که در «زیرخاکی» بخش مهمی از این حقیقت تلخ و خطرناک به تصویر کشیده شده است.

به هر حال، جلیل سامان در «زیرخاکی ۱ و ۲» چه به لحاظ فیلمنامه و چه کارگردانی بسیار خوش درخشید. او نشان داد که خیلی خوب می‌تواند از عهده فضاسازی‌های دهه ۵۰ و ۶۰ بر بیاید و مانند بسیاری از سریال‌هایی که این دو دهه را به تصویر می‌کشند، گاف‌های کمتری در چیدمان و وسایل صحنه و حال و هوای آن دهه‌ها داشته باشد. فصل دوم «زیرخاکی» خیلی خوب تمام شد و حتماً مخاطبان مشتاق ساخت فصل سوم آن هستند.

رمان‌های ترکیه‌ای کنند.

البته در روزهای اخیر خبر رسیده است، دفتر استانبول آژانس ادبی و ترجمه در بازار نشر ترکیه، موفق شده است تا قرارداد نشر کتاب «راز نگین سرخ» از حمید حسام و کتاب «نه آبی نه خاکی» از علی مؤذنی را که هر دو انتشارات سوره مهر ایران منتشر کرده بود، با انتشارات اونسوز ترکیه منعقد کند و ترجمه و نشر این دو کتاب به ترکی استانبولی در دستور کار قرار گرفته است. این قبیل اقدامات می‌تواند با گسترش بیشتر به ویژه در کشورهای عربی منطقه و حتی انتشار کتاب فارسی در کشورهای فارس زبان منطقه، به دیپلماسی فرهنگی کشور بیش از پیش کمک کند.

نسیم اسدپور

دبیر گروه فرهنگ



سال ۱۳۸۹ بود که سریالی با نام «ارمغان تاریکی» از شبکه سوم سیما پخش شد و خیلی خوب توانست مورد توجه مخاطبان سیما قرار بگیرد. جلیل سامان آن سریال را ساخته بود، کارگردانی که پس از آن با ساخت «پروانه» و فصل اول سریالی به نام «نفس» خیلی خوب ثابت کرد که موفقیت «ارمغان تاریکی» نیز اتفاقی نبوده و او در تصویر کشیدن داستان‌هایی از دهه‌های ۵۰ و ۶۰ در قالب سریال بسیار توانمند و باهوش است.

ماه رمضان چهار سال پیش بود که فصل اول «نفس» به روی آنتن رفت؛ داستانی که در نیمه تمام شد و انتظار می‌رفت تا فصل دوم آن را نیز همین کارگردان بسازد؛ اما برخلاف همه انتظارات اخباری از ساخت سریالی کمدی تاریخی با نام «زیرخاکی» به کارگردانی جلیل سامان توجه مخاطبان را به خود جلب کرد. جلیل سامان این بار آمد تا با یک کمدی بیننده را به دهه‌های ۵۰ و ۶۰ ببرد. در نهایت فصل اول این سریال، ماه رمضان سال گذشته به روی آنتن شبکه اول سیما رفت و اتفاقاً با استقبال بسیار زیادی نیز روبه‌رو شد؛ استقبالی که نه تنها میان سریال‌های رمضان سال گذشته، بلکه در مقایسه با بهترین سریال‌های کمدی دهه ۹۰، سر بزرگاه و در آخرین سال این دهه توانست رتیبی جدی برای سریال‌های پر مخاطب و پر سروصدای تلویزیون باشد.

همین استقبال و ناتمام ماندن داستان «فریبرز باغ بیشه» که نقش اصلی و محوری سریال زیرخاکی است، باعث شد برخلاف «نفس»، این بار جلیل سامان خیلی زود فصل دوم سریال طنز خود را کلید بزند و هر چند نتوانست آن را به آنتن رمضان ۱۴۰۰ برساند، اما پس از آن در یک ماه اخیر این سریال به

شاهرخ صالحی

روزنامه‌نگار



حمایت از ترجمه و انتشار کتاب‌های ایرانی دارای مجوز در کشورهای دیگر به ویژه کشورهای منطقه در حالی در یک دهه گذشته در دستور کار مسئولان قرار داشته است، که حالا خبر می‌رسد این روند با همکاری آژانس‌های ادبی، روند رو به رشدی گرفته و انتشار دو رمان ایرانی در ترکیه، با استقبال خوبی مواجه شده است.

بر اساس طرحی که از چند سال قبل با اسم

جشنواره

مدرسه

جشنواره فیلم کوتاه دانش‌آموزی

هفتمین دوره جشنواره فیلم کوتاه دانش‌آموزی با عنوان مدرسه برگزار می‌شود. در این جشنواره آثار دانش‌آموزان در دو بخش اصلی و جانبی با یکدیگر رقابت خواهند کرد: بخش‌های اصلی: داستانی، انیمیشن، مستند، علمی و آموزشی، نمادنگ، ویدیویلاگ و تیزر تبلیغاتی (با تأکید بر برند ایرانی) و بخش‌های جانبی:

فیلمنامه‌نویسی و اقلام تبلیغاتی فیلم (شامل پوستر، عکس و تیزر) دانش‌آموزان سراسر کشور در تمامی مقاطع تحصیلی می‌توانند تا ۳۱ تیر ماه ۱۴۰۰ با مراجعه به پایگاه جشنواره به آدرس www.madresefestival.ir آثار خود را ارسال کنند.



کتاب

شصت

روایت مادرانه دفاع مقدس

کتاب «شصت» نوشته مرضیه اعتمادی روانه بازار نشر شد. در بخش‌هایی از این کتاب می‌خوانیم: «با لباس فرم مادرهای تبعیدشده به آن‌آی‌سی‌یو رویه‌روی دکتر ایستاده بودم؛ یک روپوش صورتی بلند با سرآستین‌های گشاد که برای ورود به بخش باید می‌پوشیدیم، به‌علاوه کاورهای پلاستیکی

یک‌بارمصرف آبی نفتی روی کفش‌ها. به حرف‌های دکتر گوش می‌دادم؛ اما از میکروبی که بتواند مغز نوزادی یک‌کیلو و چهارصد گرمی بشود و خطری که دکتر می‌گفت، هیچ تصویری نداشتم.» کتاب «شصت» در ۱۱۰ صفحه در بازار کتاب عرضه شده است.»



آموزش

کارگاه آموزشی

دوره‌های تابستانی مجتمع شهید آوینی

نام‌نویسی دوره‌های آموزشی ترم تابستان ۱۴۰۰ مجتمع شهید آوینی مرکز بسیج صداوسیما در دو بخش نوجوان و جوان و به صورت حضوری و مجازی آغاز شد و تا ۸ تیرماه ادامه دارد. علاقه‌مندان پس از نام‌نویسی باید در مصاحبه ورودی دوره شرکت کنند. همچنین گواهی معتبر شرکت در دوره پس از

حضور منظم و موفقیت در آزمون پایان دوره و با تأیید استادان به شرکت‌کنندگان اعطا می‌شود. علاقه‌مندان برای نام‌نویسی و اطلاع از جزئیات دوره‌ها تا ۸ تیر ماه به پایگاه مجتمع شهید آوینی به آدرس avini.itrb.ir مراجعه و نام‌نویسی کنند.



یادداشت

زنان بی‌نظیر

زینب گل‌محمدی

پژوهشگر دفاع مقدس

شانزده سال پیش بود که به دنبال تهدیدات رژیم اشغالگر قدس مبنی بر تخریب مسجدالاقصی و برانگیخته شدن خشم مسلمانان جهان، همایش بین‌المللی پاسداشت زنان شهادت‌طلب فلسطینی با عنوان «دختران زیتون» به کوشش ستاد پاسداشت شهیدای نهضت جهانی اسلام، بنیاد شهید و جمعیت دفاع از ملت فلسطین برگزار شد. در آن مراسم ضمن تجلیل از مقام خانم مرضیه حدیدچی(دیاغ) به عنوان زن شهادت‌طلب ایرانی، سخنرانان عملیات شهادت‌طلبانه در جهان اسلام را تبیین کردند و تصاویری مستند از زنان شهادت‌طلب فلسطینی پخش شد. همان روزها بود که برای اولین بار تابلوی دیواری زنان شهادت‌طلب بر روی دیواری بلند در خیابان شهید مطهری تهران نصب شد که از نظر ابعاد و موضوع، تا آن روز بی‌نظیر بود.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این مراسم، نام‌نویسی از داوطلبان عملیات استشهادی بود که بسیار مورد توجه قرار گرفت. تعداد زیادی از جوانان و حتی زنان و مردان میانسال، برای شرکت در عملیات شهادت‌طلبانه‌نام‌نویسی کردند.

شاید آن روزها خیلی‌ها نمی‌دانستند «شهید محمدحسین فهمیده» به عنوان شاخص‌ترین الگوی شهادت‌طلبی در جهان مطرح است و رزمندگان لبنانی و سپس فلسطینی، او را به عنوان الگو و نمونه عملی اجرای این عملیات می‌دانند. بعدها، این فرهنگ چنان در این گستره جغرافیایی فراگیر شد که حتی دختران و زنان نیز به جمع داوطلبان عملیات‌های شهادت‌طلبانه پیوستند و اتفاقاً در اجرای عملیات‌های‌شان به شدت موفق و پیروز بودند. این در حالی است که تعداد دیگری از ایسن باتوان، قبل از اینکه موفق به اجرای عملیات شوند، از سوی نیروهای اشغالگر، شناسایی و دستگیر شدند.

برای نمونه، در سال ۲۰۰۱ «احلام التیمی» دختر ۲۰ ساله، به اتهام همکاری در عملیات شهادت‌طلبانه در رستوران صهیونیستی «سباره» در قدس که منجر به هلاکت ۱۵ صهیونیست شده بود، بازداشت شد. «لیلی بخاری» ۲۶ ساله ساکن شهر نابلس هم در سال ۲۰۰۲ به اتهام همکاری در عملیات شهادت‌طلبانه شهید «دارین ابو‌عیشه» بازداشت و زندانی شد. «تهانی الطیطی» ۲۴ ساله ساکن اردوگاه «العروب» هم در سال ۲۰۰۱ به اتهام اقدام برای عملیات شهادت‌طلبانه، به دست نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی بازداشت و زندانی شد. همچنین «ایمان عیشه» زن ۲۸ ساله متأهل و دارای کودک خردسال، در سال ۲۰۰۱ به اتهام حمل بمب به ایستگاه مرکزی اتوبوس در «تل ابیو» بازداشت شد. شوهر او هم به بهانه بازجویی بازداشت شد که تاکنون در زندان اشغالگران قدس به سر می‌برد.

در موردی دیگر و در سال ۲۰۰۱ «آئنه منی» دختر ۲۶ ساله، دانشجو و روزنامه‌نگار که در منطقه «بیر نبلا» سکونت داشت، به اتهام همکاری برای کشتن یک صهیونیست، به دست نیروهای امنیتی این رژیم بازداشت و زندانی شد. یا بازداشت «عطاف علیان» یکی از زنان مبارز و برجسته فلسطینی نیز به اتهام بر برنامه‌ریزی برای عملیات ضد صهیونیستی در سال ۲۰۰۲ اتفاق افتاد.

اینها فقط نمونه‌هایی از صدها داوطلب عملیات‌های شهادت‌طلبانه‌است که در لبنان یا سرزمین‌های اشغالی صورت گرفته است.

در شماره بعد درباره تعدادی از عملیات‌های موفق شهادت‌طلبانه که باتوان انجام داده‌اند، برای شما خواهیم نوشت.

گفت‌وگوی صبح صادق با حمید داودآبادی در باب «شهادت‌طلبی»- بخش اول

جاسوس صهیونیستی می‌خواست سلاح‌ها را بدزدد!

اگرچه عبارت «شهادت‌طلبی» و عملیات شهادت‌طلبانه بارها و بارها از رسانه‌ها و سخنرانی‌ها به گوش رسیده، اما اطلاعات ما از این سلاح قوی و مؤثر، بسیار اندک است. انتشار کتاب دو جلدی «شهادت‌طلبان» به همت انتشارات شهید کاظمی و به قلم «حمید داودآبادی» ما را بر آن داشت تا با این بهانه، نگاه دوباره‌ای به این موضوع مهم در جهان ببندازیم. حمید داودآبادی در این گفت‌وگو، ما را ترغیب کرده تا با شناخت سلاح «شهادت‌طلبی» آن را با نمونه‌های مشابه که در دست استخبار جهانی است، اشتباه نگیریم...

چه ربطی داشت که وسط ماجرای انتخابات و یک مسئله داخلی، این شعار بیفتد در دهان‌ها؟ مگر غیر از این بود که ادعای تقلب در انتخابات داشتند؟ پس این شعار چه ربطی به مطالبات داخلی‌شان داشت؟! این شعار را انداختند و البته در ذهن‌ها هم ماند. آن موقع هم همین بود و به شدت دنبال این بودند که عملیات انتحاری را به عملیات شهادت‌طلبی متصل کنند. اتفاقاً جالب است که چند کتاب هم بعد از آن منتشر شد و همه‌شان بر این تأکید داشتند که عملیات‌های القاعده و داعش در ادامه همان عملیات‌هاست، چون ظاهرش یک شکل است! من البته در کتاب «شهادت‌طلبان» کاملاً توضیح داده‌ام که چه مشخصه‌هایی این دو نوع عملیات را از هم جدا می‌کند و چگونه می‌شود به راحتی آنها را از هم تشخیص داد و تفکیک کرد. خانم خبرنگار آن روزنامه حتی در لفظ هم مدام از کلمه انتحاری برای عملیات‌های شهادت‌طلبانه استفاده می‌کرد، اما من حواسم بود که این تفکیک را ایجاد کنم.

مهم‌ترین نکته تمایز این دو نوع عملیات چه چیزی است؟

در عملیات شهادت‌طلبانه حتی یک غیرنظامی کشته نمی‌شود، اما در عملیات انتحاری هیچ حساسیتی به این موضوع نیست و اتفاقاً بیشتر آسیب به غیرنظامی‌ها وارد می‌شود. اصلاً عملیات انتحاری با هدف غیرنظامی‌ها انجام می‌شود تا با ایجاد رعب و وحشت، فشار بر دولت‌ها را زیاد کند. در حالی که همه عملیات‌های شهادت‌طلبانه با هدف ضربه به نیروهای نظامی و با هدف بازدارندگی دشمن انجام شده است. وقتی که نیروهای اشغالگر می‌خواستند وارد جنوب لبنان بشوند، روی نفربرهای‌شان نوشته بودند که «اگر بمیرم به بهشت می‌روم اما اگر به لبنان بروم، به جهنم خواهم رفت»... این شعار سربازان صهیونیستی بود. در این کتاب هم مستندش را آورده‌ام که در یک مقطع، وقتی سربازان صهیونیستی می‌خواستند به جنوب لبنان اعزام بشوند، لباس مشکی تن‌شان می‌کردند! عزا می‌گرفتند. ارتش اسرائیل این کار را ممنوع کرد و گفت که این اقدام، اهانت و خیانت است. معلوم بود که عملیات شهادت‌طلبانه توانسته بود این کار را بکند. می‌ترسیدند و می‌گفتند هر آدمی که در لبنان می‌بینیم، به مثابه یک بمب است! همین باعث شد که ارتش چهارم دنیا، یعنی رژیم اشغالگر قدس، که بزرگ‌ترین قدرت هوایی خاورمیانه را داشت، سال ۱۳۷۹ از لبنان به صورت تخته‌گاز فرار کند.

جالب است که چند ماه قبل از فرار اشغالگران صهیونیست در شب ژانویه سال ۲۰۰۰ میلادی، شهید عمار حمود در عمق مناطق اشغالی عملیات شهادت‌طلبانه انجام داد و ارتش رژیم صهیونیستی را ترکاند. همان شد که یهود باراک گفت: ما به جای اینکه اسرائیل بزرگ باشیم، بهتر است که اسرائیل قوی باشیم... اسرائیل برای اولین بار از شعار «نیل تا فرات» عقب‌نشینی کرد و از لبنان رفت. می‌گفتند اگر ما در خانه خودمان قوی باشیم، بهتر از این است که گسترده باشیم و مدام ضربه بخوریم.

وقتی که اخبار اعلام کرد قرار است طی یک ماه آینده ارتش صهیونیستی از جنوب لبنان عقب‌نشینی کند، همان شب، صهیونیست‌ها نفربرها و تانک‌های‌شان را سر و ته کردند و الفرار. فرارشان ناگهانی بود به طوری که مزدوران اتوان لحد که جیره‌خورشان در جنوب لبنان بودند را هم رها کردند و آنها به دست مردم دستگیر شدند. من همان روزها به لبنان رفتم و نشانه‌های فرارشان معلوم بود. این پیروزی فقط و فقط حاصل سلاح قوی شهادت‌طلبی بود.

اسحاق رابین هم گفته بود ما به لبنان رفتم که مقاومت فلسطینی را سرکوب کنیم، اما خودمان با دستان خودمان مقاومت شیعی را علیه خودمان ایجاد کردیم. ما رفته‌ایم اینها را مرگ بترسانیم، در حالی که خودشان را وسط ما منفجر می‌کنند! همین‌ها باعث شد از جنوب لبنان فرار کنند.



همین می‌شود گفت که کامل‌ترین کتابخانه جنگ را او در فرانسه ساخته است.

برای این کار، ساختار داشت یا خودش به تنهایی انجام می‌داد؟

خودش به تنهایی این کار را می‌کرد. فقط هم تمرکزش بر روی کتاب‌های خاطرات و روایت‌ها بود و به داستان و شعر، کاری نداشت. بعدها همه این کتاب‌ها را به فرانسوی و انگلیسی ترجمه کرد و همه کارشناسان اروپایی و آمریکایی اول می‌رفتند آنجا تحقیقات کتابخانه‌ای‌شان را انجام می‌دادند و بعدش به ایران می‌آمدند و سراغ آن نویسندگان می‌رفتند تا تحقیقات میدانی‌شان را انجام بدهند.

در چند سال اخیر بعضی از تقریظ‌های رهبر معظم انقلاب، به تازگی رونمایی می‌شود. بحث بررسی شهادت‌طلبی هم از همین اقدامات اریک بوتل شروع شد. روزی که ۱۱ سپتامبر انجام شد، من مجله فکه را منتشر می‌کردم. در سرمقاله‌اش نوشتم که «خلع سلاح‌مان کردند!» و سلاح شهادت‌طلبی را از ما دزدیدند! در همان سال‌ها بود که یک عامل انتحاری به کربلا آمد و با شعار الله اکبر، خودش را بین زائران حسینی منفجر کرد... اکثر این بررسی‌ها را در همین کتاب آورده‌ام.

اصالت عملیات شهادت‌طلبانه، فلسطینی است یا لبنانی؟

فلسطینی‌ها عملیات شهادت‌طلبانه نداشتند. اصل این عملیات برای لبنانی‌هاست. البته ممکن بود که مثلاً در المپیک مونپخ، یک فلسطینی خودش را منفجر کند، اما در حالی بود که در محاصره قرار داشت و با یک نارنجک، در حقیقت، خودش را می‌کشت و نمی‌شود آن را شهادت‌طلبانه دانست. عملیات شهادت‌طلبانه یعنی عملیاتی که یک سال برایش شناسایی کنی و خودت را وسط پایگاه دشمن و با اختیار تمام، به شهادت برسانی و الا اگر غیر از این باشد، می‌شود خودکشی! این حرف را مرحوم «انیس نقاش» چریک و مبارز لبنانی می‌زد و می‌گفت: اصلاً عملیات شهادت‌طلبانه را لبنانی‌ها به فلسطینی‌ها یاد دادند... بعد از آن بود که در فلسطین شاهد بودیم «جهاد اسلامی» عملیات شهادت‌طلبانه را راه انداخت و معلوم بود که از لبنانی‌ها یاد گرفته بودند. آن روزنامه اصلاح طلب دنبال این بود که اثبات کند عملیات‌های القاعده دنباله عملیات‌های شهادت‌طلبانه لبنانی‌ها و فلسطینی‌هاست.

دنبال کردن این خط، چه نفعی برای‌شان داشت؟

به نظرم ایسن حاصل یک عقیه فکری بود. قضیه انتحاری داغ بود و مهم بود این را جا بیندازند که این کارها در ادامه همان عملیات‌هاست. قضیه شعار «نه غزه، نه لبنان» هم در همین راستا بود. اصلاً

دیدار شما در کجا بود؟

در فضای نمایشگاه کتاب تهران همدیگر را دیدیم. با هم بحث کردیم و آن روز گذشت... بعدها یک روز در دفتر ادبیات مقاومت حوزه هنری بودم که روی میز یکی از مسئولان آنجا، کارت ویزیت اریک بوتل را دیدم. بی‌حوا یکی از دوستانم وارد شد و تا این کارت ویزیت را دید، خندید و گفت: کارت ویزیت این مرتیکه جاسوس اینچا چه کار می‌کند؟! گفتم: مگر تو اریک را می‌شناسی؟... گفت: برای فلان شرکت اسرائیلی کار می‌کنی... آدم محقق و پژوهشگری بود و «اریک بوتل» را می‌شناخت. حتی یادم هست در تهران سمیناری هم برگزار کردند با عنوان «خاطره‌نویسی در جنگ ایران و عراق و جنگ فرانسه» که چند نفر از پروفیسورهای فرانسوی را به ایران آورد و مقابل ما نشاند. آنها در مقابل کتاب‌ها و روایت‌های ما از جنگ، زانو زده بودند.

این نشست را هم اریک بوتل برنامه‌ریزی کرد؟

بله... سال ۱۳۸۰، رهبر معظم انقلاب روی ۲۰ کتاب تقریظ نوشتند؛ اما هیچ یک از این نوشته‌ها رسانه‌ای نشد و کاملاً محرمانه بود....

داشتند که حق انتشار نداریم. این تقریظ‌ها برای سال ۱۳۸۰ بود و سال ۱۳۸۷ فرانسوی‌ها روی همان بیست کتاب، سمینار برگزار کردند. چندین پروفیسور و مقام علمی و پژوهشی و حتی رئیس موزه جنگ فرانسه و رئیس انجمن دوستی ایران و فرانسه هم به دعوت اریک بوتل در آن سمینار حضور داشتند. رویه‌روی اینها هم آقایان مرتضی سرهنگی، هدایت‌الله بهبودی، احد گودرزبانی، سعید تاجیک، محسن مطلق، داود امیریان، رحیم مخدومی و من نشست بودیم. بعضی از ما، حتی دیپلم هم نداشتیم! آنها جلوی ادبیات ما زانو زده بودند. دو روز از هفت صبح تا هشت شب جلسه داشتیم.

عاقبت اریک چه شد؟

اریک بوتل بعد از تیرماه ۱۳۷۸ گفت: من گنجی از ایران بردم اما شما در جریان شلوغی کوی دانشگاه، حمایت‌کننده مالی نداشتی باشد؟... هر چه گفتم قبول نکرد... این دیدار ما سال ۱۳۷۵، یعنی ۲۵ سال پیش بود.

گفتم: زمان جنگ سرد، شوروی میگ ۲۵ را می‌ساخت و آمریکا همه نیروهایش را بسیج می‌کرد که بروند و اطلاعاتی درباره آن به دست بیاورند؛ ابتدا می‌خواست ضدش را بسازد و بعدش به دنبال این بود که بتواند آن را خراب و منهدم کند. امروز سلاحی آمده به نام «شهادت‌طلبی» که شما آن را ندارید. هم می‌خواهید آن را خراب کنید و هم ضدش را بسازید.

اریک بوتل هم این حرف را نفی کرد و اصلاً نزدیک بود دعوی‌مان بشود!

میثم رشیدی مهرآبادی

دبیر گروه دفاع مقدس



قبل از این، کتاب مدونی درباره عملیات‌های شهادت‌طلبانه به زبان فارسی نداشتیم؟

خیر، من سال ۱۳۸۵ کتابی به نام «پاره‌های پولاد» نوشتم که ۴۰۰ صفحه بود. آن کتاب، نسخه اولیه کتابی بود که امروز منتشر شده است. بعد از آن، با سفرهایی که به لبنان رفتم، آن کتاب را کامل کردم.

از آن سال به بعد، عملیاتی هم انجام شد که به کتاب اضافه شود؟

خیر؛ البته عملیات انتحاری القاعده در ۱۱ سپتامبر انجام شد که در حقیقت می‌خواستند بدل عملیات شهادت‌طلبانه را بزنند. بعد از آن عملیات بود که یک روزنامه اصلاح طلب اصرار داشت گفت‌وگویی با من درباره عملیات‌های انتحاری داشته باشد. شرط من این بود که یک کلمه از حرف‌هایم حذف نشود. قبول کردند و آن گفت‌وگو در دو صفحه کامل روزنامه منتشر شد.

هدف‌شان چه بود؟

خانم خبرنگار عقبه ذهنی داشت و می‌خواست الفاکند عملیات‌های انتحاری آن زمان، در راستای عملیات‌های لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها در سرزمین‌های اشغالی است!

این خطی است که شاهدیم در برخی رسانه‌ها یا فضای مجازی هم در مقاطع مختلف پرداخته شده است، چه پاسخی در رد این ادعا وجود دارد؟

حوالی سال ۱۳۷۶ با «اریک بوتل» آشنا شدم. وی حدود شش سال در ایران و در زمینه شهادت، کار تحقیقاتی انجام داده بود. تمام مقاتل را خوانده بود. روزنامه کیهان هم یک صفحه با او مصاحبه کرد. یک ایرانی را هم به عنوان مترجم همراه خودش می‌برد.

وقتی نام امام حسین(ع) برده می‌شد، تظاهر به گریه می‌کرد. تحقیقاتش درباره شهادت را تا جنگ تحمیلی و بعد از آن عملیات‌های شهادت‌طلبانه ادامه داده بود. تمام کتاب‌های من و سعید تاجیک و محسن مطلق و... را از حفظ بود!

یعنی نسخه فارسی کتاب‌های جنگ را برایش ترجمه کرده بودند؟

اتفاقاً نکته مهم همین جاست. در یکی از دیدارها که نشسته بودیم و با هم صحبت می‌کردیم، مترجمش را هم آورده بود. جوانی بود بیست ساله که فرانسوی بود، اما اصالت ایرانی داشت. به سختی هم فارسی حرف می‌زد. وسط صحبت‌ها متوجه شدم اریک بوتل سرش را برای تأیید تکان می‌دهد.

من هم بی‌حوا پرسیدم: «مگر نه آقای بوتل؟» او هم ناگهان حواسش پرت شد و گفت: بله...؛ آنجا بود که فهمیدم فارسی‌اش عالی است، اما یک جوان را به عنوان مترجم پوششی با خودش همراه می‌کند!

گفتم: تو چرا شش سال است دنبال بحث شهادت هستی؟ گفت: همینجوری... گفتم: مگر می‌شود؟! ایسن یک کار تحقیقاتی است، یا باید برای یک پژوهشگاه باشد، یا برای یک دانشگاه. مگر می‌شود حمایت‌کننده مالی نداشتی باشد؟... هر چه گفتم قبول نکرد... این دیدار ما سال ۱۳۷۵، یعنی ۲۵ سال پیش بود. گفتم: زمان جنگ سرد، شوروی میگ ۲۵ را می‌ساخت و آمریکا همه نیروهایش را بسیج می‌کرد که بروند و اطلاعاتی درباره آن به دست بیاورند؛ ابتدا می‌خواست ضدش را بسازد و بعدش به دنبال این بود که بتواند آن را خراب و منهدم کند. امروز سلاحی آمده به نام «شهادت‌طلبی» که شما آن را ندارید. هم می‌خواهید آن را خراب کنید و هم ضدش را بسازید.

اریک بوتل هم این حرف را نفی کرد و اصلاً نزدیک بود دعوی‌مان بشود!

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در آیین اعطای نشان شفا تأکید کرد

نیروهای مسلح در اجرای فرمان

لحظه‌ای غفلت نکردند

آیین اعطای نشان «شفا» و تجلیل از کارکنان فعال نیروهای مسلح در حوزه پیشگیری از ویروس کرونا با حضور سردار سرلشکر پاسدار «محمد باقری» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرماندهان عالی‌رتبه نظامی ستاد کل نیروهای مسلح و سایر سازمان‌های نیروهای مسلح در این ستاد برگزار شد.

♦ رئیس ستاد به نیابت از فرمانده کل قوا

سردار سرلشکر پاسدار «محمد باقری» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در این آیین اظهار داشت: «به امر فرمانده معظم کل قوا، این مراسم برای قدردانی از مجاهدت و ایثارگری شهدای مدافع سلامت، فرماندهان و مدیرانی که در مسیر مقابله با ویروس کرونا تلاش کردند، برنامه‌ریزی و برگزار شده است و بنده نیز به نیابت از فرمانده معظم کل قوا در این مراسم جهت اعطای نشان و قدردانی حضور دارم.» وی به موضوع کرونا اشاره کرد و گفت: «هنگامی که بیماری کووید۱۹ در کشور ما پدیدار شد، می‌توانست مانند بسیاری از کشورهای پیشرفته موجب غافلگیری و عقب‌ماندگی بخش‌های بهداشت و درمان و زمینه‌ساز مشکلات دیگر بخش‌های مختلف کشور و سرگردانی مردم شود؛ اما بحمدالله ملت ایران که در دفاع مقدس و سایر صحنه‌های سخت، آبدیده هستند، توانستند به خوبی با مسئولیت‌پذیری و تعامل با بخش بهداشت و درمان کشور بر این مشکل فائق بیایند و در این عرصه با سربلندی به تلاش خود ادامه دهند.» وی با اشاره به تحریم‌های ظالمانه دشمنان، اظهار داشت: «با وجود تهاشی تحریم‌های جنایتکارانه که حتی حوزه بهداشت و درمان را نیز در بر می‌گرفت، در کشور ما حتی یک روز هم پیش نیامد که یک بیمار با سردرگمی یا کمبود امکانات و تخت بیمارستانی مواجه شود.»

♦ در تراز جهانی قرار داریم

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح افزود: «با الطاف الهی، تمامی مشکلاتی که در این عرصه به وجود آمده است، مدیریت و امروز کشور در تراز جهانی حایز عزت، افتخار و سربلندی شده است.» سرلشکر باقری ادامه داد: «نیروهای مسلح در



اجرای امر فرماندهی معظم کل قوا همانند همه صحنه‌هایی که کشور با بحران و مشکلی مواجه می‌شد، با قدرت به میدان آمده و در حوزه‌های مختلف، با شیوع بیماری کرونا مقابله کردند؛ البته نیروهای مسلح در عین حال مسئولیت اصلی دفاع و امنیت کشور را نیز عهده‌دار بودند و در آن عرصه هم لحظه‌ای غفلت نکردند.» وی با بیان اینکه نیروهای مسلح در بخش‌های مختلف وارد عرصه کمک به حوزه بهداشت و درمان شدند، افزود: «نیروهای مسلح از طریق توسعه تخت‌های بیمارستانی، ایجاد بیمارستان‌های سیار و صحرایی توانستند در آن روزهای نخست شیوع این بیماری ناشناخته به بخش بهداشت و درمان کشور که تحت فشار مضاعفی قرار گرفته بود، به سرعت کمک کنند و زمینه مراقبت، درمان و کنترل بیماری را در سطح کشور فراهم آورند.»

♦ در مسیر واکسیناسیون عمومی

سرلشکر باقری تصریح کرد: «نیروهای مسلح در حوزه تحقیق و پژوهش در بخش کیت‌های آزمایشگاهی، ساخت داروهای گوناگون، ساخت واکسن و سایر حوزه‌های پیشگیری و درمانی درخشان فراوانی داشتند؛ واکسن «میلا» و وزارت دفاع امروز در زمره واکسن‌های موفق کشور قلمداد

رزمایش‌ها، مأموریت‌ها و مسئولیت‌های نیروهای مسلح بدون حتی یک روز وقفه در حال انجام بوده است.»

سرلشکر باقری گفت: «نیروی انتظامی در برقراری امنیت، مقابله با برخی نابسامانی‌ها در قاچاق کالا، کنترل ترافیک جاده‌ای و ایجاد نظم و انضباط شهری، شبانه‌روز در حال فعالیت است و نیروهای مسلح در سایر زمینه‌هایی که در آن ورود کردند، توانستند منشأ خدمات ارزشمندی در سطح کشور شوند.» وی ادامه داد: «بخش بهداشت و درمان کشور همواره کمک نیروهای مسلح را به مثابه یک عامل اساسی در کنترل فشارها و مدیریت مناسب عنوان کرده و قدردان آن هستند.»

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح اضافه کرد: «بنده نیز از فرماندهان و همه کارکنان بخش بهداشت و درمان نیروهای مسلح به‌ویژه خانواده‌های معزز شهدای حوزه سلامت که توانستند چنین خدمت شایسته‌ای را به انجام برسانند، تشکر و قدردانی می‌کنم.»

♦ بیان‌کننده رضایت امام

سرلشکر باقری افزود: «امر فرماندهی معظم کل قوا در اعطای نشان شفا و تقدیر از فرماندهان و مدیران بیان‌کننده رضایت ولی امر مسلمین جهان از تلاش‌ها و عملکرد عزیزان ما در این حوزه است که ان‌شاءالله موجب رحمت و عنایت خداوند متعال نیز خواهد بود.»

در این مراسم ضمن قدردانی از فرماندهان و مسئولان ارشد سازمان‌های نیروهای مسلح، سردار سرتیپ دوم پاسدار پزشکی حسن عراقی‌زاده، امیر دریادار دوم پزشکی مصطفی مداح، امیر سرتیپ دوم پزشکی بهزاد موذنی، سردار سرتیپ دوم پزشکی محمدرضا حسینی، سرتیپ دوم پاسدار پزشکی احمد اخوان‌مهدوی و سردار سرتیپ دوم پاسدار پزشکی احمد عبداللهی قمی نشان درجه یک شفاي نیروهای مسلح را دریافت کردند و جمعی دیگر از فرماندهان و محققان نیز موفق به دریافت نشان درجه دو و سه شفاي نیروهای مسلح از سرلشکر باقری شدند.

بیمه‌نامه حامی برای بازنشستگان

سازمان بازنشستگی نیروهای مسلح به منظور معاضدت قضایی بازنشستگان، وظیفه‌بگیران و مستمری‌بگیران محترم نیروهای مسلح اقدام به برقراری بیمه‌نامه حامی برای جامعه هدف خود کرده است.

به گزارش صبح صادق، بر اساس اعلام این سازمان در توافق بین سازمان بازنشستگی نیروهای مسلح و شرکت بیمه کوثر بیمه‌نامه حامی با هدف کاهش مخاطرات هزینه‌ای، تأمین امنیت خاطر، حفظ کرامت و ارتقای منزلت اجتماعی جامعه هدف این سازمان از ابتدای سال جاری اجرا شده است.

بر اساس اعلام این سازمان، موضوع این بیمه ارائه خدمات مشاوره حقوقی و قضایی از سوی وکلای مجرب دادگستری در دعاوی کیفری حقوقی و خانواده به صورت رایگان با فرانشیز ۱۰ درصد است.

سازمان بازنشستگی نیروهای مسلح طی اطلاعیه‌ای تعهدات بیمه‌نامه حامی را بدین قرار اعلام کرد: «ارائه خدمات مشاوره تلفنی به کلیه مشترکان تحت پوشش سازمان در سراسر کشور و ارائه خدمات مشاوره حضوری با فرانشیز ۱۰ درصد به مشترکانی که از آنها شکایت شده است.»

گفتنی است، مدت این بیمه‌نامه یک سال بوده و خدمات بیمه‌نامه حامی برای تمامی مشترکان سازمان بازنشستگی نیروهای مسلح به صورت یارانه‌ای و رایگان است.



تمدید ارسال آثار جایزه شهید همدانی

ارسال آثار به دبیرخانه «جایزه شهید حاج حسین همدانی» تا پایان تیرماه ۱۴۰۰ تمدید شد.

به گزارش صبح صادق، «حسن علایی» فعال دبیر اجرایی دومین دوره دوسالانه انتخاب آثار برتر مدافعان حرم؛ «جایزه شهید حاج حسین همدانی» با اعلام این خبر، گفت: «با توجه به استقبال ناشران و مؤلفان فعال در حوزه تألیف و انتشار کتاب درباره مدافعان حرم، تصمیم بر این شد تا فراخوان جمع‌آوری آثار مرتبط با موضوع مدافعان حرم یک ماه دیگر تمدید شود.» وی به برگزاری نوزدهمین دوره کتاب سال دفاع مقدس اشاره کرد و گفت: «نوزدهمین دوره کتاب سال دفاع مقدس با توجه به تجربه گرانسنگی که همکاران ما در این حوزه دارند، قرار است برگزار شود. ما باید از این فرصت استفاده کنیم و به جوایزی، مانند «جایزه شهید حاج قاسم سلیمانی» و «جایزه شهید حاج حسین همدانی» که در راستای کتاب‌های دفاع مقدس برگزار می‌شوند، توجه ویژه‌ای داشته باشیم و بتوانیم به حوزه نشر کشور رونق بیشتری دهیم.»

علایی به وجه تمایز جایزه کتاب سال دفاع مقدس با جایزه حاج حسین همدانی و جایزه شهید حاج قاسم سلیمانی پرداخت و گفت: «در رویداد فرهنگی کتاب سال دفاع مقدس، همه کتاب‌ها در سبک‌ها و گونه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، اما در جوایزی که اشاره شد، به‌طور خاص و ویژه و با دقت نظر کامل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.»



واریز سهمیه یکسان‌سازی تابستان

بنابر اعلام مدیریت زبارتی و سیاحتی مرکز خدمات کارکنان سپاه سهمیه یکسان‌سازی سه ماهه تابستان سال ۱۴۰۰ در کارت‌های یکسان‌سازی شاغلان، وابستگان و خانواده معظم شهدا و ایثارگران شارژ شده است.

به گزارش صبح صادق، «مهدی اسنوندی» با اعلام این خبر افزود: «مبلغ شارژ شده برای هر نفر در سال ۱۴۰۰، ۱۵ هزار تومان در نظر گرفته شده و به صورت سه ماهه در ابتدای هر فصل در کارت‌ها شارژ خواهد شد، بنابراین با احتساب سهمیه بهار و تابستان که در اول تیرماه شارژ شده، در حال حاضر در هر کارت در مجموع شش ماه شارژ انجام شده است.» وی همچنین گفت: «رستوران‌های یکسان‌سازی در سراسر کشور بر اساس ابلاغ ستاد ملی مبارزه با کرونا به صورت بیرون‌بر فعالیت داشته و در شهرهای زرد با ۵۰ درصد ظرفیت پذیرش فعال هستند.» اسنوندی افزود: «تعویض کارت یکسان‌سازی خانواده معظم شهدا و ایثارگران از برنامه‌های این مدیریت بود که کارت‌های این عزیزان که در اردیبهشت ماه تحویل اداره ایثارگران شده، از اول تیرماه همانند سایر کارت‌های یکسان‌سازی (سبز رنگ) بوده و کارت‌های قدیمی از همین تاریخ غیرفعال شدند. کلیه سهمیه یکسان‌سازی سال ۱۴۰۰ تا انتهای فروردین ماه سال ۱۴۰۱ قابل استفاده خواهد بود و بعد از این تاریخ سهمیه موجود سال ۱۴۰۰ از بین خواهد رفت، لذا همکاران محترم برای استفاده از این سهمیه تا قبل از تاریخ قید شده اقدام کنند.»



۱۵

پاسدار

شماره ۱۰۰۵ | دوشنبه ۷ تیر ۱۴۰۰

صداقت

روی خط

مشارکت بالا نتیجه روشنگری به مردم بود

۰۳۵۸۰/۰۹۱۱۰۰ آموزش‌دهنده و بجاست مطالبی که در ستون‌های صبحانه و صادقانه صفحه آخر نشریه می‌نگارید. سپاس ۰۴۷۴/۰۹۱۳۰۰۰۰ چرا از زاینده‌رود که خشک شده و ما کشاورزها را به مهاجرت و هزار بدبختی انداخته، چیزی نمی‌نویسید؟! آقای رئیسی به داد ما روستاییان برس، آب زاینده‌رود همه چیز ماست.

۰۷۲۰۳/۰۹۱۳۰۰۰۰ لطفاً تعداد صفحات صبح صادق را کم کنید. کیفیت خبر را بالا ببرید. تحلیل کم شود؛ ولی خبر زیاد. صبح صادق: هفته‌نامه‌ها معمولاً کمتر خبری هستند و مزیت نسبی آنها تحلیل‌هایشان است. اخبار در رسانه‌ها و فضای مجازی به وفور یافت می‌شود، اما تحلیل صحیح بیشتر مورد نیاز مخاطبان است.

۰۸۹۶۱/۰۹۱۴۰۰۰۰ خداوند منان را هزاران بار شکر می‌کنیم که بر ملت بزرگ ایران اسلامی منت گذاشت و رئیس جمهوری از جنس خودشان انتخاب شد. / «رضا جهانگیری» از تبریز.

۰۸۰۰۲/۰۹۱۴۰۰۰۰ در مورد دستورالعمل فرزندان دوقلو و بالاتر سازمان هر ماه در سال ۱۳۹۹ یک میلیون کمک هزینه فرزندان اعمال می‌کرد و طبق دستورالعمل گفته بودند که هر سال مبلغ افزایش خواهد یافت، اما تغییری ایجاد نشد. لطفاً به این موارد رسیدگی شود.

۰۵۴۵۹/۰۹۱۵۰۰۰۰ بعد از ۱۱ سال سابقه کار، خدمات کارکنان امسال ۱۰۰ میلیون وام مسکن برای خرید خونه دادند، با این پول میشه خونه رهن کرد نه خرید. / «باقری» خراسان شمالی

۰۹۴۰۰/۰۹۱۸۰۰۰۰ اینکه طرف مقابل جمهوری اسلامی می‌گوید اول ایران به تعهدات خود برگردد، خلاف عقل و منطق است و غلط اضافه، چون ایران یک بار به تعهداتش در برجام عمل کرد؛ ولی آنها عهدشکنی کردند، پس اول باید طرف عهدشکن تعهداتش را انجام بدهد، راستی آزمایشی هم بشود بعد ایران.

/ «زکینی» خرم‌آبادی ۰۲۱۵۸/۰۹۱۴۰۰۰۰ با سلام خدمت دست‌اندرکاران نشریه صبح صادق. قابل توجه مسئولان نیروی انسانی، بنده قبل از ورود به سپاه شش سال سابقه بیمه سنوات تأمین اجتماعی (شغل آزاد) را دارم، آیا می‌توان آن سوابق را جزء خدمت تلقی کرد؟ **صبح صادق: مسئولان نیروی انسانی پاسخ دهند.**

۰۸۶۳۳/۰۹۱۸۰۰۰۰ خدایا شکر، خدایا شکرمان را بپذیرا باش... انقلاب، امید، زندگی، اقتدار، عشق و آزادی، معیشت و نفس... بالاخره به‌ریل انقلاب برگشت... الحمدلله... سلام بر عدالت، سلام برشهدا....

۰۹۸۲۶/۰۹۱۲۰۰۰۰ با زحمت عزیزان و روشنگری و بیانات داهیهانه رهبر عزیزتر از جان‌مان مشارکت مردم در انتخابات اخیر غیر قابل پیش‌بینی شد. بله به جای ورود مصداقی، باید روشنگری کرد و مردم را نسبت به آنچه دارند در آینده با رأی دادن یا رأی ندادن و رأی درست دادن می‌سازند، بیم و امید داد.

سامانه پیامکی صبح صادق ارائه پیشنهاد، نظرات، انتقادات و مشکلات ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

۳۵۳۳۴۵۰۶
۳۵۲۳۲۴۲۲

ارتباط با سردار صفری مشاور امور ایثارگران فرمانده کل سپاه

صداقت

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی

سردبیر:علی حیدری

شورای سیاست‌گذاری:

علی قاسمی،سیامکباجری،سعداللهزایعی،

فرهادمهدوی،مهدی‌سعیدی،فتح‌الله‌پیشان،

محمدرضامهدیاراسماعیلی،حسین‌عبداللهی‌فر

دبیرتحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی

مدیرفنی: محمد صالح نادری

صفحه‌آرا:علی اکبر هدایتی

عکاس: حامد گودرزی

ناظر چاپ:سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سیاه: ۳۸۵۲۴۴۶ (۰۲۱)

تلفن: ۰۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)

ssweekly.ir

@ssweekly

info@ssweekly.ir

نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۰۰۵ | دوشنبه ۷ تیر ۱۴۰۰

کتیبه سبز

وادی عین‌الیقین

هفتم تیر است و خاطر‌ساز درد

از به خون غلتیدن مردان مرد

در دل آتش خلیلی شعله‌ور

بت‌شکن مردی به دوش او تبر

کربلای آتش است و آه و دود

غرقه در خون عاشقانی در سحود

غرقه در خون جسم هفتاد و دو تن

لاله‌های پرپر خاکِ وطن

در عبور از وادی عین‌الیقین

کربلایی کرده برپا آتشین

آن بهشتی زاده اهل بهشت

آن ابوذر صورتِ اشتر سرشت

همچو مردان مدافع بر دمشق

شد بهشتی کُشته‌ای در راوعشق

او مدافع بر حریم یار شد

کربلا را او علم بردار شد

او بهشتی بود و اهل درد بود

وصف او در یک کلام، او مرد بود

در میان آتش و آوار و دود

گُم شد او در وادی کشف و شهود

از بهشتی گفتم و دردی غریب

شد قلم مست از شمیم عطر سبب

یک‌نفس ره مانده زهرایی شوم

تاشهیدان اهورایی شویم

ای سپاه و لشکر آزاده کیش

در پی قاسم سلیمانی به‌پیش

منصورنظری

صبحانه

قضاوت و انسانیت

در دنیای «قضاوت‌ها» تنها به این نکته توجه می‌شود که دیگران بر اساس نظر ما چگونه‌اند؟ چطور با ما رفتار می‌کنند یا چطور حرف می‌زنند؟ دیگران را تنها با چند لحظه دیدار قضاوت می‌کنیم و برچسب می‌زنیم، اما در درون هر کس چیزی وجود دارد به نام انسانیت که آن را جز در مواقع خاص نمی‌توان درک کرد. انسانیت چیزی است که در ظاهر افراد نمود ندارد، اما اگر خود را به نمایش بگذارد، در دیگران تأثیری عجیب و شگرف خواهد گذاشت.

تلاخد

در دسرهای وکیل ترامپ! /

دادگاه ایالتی آمریکا به علت بی‌بایه‌های دروغ در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا پروانه وکالت رودی جولیان، وکیل شخصی ترامپ را تعلیق کرد.



داستان

عکس

می‌خوام بزارم اینجا روی میزم که همش جلو چشمم باشه...

از اینکه ادای آدم‌های بساکلاس و خاص را درآورده بودم، حس غرور سر تا پایم را گرفت، اما آقای آذری، مدیرم نگذاشت از این حس لذت ببرم. وارد اتاق شد و پرونده‌های روی میز و من را که هنوز تلفن به دست بودم، دید و دو سه تا تشر زد و رفت. اوقاتم تلخ شد؛ ولی خودم را سریع جمع و جور کردم و برای اینکه بهانه دستش ندهم، بالاخره بعد از دو ساعت گشت و گذار در تصاویر تلفن، کارم را شروع کردم. باز هم در ذهنم دنبال عکس‌های زیبایی نازنین بودم. شاید هم بهتر بود عکس سه نفره‌ای پیدا کنم و روی میز بگذارم. یک خانواده خوشبخت!

هسوارو به گرمی می‌رفت و کار من همچنان زیادت‌ر. باید جواب دو روز مرخصی را امروز پس می‌دادم. ارباب رجوع‌ها مدام در حال آمد و رفت



نقیسه محمدی

دبیر گروه جوان



دنبال عکسش بودم. یک عکس زیبا که در آن بخندد و ششور و شوق را به من هدیه کند. چند وقت قبل که برای دیدن مادرم رفته بودیم شمال، عکس‌های زیادی گرفتم. تولد نازنین بود و چقدر خوش گذشت. دختر کوچکم با آن موهای فرفری مشکی همه‌جامی خندید و به همه انرژی می‌داد. دو سه تا را گلچین کردم و به شیم، همکارم نشان دادم. هر سه را پسندید و کلی از خنده‌ها و چال روی گونه نازنین تعریف کرد. بعد هم پرسید: «برای روی میز می‌خوای؟ یا واسه دیوار خونه؟»

لبخند شکوهمندانهای زدم و گفتم: «نه بابا خونه که پره از تصاویر جورواجور خاتم،

سلامت

سکته قلبی با روغن جامد



زهرا وحیدی نیا

کارشناس علوم تغذیه

مصرف روغن‌های جامد و نیمه‌جامد، باعث رسوب اسیدهای چرب اشباع در رگ‌ها، آترواسکلروز(سفت شدن جدار عروق)، تنگی و انسداد عروق قلب و سکته قلبی می‌شود. بر اساس نتایج آخرین یافته‌های علمی در جهان، مصرف روغن‌های جامد و نیمه جامد به علت دارا بودن اسید چرب ترانس بالا خطر بروز سرطان سینه در خانم‌ها و سرطان پروستات در آقایان را افزایش می‌دهد. اسیدهای چرب اشباع موجود در روغن جامد مبتلا به بیماری‌های قلبی و عروقی و انواع سرطان‌ها را به دنبال دارد. روغن نیمه جامد هم در مقایسه با روغن‌های گیاهی مایع، مقادیر بیشتری اسید چرب اشباع و اسید چرب ترانس دارد و مصرف آنها خطرهایی، مانند افزایش کلسترول بد خون (LDL)، تنگی و انسداد عروق قلبی و در نهایت سکته قلبی را به دنبال دارد. توصیه می‌شود برای پیشگیری از بیماری‌های قلبی و عروقی از روغن‌های مایع با منشأ گیاهی استفاده شود. چربی‌های مایع، روند بروز آترواسکلروز (سفت شدن جدار عروق) را کند می‌کند. روغن نباتی مایع درصدا بسیار کمی اسید چرب اشباع و مقادیر قابل ملاحظه‌ای اسیدهای چرب غیراشباع دارد که برای حفظ سلامت قلب ضروری است. همچنین میزان اسید چرب ترانس آن کمتر از ۲ درصد و در بعضی از روغن‌های مایع تقریباً صفر است که زیروترانس نامیده می‌شوند.



صادقانه

خوش‌بینی به خداوند

امام رضا(ع) می‌فرمایند: «به خداوند خوش‌بین باش! زیرا هر که به خدا خوش‌بین باشد، خدا با گمان خوش او همراه است و هر که به رزق و روزی اندک خوشنود باشد، خداوند به کردار اندک او خوشنود باشد و هر که به اندک از روزی حلال خوشنود باشد، بارش سبک و خانواده‌اش در نعمت باشد و خداوند او را به درد دنیا و داروی آن بینا سازد و او را از دنیا به سلامت به دارالسلام بهشت رساند.»

(تحف‌العقول، ص ۴۷۲)

قبیله عشق

عاشق مولا علی(ع)



داوود خیلی دوست داشت مثل حضرت زهر(اس) شهید بشود.

همیشه این را می‌گفت. صبح روز عملیات بدر، در مسیری که دوشگاهای دشمن بدجوری شلیک می‌کردند، داوود را دیدم که چهار زانو روی زمین نشسته و چشم‌های مشکی‌اش همچنان زیبا می‌نمود. چغیه سفیدی به دور کمر بسته بود. جلو که رفتم، دیدم گلوله‌ای از پهلوی چپ او وارد و از پهلوی راستش خارج شده، خون داشت بیرون می‌زد اما داوود خونسرد نشسته بود. انگشتان دست‌هایش را در هم پیچیده بود و فشار می‌داد. خیلی به خودش فشار می‌آورد. در همان حال نشسته با صدایی گرفته و سخت زمزمه‌ای به گوشم رسید، داوود بود که می‌خواند:

ذکر دل بود یا علی مدد

بی‌حد و عدد یا علی مدد

این را که به پایان رساند، آرام با صورت بر زمین افتاد و به شهادت رسید. همان‌گونه که خودش دوست داشت، با عشق به حضرت زهر(اس) و حضرت علی(ع)!

به نقل از غلام رزاقی هم‌رمز شهید

داوود عابدی دخترآبادی هفتم فروردین ۱۳۴۲ در تهران متولد شد. او با اخلاص و معتقد بود و با همه مهربان و دلسوزانه رفتار می‌کرد. وی اسفند ماه سال ۱۳۶۳ طی عملیات بدر به درجه رفیع شهادت نائل آمد. شهید عابدی که یکی از یلان گردان میشم بود، با صدای رسا و قشنگی روضه می‌خواند و با لهجه اصیل تهرانی و بسیار تودلی دعا می‌کرد. بچه‌ها به داوود می‌گفتند: «داوود غزلی!». شهید عابدی بسیار به شهید ابراهیم هادی شبیه بود و با اینکه یک بار هم شهید هادی را ندیده بود، مردش بود.

حسن ختام

جان ندهیم چه کنیم؟

حسن نوروزی

نویسنده

گاهی اوقات از شدت غصه دل‌مان می‌خواهد با عجز و لایه تمام گریه کنیم، ولی انگار در این جور شرایط یک‌قاعده نانوشته هست که نمی‌گذارداشک جاری شود و به جایش هی روی سینه‌ات غمی بزرگ‌تر و بزرگ‌تر ورم می‌کند؛ آنقدر که نفس بند می‌آید و اشک خشک می‌شود. آقا جان، ما بعد این سال‌ها شکسته‌تر شدیم. یعقوب شدیم. چشم سپید کردیم. برف‌پیری به روی موها بار اندیم. جلوی آینه‌ه ایستادیم و غبار پیری از روی لباس نکاندیم. آرام بغض کردیم و دستمال سرخ به روی الماس‌های چشم کشاندیم. گفتند غصه چی را می‌خوری؟ حرف نزدیم و خلاصه کردیم و گفتیم: هیچ، بگذریم!

حکایت ما و این شدن‌ها و سوختن‌ها، حکایت پروانه است و آتش. باید برای شما بسوزیم و جان بدهیم. اصلاً جان ندهیم و نسوزیم چه کنیم؟